



پیام فدائی

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

مرکب برای پریایم
و مکتبای زنجیریش

بها: ۵۰ ریال

فروردین و اردیبهشت ۶۷ - ۶۲ صفحه

سال سوم شماره ۱۹

کنگره هشتم حزب دمکرات و تداوم سیاستهای انحرافی

حزب "دم زند و تازه به این پس
قناعت نکرده و با "روحیه"
تمام، خود را معلم دمکراسی
جایزند.
اما هنوز مرکب قطعنامه های
کنگره هشتم خشک نشده بود و
هنوز دو مسأله از کنگره ای که
رهبری حزب دمکرات ادعا میکرد:
انگونه ای منحوس یکبارچه سیاست
در صفحه ۷

برگزاری کنگره هشتم حزب
دمکرات کردستان ایران در بهمن
ماه سال ۶۶ فرصت دیگری برای
رهبری این حزب بود تا با
استناد به آن، کمالات بطور
عبر واقعی از وجود فضا و روابط
دمکراتیک در درون حزب دمکرات
داد سخن داده و ضمن بدگوشی از
دیگران با خودشان های همیشه
از "استقرار دمکراسی در داخل

سرمقاله



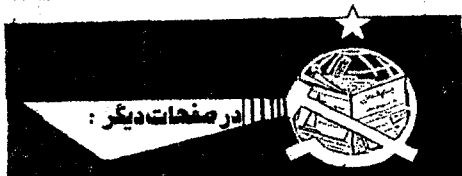
قانون کار
جلوه ای از ماهیت
ضد کارگری جمهوری اسلامی

با تصویب قیاسون کار
در مجلس شورای اسلامی، رژیم
ضد کارگری جمهوری اسلامی می رود
تا سرانجام در دهمین سال حیات
ننگینش دارای "قانون کار"
ویژه خود گردد. قانونی که با
تأیید مناسبات ظالمانه حاکم
بر روابط کارگر و سرمایه دار،
آنرا در چارچوب ضوابط و مقررات
مشخص شکل میدهد.

این قانون که پس از
چند سال مبارزه کارگران بر علیه
لوايح گوناگون کار و کشمکش و
مشاجره بین جناحهای مختلف
طبقه حاکمه و پس از فتوای
خمینی جنایتکار مبنی بر اینکه:
"دولت میتواند شروط الزامی را
مقرر نماید" و سرو صدائی که
پرسر این مسئله پیا شد، قرار
است تا پس از گذشتن از صافی
در صفحه ۲

نقش آموزش و پرورش تحت حاکمیت جمهوری اسلامی

در صفحه ۶۲



پیام چریکهای فدائی خلق ایران
بمناسبت
۱۱ اردیبهشت روز جهانی

کارگر در صفحه ۶۲

- * اطلاعیه چریکهای فدائی خلق ایران
- درباره انشعاب اخیر در درون حزب
- دمکرات کردستان ایران ۱۲
- * فاجعه فرینسی جنگ شهرها
- در کردستان ۲۴
- * شعر: در ستایش از انقلابی ۲۶
- * اخبار ۴۴
- * روز شمار ۶۰
- * شهیدای فروردین و اردیبهشت
- چریکهای فدائی خلق ایران ۶۰

پیام
چریکهای فدائی خلق ایران
بمناسبت
نوروز ۶۷

در صفحه ۶۲

گزیده های آزاد یومهای چریکها :

فرماندهان و دولت مزدور جمهوری اسلامی

زمینه جنی جمهوری اسلامی جهت استفاده از
سلاحهای شیمیایی در جنگ شهرها

کردستان و خواهبای خوش سرمایه داران وابسته
در صفحه ۳۶

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

قانون کار جلوه‌های از ماهیت وندگاری جمهوری اسلامی

از صفحه ۱

نماه

کارگاه

اسلامی است با نادیده گرفتن تمامی دستاوردهای مبارزات طبقه کارگر و حتی لغو آن اندک حقوقی که در "قانون کار" فعلی برای کارگران اقل از روی کاغذ در نظر گرفته شده است. بنابر این حقوق کامل و استمرار و حیثیت کارگران را قانونیت بخشد. از اینرو در سال ۱۳۶۱ از طریق توکلی وزیر کار وقت - مزدور جنبانکاری که در پیشرفتی حسی دست هممالگهای پیشرفتی را نیز از پشت بسته بود - بنه طرح قانون کاری مبادرت نمودند ، که در آن حتی وجود طبقه کارگر نیز انکار گشته و کارگران در آن بنام کارپذیر نامیده میشدند، اما این "قانون کار" فوق ارتجاعی سریعاً با موج اعتراض و مخالفت طبقه کارگر قهرمان ما مواجه گشته و تحت فشار مبارزه کارگران پس گرفته شد.

مبارزه قهرمانانه کارگران بنه سرمایه داران وابسته نشان داد که ارزیابیشان از "شرایط" و قدرت طبقه کارگر بعیناً چه حد نادرست بوده

دستانش تنها مرفق به خون کارگران ستمدیده ما آغشته است ، در جهت کتمان تمامی فجایعی که جمهوری اسلامی برای کارگران به ارمغان آورده است با وقاحت تمام از مبارزاتی که برای احقاق حقوق کارگران تا کنون شده است دم زده و در نماز جمعه ۲/۹/۶۷ میگوید: اقدامات زیادی برای احقاق حقوق کارگران انجام گرفته که از بین آنها قانون کار بود که در مجلس تصویب شده و با اصلاحاتی ابلاغ خواهد شد . اما نگاهی بنه محتوای عمیقاً ضدکارگری این قانون و همچنین بررسی هرچند مختصر روندی که قانون کار کذاش در طی آن تدوین گشته است ، کذب تمامی ادعاهای سردمداران رژیم را برملا میسازد .

پس از یورش و حیثیت سراسری رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در خرداد سال ۶۰ ، به انقلاب و دستاوردهای آن و پس از سرکوب ددمستانه سازمانهای مترقی و کارگران مبارز ، سرمایه داران زالو صفت شرایط را برای طرح و تصویب "قانون کار" جمهوری

شورای نگهبان و صد البته پس از "اصلاحاتی" که تازه "فقههای" این شورا در جهت پایداری نمودن هرچه بیشتر حقوق کارگران در آن اعمال خواهند نمود ، ناظر بر روابط کار و سرمایه در کشور گردد .

از آنجا که جناحهای از رژیم بنه استناد به فقه اسلام مخالفت خود را با بخشی از مواد قانون مزبور علناً ابراز نموده و پیشروان از پذیرش بدیهی ترین حقوق کارگران حتی در روی کاغذ نیز خودداری ورزیده اند ، بنه تصویب قانون کذاش جیره - خواران رژیم در کارخانجات به تکاپو افتاده تا با استناد به تضادهای درونی حاکمیت و با لاپوشانی چهره ضدکارگری کل نظام موجود و رژیم حافظش ، ریاکارانه وزارت کار و دولت ضدخلق را حامی کارگران قلمداد نموده و اینطور جلوه دهند که در قانون مزبور بنه اعتبار کوششهای این "جناح" به "حق و عدل" توجه زیادی شده است ، و از همه مضحک تر تبلیغاتی است که رفسنجانی در این زمینه براف انداخته است ، این مزدور که

برگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی



و شرایط زیناد هم برای ترکنازی آنها آماده نیست و به همین دلیل هم بود که مزدورانی چون منتظری تاکید کردند "تا ایجاد شرایط" که "فارغ البال" بتوان خواستهای بورژوازی وابسته را به نام و کمال در قانون کار گنجانند بهتر است به "اصلاح قانون گذشته" بسنده شود و برای تصویب "قانون کار" عجله نگردد.

ولی چه نیازی برای تصویب قانون کار جدید از طرف رژیم مزدور جمهوری اسلامی وجود داشت و چرا حتی قانون ارتجاعی دوره شاه نیز پاسخگوی نیازهای جمهوری اسلامی نبود و کار با "اصلاح قانون گذشته" نیز بیش تمیرفت؟ مگر مسئله برسر نامین منافع بورژوازی وابسته در مقابل کارگران ستمدیده نیست؟ و مگر "قانون کار" آریامهری دقیقاً بسمه ضرر طبقه کارگر و در جهت منافع سرمایه داران زالوصفت تدوین نگشته بود؟ پاسخ این مسئله را نه در ماهیت متفاوت دو رژیم وابسته به امپریالیسم شاه و جمهوری اسلامی و نه در تفاوت بااصطلاح نوع بورژوازی که این دو رژیم نمایندگی آنها را به عهده داشته اند بلکه باید در تفاوت دو شرایط جستجو کرد که هر یک از این رژیمها، در آن شرایط، به حفظ و حراست از نظام

سرمایه داری وابسته ایران و نامین منافع بورژوازی وابسته به امپریالیسم مشغول بوده اند. تاکید سرمایه داران وابسته و رژیم جمهوری اسلامی بعنوان حامی آنان بر تغییر قانون کار آریامهری که خود منعکس کننده منافع و مصالح نظام سرمایه داری وابسته ایران بوده و همین دلیل نیز قانونی ارتجاعی و ضد کارگری است از تغییر شرایط نشأت میگیرد که وجه مشخصه آن در عمده ترین خطوط، بحران شدید اقتصادی و مبارزات و اعتراضات طبقه کارگر فهرومانی است که قیام بر عظمت ۲۲ بهمن را پشت سر گذاشته، طبقه کارگری که بمراتب آگاهتر و دارای روحیه مبارزه جویانه تری نسبت به دوران شاه است، طبقه ای که حتی در اوج وحشیگری های رژیم مزدور جمهوری اسلامی پس از ۲۰ خرداد، یکپارچه و پر صلابت بسمه مقاومت انقلابی در برابر ارتجاعی دست ساز توکلی مزدور برخاست و به چنان مبارزه ای دست یافت که سردمداران حامی سرمایه داران زالسو صفت را مجبور ساخت توکلی و طرح قانون کارش را بسمه کنار نهاده و چاره اندیشی دیگری نمایند. اگر نگاه با سرکوب و حشیانه جنشمای نموده ای بر زمینه نگت مبارزات پیشین و جنایت بااصطلاح رهبران و فقدان

مبارزه انقلابی جاری وسیع در جامعه قبل از حماسه سیاهکل در سال ۴۹ توانسته بود روحیه یأس و ناامیدی را سر تیده ها مسئولی گرداند و به این اعتبار از ایران بعنوان "جزیره ثبات و آرامش" که در آن نیروی کار ارزان به وفور یافت میشود نام ببرد و امپریالیستها را برای سرمایه گذاری و استثمار لجام گسیخته، طبقه کارگر ایران دعوت مینمود، اگر در دوران شاه امپریالیستها در وضعی قرار داشتند که خواهان افزایش تولید و فروش نفت ایران بودند و ارز حاصل از فروش نفت روند شتابانی بسمه سرمایه گذاریها بخشیده و اقتصاد کشور را در تب و تاب بیمار گونه رشد روزافزون سرمایه گذاریهای گوناگون قرار داده بود.

جمهوری اسلامی در شرایطی وظیفه حفظ و حراست از نظام جایزانه موجود را برعهده گرفته است که "جزیره" نه با "ثبات و آرامش" بل با "تلاطم و انقلاب" مواجه است. نه تنها روحیه یأس و ناامیدی بر کارگران مسامستولی نیست و کوششهای رژیم جمهوری اسلامی نیز در این زمینه علیرغم انواع روشهای ددمشانه و قساوت آمیز نه نتیجه نرسیده است بلکه طبقه کارگر از روحیه ای مبارزه جویانه ای برخوردار بوده و با



بیشتر سرگذشتی مبارزات سالهای ۵۷-۵۶ و متمسک دستاوردهای درخشان قیام بهمن با پوست و گوشت خنود تجویبات بس گرانبهاش کسب کرده و از آگاهی پس سلالاشی نسبت به قبل برخوردار میباشد که عکس العمل اعتراض نسبت به طرح قانون کار نوکلی خود کوبی این واقعیت میباشد. و همین واقعیات نیز باید در برخورد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نسبت به کارگران به حساب آید. از طرف دیگر این رژیم در شرایطی بر اریکه قدرت نشسته است که با توجه به بحران نظام سرمایه داری جهانی و وابستگی اقتصاد ایران به این نظام، بحران سراهای نظام سرمایه داری وابسته ایران را فرا گرفته و رکود حاکم بر اقتصاد کشور هر روز کارخانجات بیشتری را از دور تولید خارج ساخته و کارگران را دسته دسته به ارزش عظیم بیکاران مینماید.

بنابر این وجود چنین شرایطی متفاوت از شرایط دوران است که رژیم جمهوری اسلامی این رژیم سرمایه داران وابسته را بر آن میدارد که علیه علیرغم اینکه قانون کار آریامهری خود قانونی ضدکارگری است، خواهان تغییر آن باشد. و این وظیفه را بر دوش خود احساس نماید که برای تأمین منافع طبقه خود و

پاسخگویی به الزامات شرایطی که نظام موجود در آن قرار گرفته است "قانون کار" جدیدی را تدوین نماید. قانون کاری که پاسخگوی نیازها و مصالح طبقه حاکمه در شرایط کنونی باشد. برای این منظور همانطور که گفته شد پاسخگویی به دو معضل اساسی است، معضل بیکاری رو به تیزتر کارگران بر اثر رکود حاکم بر اقتصاد و مسئله مقابله با روند رشد وابنده مبارزه طبقه کارگر، قانون کار جدید، باید بندهای لازم در این زمینه را برای محکم تر کردن زنجیرهای اسارت طبقه کارگر در خود منعکس سازد و الحق که "قانون کار" اخیر جمهوری اسلامی نیز چنین کرده است.

حال بگذارید مختصراً به محتوای "قانون کار" مصوبه مجلس ارتجاعی رژیم نظری بیافکنیم. با نگاهی به "قانون کار" کدانی و مقایسه آن با مطالبات برجسته کارگران خواهان آن هستند و از آن کمتر حتی با مقایسه بندهایش از این قانون با قانون کار رژیم سابق بعنوان قانونی ضدکارگری دیگر بروشنی مساهمت ضدکارگری و ارتجاعی قانون کار جمهوری اسلامی آشکار گردیده و تبلیغات فریبکارانه جیره خواران رژیم در رابطه با "احقاق حقوق کارگران" آنها در چارچوب رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری

اسلامی نقش بر آب میگردد. همانطور که اشاره کردیم در بررسی قانون کار رژیم بخصوص باید به شرایطی که نظام سرمایه داری وابسته ایران در آن قرار دارد یعنی بحران شدید اقتصادی و رکود حاکم بر اقتصاد کشور توجه نمود، امری که بر اثر آن روزی نیست که دسته ای از کارگران به خیل انبوه کارگران بیکار اضافه نکردند و کارفرمایان به اشکال گوناگون، از بازنشستگی و باز خرید گرفته تا اخراجهای دستجمعی و خواباندن تولید و اعلام ورشکستگی، حق و حقوق کارگران را پایمال نمایند. در نتیجه قانونی که در چنین شرایطی تدوین میگردد به ویژه باید به مسئله تعهدات و دیون کارفرمایان در مقابل کارگران که هر لحظه در خطر اخراج و بیکاری قرار دارند و امکانات کارگران در مقابله با این اوضاع برخورد نماید و اتفاقاً "قانون کار" جمهوری اسلامی نیز به این مسئله برخورد کرده است ولی چگونه، اگر در قانون کار آریامهری مزید کارگران "در عداد دیون ممتاز کارفرما" قرار داشته که "باید قبل از سایر قروضی حتی دیون مالیاتی تأمین و پرداخت" گردد، در قانون کار جمهوری اسلامی این امر نادیده انگاشته شده و به این

وسيله امتياز پس بزرگی از جیب کارگران و سرمایه داران زانو صفت داده شده است .

اگر وجود چنین قانونی در دوره شاه با توجه به درصد ضعیف بسته شدن کارخانجات و موسسات تولیدی امری نبود که بالفعل به ضرر سرمایه داران باشد ولی بر صنعت بودن لغو این بند از قانون کار گذشته برای سرمایه داران در شرایط بحران اقتصادی کنونی ، در شرایط تعطیل موسسات و بیکار شدن وسیع کارگران که به بالا کشیدن دسترنج کارگران بوسيله کارفرمایان رسمیت میبخشد .

واقعیتی است کسسه با برجستگی تمام آنداز میباید و به این ترتیب جمهوری اسلامی با لغو "دیون ممتازه" از قانون کار سابق از قانون طاعت "بسیز گانه" عقب تر گذاشته و با باطل نمودن حقوق کارگران در زمینه فوق ، ماهیت ضدکارگری خود را نشان میدهد .

اگر بر اساس قانون کار آریه مهری کارفرمایان حداقل از لحاظ قانونی مجبور بودند در شرایط ورشکستگی یسنا تعطیل کارخانه قبیل از پرداخت سایر فروش خسود دستمزد کارگران کارگاه خویش را تامین نمایند ، امسا اکنون و بنابه قانون کار جمهوری اسلامی که مزدورانی چون زمسجانی ادعا میکنند در آن

خسوق کارگران بااصلاح احقاق گردیده است با لغو بند "دیون ممتازه" کارفرمایان تعهدی در پرداخت دیسون خود نسبت به کارگران بر عهده نخواهند داشت و "فارغ البال" از پرداخت دسترنج کارگران خودداری خواهند ورزید ، بدیسون طریق رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی با لغو ماده "دیون ممتازه" به این دلیل بااصلاح شرعی که در شرایط ورشکستگی ، کارفرما "صاحب عین مال خودش" میباشد و پس از کسر "عین مال" اگر چیزی "باقی ماند" به کارگر تعلق میگیرد . بورژوازیین خدمت را در این شرایط به سرمایه داران نموده و با وقاحت و بیشرمی کامل ضدت خود را با "طنقه کارگر" نشان داده است .

مبحث دیگری که در رابطه یسنا قانون کار کدائی جمهوری اسلامی بویژه بساید مورد توجه قرار گیرد ، علاوه بر مواردی خون پذیرش دستمزد جنس بعنوان یکی از شیوه های عقب مانده و استثمار کسوانه پرداخت مزد کارگران و اضافه کاری ، و تعیین ۴۴ ساعت کار در هفته بجای ۴۰ ساعت که مورد مطالبه کارگران بوده است ، آنها در شرایطی که در بعضی از کشورهای سرمایه داری ساعات کار هفتگی به ۲۵ ساعت تقلیل یافته است ، مسئله عدم رسمیت حق اعتصاب و تشکلهای مستقل کارگری در این

قانون میباشد . اینس واقعیتی است که طبقه کارگر ایران از دیرباز تحت سیطره رژیمهای وابسته به امپریالیسم در حالیکه در شرایط استثمار شدید شرایط کار طاقت - فرسایش قرار داشته از حق تشکل و مبارزه جهت بهبود شرایط کار و زندگی خویش محروم بوده است و هر مبارزه طبقه کارگر در این زمینه بسنا سرکوب شدید پلیس مواجه گشته که کشتار کارگران کوره پزخانه ها در سال ۱۳۳۲ و کشتار کارگران مسازر جهان جهت بدست پلیس مزدور شاه تنها نمونه هاش از آن میباشد . حال در سس شرایط ارتقاء آگاهی روزافزون طبقه کارگر ایران و رشد مبارزات این طبقه ، لازم بود کسه تدوین کنندگان قانون کار جمهوری اسلامی یکبار دیگر بر این مسئله تأکید نموده و هرگونه آزادی تشکل و برخورداری از حق مبارزه را از کارگران سلب نمایند . و الحق که قانون کار کدائی جمهوری اسلامی نیز چنین کرده است .

در این قانون در حالیکه شرایط استثمار طبقه کارگر توسط سرمایه داران مویه مو و با دقت تصویب شده ، در حالیکه دست سرمایه داران برای اعمال هرگونه فشار به کارگران باز گذاشته شده است ولی حق برای کارگران جهت مبارزه برای بهبود

شرایط کار و زندگی خود در قبال سرمایه داران به رسمیت شناخته نشده و در رابطه با امر تشکل طبقه کارگر تدوین کنندگان قانون کار جمهوری اسلامی حق تشکیل سندیکا و اتحادیه را از کارگران سلب نموده و انجمنها و شوراهای اسلامی کارخانجات را بعنوان بااصطلاح تشکلهای کارگری رسمیت داده اند، در این زمینه برخورد بسبب دو قانون کار صدکارگری شاه و خمینی تجربه هاش را بسبب دست مینهد. در قانون کار آریامهزی کارگران در تشکیل سندیکا و اتحادیه قانوناً آزاد بودند ولی این قانون کارگران را از "دخالت در امور سیاسی" منع میکرد، البته آنچه در عمل اجرا میشد نه فقط ممنوعیت "دخالت" کارگران در امور سیاسی بلکه ممنوعیت هرگونه تشکل و افعا کارگری برای مبارزه در امور اقتصادی طبقه کارگر بود و رژیم شاه با ایجاد اتحادیه هسسا و سندیکاهای فرمایشی که در عمل محل تجمع جاسوسان رژیم بودند عملاً این تشکلهای فرمایشی را جایگزین تشکلهای مستقل کارگری نموده بود. مجموعه این روند از نظر سرمایه داران وابسته در آن دوره و رژیم شاه منطبق بر شرایطی بود که طبقه کارگر ما در آن بسر میبرد. ولی موقعیت این طبقه در پشت سر گذاشتن مبارزات سالهای ۵۲-۵۶ و تشکیل تشکلهای

مستقل خود از جمله سندیکاهای شوراهای کارگری در شرایط اعتدالی روحیه انقلابی و ارتقاء آگاهی سیاسی آنان و در حالیکه بحران اقتصادی زمینه های عینی رشد مبارزات کارگری را هرچه بیشتر فراهم ساخته موجد شرایطی گشته است که قانون کار آریامهزی از زمینیه فوق الذکر برای آن غیر متناسب میباشد و منافع سرمایه داران وابستیه ایجاب میکرد که این ماده را بالکل تغییر دهند تا قانون با الزمات شرایط کنونی نظام سرمایه داری وابسته انطباق هرچه بیشتری پیدا نماید. براین اساس در قانون کار جمهوری اسلامی نه تنها حق کارگران در تشکل سندیکاهای و اتحادیه های مستقل خود حتی بر روی کاعد برسمیت شناخته نشده است بلکه این قانون با بشرمنی تمام ابزارهای سرکوب رژیم در کارخانجات یعنی انجمنها و شوراهای اسلامی را بعنوان ارگانههای خود بجای تشکلهای کارگری جازده و به این عنوان آنها را به رسمیت شناخته است. ارگانهای که کارگران ما به حق آنها را بخش از ماتین سرکوب جمهوری اسلامی تلقی نموده و خواهران انقلابی شان بوده و در این جهت میکوشید.

مسئله بررسی کتابک بندهای قانون کار جمهوری اسلامی خاکی از مساهبت ارتجاعی و صدکارگری قانون مزبور میباشد و

مناظر که با بررسی تشکلهای که در این مقاله به آنها پرداخته شد نشان دادیم این قانون بیسائنگر ضدیت جمهوری اسلامی بسا کارگران و تلاش این رژیم در شرایط بحران نظام موجود برای تامین منافع سرمایه داران میباشد. در نتیجه کارگران مبارز ما باید برعلیه این قانون ارتجاعی به مبارزه خود گسترش هرچه بیشتری بخشیده و در همانحال به مقابله با تبلیغات جهنمی رژیم در کارگاهها و کارخانجات که بمنظور فریب کارگران و ائتلاف انرژی مبارزاتی آنها صورت میگردد برحیزند و اجازه ندهند که رژیم بسا فریب هم زنجیرانشان در صفوف آنها شکاف انداخته و شرایط نکت بار کنونی را تداوم بخشد. کارگران آگاه باید ضمن تشریح ضرورت و حتمیت سرنگونی جمهوری اسلامی به دیگر کارگران و نظام سرمایه داری وابسته این عامل اصلی زندگی فلاکتیارشان را بسبب آنها شناساند و راه رهائی از سلطه سرمایه داران را بصفت را به آنها نشان دهند. کارگران باید بدانند که تنها با شرکت هرچه فعالتر آنها در مبارزه برعلیه نظام موجود و اعمال رهبری طبقه کارگر بر این مبارزه است که امکان ناپودی نظام جابرانه سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم برای محور هرگونه استثمار فرد از فرد و رهائی کسامل کارگران بدست میباشد.

کنگره هشتم حزب دمکرات و تداوم سیاستهای انحرافی

از صفحه ۱

رهبری حزب را مورد تصویب (X) قرار داده است نگذاشته بود که خبر انشعاب بزرگی در حزب دمکرات درهه جا منعکس گردید، انشعابی که بنسبتون شك حاصل بسن بست سیاستهای این حزب میباشد، و معلوم شده که عده قابل توجهی از اعضاء اصلی و علی البدل کمیته مرکزی و کادرها و پیشروگان حزب بنا بدلائلی چند از جمله شدت یساری تمایلات "دیکتاتورمناآبانه" و "ضدمکراتیک" و فکشدان فضای دمکراتیک در حزب دمکرات و بدلیل برخوردهای غیر دمکراتیک در کنگره هشتم و "زیربانهادن روشهای معمول و دمکراتیک در انتخابات حزبی" انشعاب کرده و تحت نام حزب دمکرات کوردستان ایران (رهبری انقلابی) اعلام موجودیت نموده اند.

انشعاب در حزب دمکرات همچون هر انشعاب دیگری در این دوران تا حدودی پرده از روابط درونی حزب برداشته و اعمال غیر دمکراتیک جاری در زندگی حزب را تا حدی در مقابل دید همگان قرار داد و بویژه فقدان دمکراسی در کنگره های حزبی از جمله کنگره هشتم را آشکار ساخت. یعنی همان کنگره ای که رهبری حزب از آن بمشابه دلیلی بر ايمان و اعتقادش به "دمکراسی

دمکراتیک مورد نظر این حزب را دریافت.

اگر بررسی روابط حاکم بر حزب و کنگره های آن بیانگر عدم احترام بسه راه و رسم دمکراسی و استقرار دمکراسی در این حزب میباشد و اگر کنگره های این حزب سیاست مفهوم واقعی دمکراسی در نزد این جریان را آشکار میسازد. از آنجا که عدم خواست و توانائی يك جریان سیاسی در برقراری روابط دمکراتیک در درون خود بیانگر عدم اعتقاد او به اصول دمکراسی نه فقط در درون تشکل خود بلکه در سطح وسیعتر در جامعه میباشد و از آنجا که اتفاقاً حزب دمکرات ظاهراً و در حرف منکر این امر نبوده و حتی مدعی است که قضاوت در مورد صداقت در طرح خواستهای يك نیروی سیاسی را باید از برقراری دمکراسی در درون صفوف خود اخذ نمود همچنانکه در کوردستان شماره ۱۲۴ آمده است: "واقعیت این است که هر حزب و سازمان سیاسی که شعار دمکراسی بر میدارد و خواستار دمکراسی میشود تا زمانیکه این دمکراسی را در میان صفوف خود برقرار نساخته و احترام به رعایت آنرا معمول نکرده است نه فقط نمیتواند موجبات استقرار دمکراسی در جنبه های گوناگون حیات جامعه را فراهم سازد بلکه حتی نمیتواند ادعا کند که در طرح

و اصول دمکراتیک درون حزبی" بساد میکند، این واقعیات باردیگر نشان دادند که چگونه رهبری حزب دمکرات با اتکاء به تسلیفات غیر واقعی در مورد فضا و روابط دمکراتیک در حزب دمکرات ضمن سر دادن شعارهای مطمئن ولی بی محتوا در این مورد، در عمل راه و روش دمکراتیک را در درون حزب پایمال نموده است و نشان دادند که اساساً آنچه برای این حزب اهمیت نداشته و ندارد همانا پایبندی بسه دمکراسی و اصول دمکراتیک میباشد و از آنجا که رهبری حزب دمکرات ضمن دادن درس دمکراسی به دیگران خود تاکید میکرد که: "شعار دادن صرف در مورد دمکراسی یا نوشتن چند جمله زیبا و مطمئن در باره دمکراسی بر صفحه کاغذ نمیتواند سند دمکرات بودن یا نشاندهنده افکار دمکراتیک باشد، سند واقعی بودن یا نبودن هر ادعائی، عمل و محتوای عمل است. نمونه آن نیز: کنگره های حزب دمکرات! " (کوردستان ۱۲۴) میباشد در نتیجه با توجه به "محتوای عمل" کنگره های حزب دمکرات و از جمله کنگره هشتم و حکایت "لیست فیکس" گذاشیش نیز میتوان به ماهیت ادعاهای "دمکراتیک" حزب دمکرات پی برد. و روشهای

خواستهای خود صداقت دارد " میتوان بسه درجه اعتقاد حزب دمکرات به اصول دمکراسی در سطح جامعه و درجه صداقت او در طرح شعارهای دمکراتیک بی بود .

سازمان مها قبلا چگونه برخورد حزب دمکرات با توده های زحمتکش کردستان و سازمانهای سیاسی درون صف خلق را مورد بررسی قرار داده و نشان داده است که این حزب تا چه حد در ادعای "دمکرات" بودن خویش صداقت " دارد و حال با آشکار شدن هرچه بیشتر بی اعتباری کامل روشهای دمکراتیک در زندگی درونی این حزب باید تاکید نمود که حزب دمکرات در "تمرین" دمکراسی " گذاشتن به واقع جز نکست چیزی دستگیرش نگردیده است .

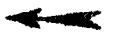
کنگره هشتم نیز همانند کنگره قبلی وظیفه داشت بار دیگر وضعیت سازماندهی به روشی دمکراتیک این جنبشها را بصورت قطعنامه هاش فرموله نموده و نسبت بخشد و نه همز دلیل نسبی کنگره هشتم بدون توجه به خواست اکثریت تشکیل داده های خلق کرد و اکثریت سازمانهای سیاسی میشی بر اعلام آتش بس با کومه له با بی مسئولیتی تمام بر سر سیاست غیرانقلابی تداوم جنگ با کومه له پیوسته فشرد ، جنگی که گرچه سیاستهای نسلداری ناشی از تئوریهای انحرافی کومه له نقش سنگین خود را در آن داشته است

ولی مسئولیت اصلی آن بر عهده حزب دمکرات میباشد و در حالیکه بیش از سه سال جنگ با کومه له جز تضعیف جنبش خلق کسرد نتیجه ای ندانسته است و تا کنون صدها پیشمرگه خلق کورد قربانی سیاستهای انحرافی موجد این جنگ گشته اند و در حالیکه جز دشمن هیچ کس از تداوم این جنگ سودی نصیبش نمیشود باز هم کنگره هشتم حزب "مسئول" ما با بی مسئولیتی تمام بر تداوم این جنگ برادر کشی صحنه گذاشته و میگوید : "موضع ما در برابر کومه له تغییر نکرده است ، جای خوشوقتی است که کنفرانسهای حزبی بطور کلی سیاست حزب در برابر کومه له را تائید کرده و از کنگره درخواست نموده اند تا هنگامیکه کومه له شروط حزب را نپذیرفته است حزب نباید موضع خود را تغییر دهد [گزارش کمیته مرکزی به کنگره هشتم آ ولی آیتا بواقع تداوم جنگ برادر کشی با کومه له "جای خوشوقتی" دارد یا جای شرم و آیتا قطعنامه های اخیر حزب دمکرات در این مورد نشان نمیدهد که رهبری این حزب تنها به منافع حقیر خود میانندیشد و آنچنان در این منجلاب غرق گشته که حاضر نیست لحظه ای به سرنوشت مردمی که ۹ سال است با جان و مال خویش از هیچ حمایتی در حقوق جنبش خلق کورد دریغ نورزیده انده بیندیشد ، مردمی که چشم امیدشان به این است که

تمام سلاحها بروی دشمن اصلی یعنی رژیم رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نشانه رود .

براستی که چه شرم آور است که پس از سه سال جنگ غیر انقلابی در کردستان و ریخته شدن خون صدها پیشمرگه خلق کورد و در شرایطی که مردم قهرمان کردستان و همه نیروهای انقلابی با نفرت و انزجار از جنگ برادر کشی بین حزب دمکرات و کومه له یاد میکنند رهبری حزب دمکرات بجای پذیرش آتش بس و کام گذاشتن در راه صلح چنین وفیغانه بر تداوم این جنگ تاکید میکند .

پس از کنگره هشتم و انشعاب در حزب دمکرات جناح انشعابی حزب - البته يك ماه پس از اعلام موجودیتش - در رابطه با جنگ با کومه له بطور یکجانبه اعلام آتش بس نمود امری که بدون شك مورد تائید تمام کسانی که خواهان خاتمه فوری این درگیریها میباشند قرار خواهد گرفت . و پس از آن نیز کومه له با هر دو جناح اعلام آتش بس نمود جان باید از رهبری حزب دمکرات پرسد چرا باز هم بر جنگ با کومه له تاکید داشته و از پذیرش آتش بس خودداری میورزد ؟ امری که بروشنی به مفهوم پشت کردن هرچه بیشتر به جنبش خلق کورد بوده و نتیجه زیانناک را همچنانکه تا کنون دیده اند ، باز هم به



عینه خواهید دید.

حزب دمکرات مسلماً عدم بدبش آتش بس و کردن نهادن به قطع درگیریهای فیما بین خود و کومه له و عدم بدبش واقعی اصول دمکراتیک ناظر بر روابط سازمانهای مبارز نشان میدهد که کماکان چشم امید به نیروهای ضد انقلابی بسته است و راه نجات خود را در این جنبه میبیند و این امر مسلماً بین بست حزب دمکرات را شدت بیشتری بخشیده و حزب را هر روز درگیر ماجراجوییهای جدیدی مینماید که باعث آلوده شدن هرچه بیشتر دستان رهبری حزب دمکرات به خون پیشمرگان خلق کرد میگردد.

اصرار در تداوم سیاستهای غیر انقلابی نتیجه منطقی خود را در برنامه رادیوئی ۷/۲۷ حزب دمکرات و در این جملات بروشنی نشان داد: "حزب مسلماً حق تردید ناپذیر خود میداند که از فعالیت گروه منحرف تحت عنوان حزب دمکرات کردستان ایران در داخل کردستان جلوگیری کند و از هم اکنون نسبت به هرگونه رویدادی که در این رابطه پیش آید، محرفین را مسئول میشناسد." گوش نتایج فاجعه بار جنگ با کومه له و اثرات مخرب آن در جنبش خلق کرد کافی نبوده و نیست تا حزب دمکرات دست از سیاستهای ضدانقلابی خویش در تبدیل کردستان قهرمان به صحنه جنگ برادرکشی و

خونریزی که نتیجه ای جز تقویت سلطه جمهوری اسلامی ندارد، بردارد. که حال تدارک جنگ با جناح انشعابی دیده میشود. و حزب دمکرات بیشزمانه این تدارک جنایتکارانه را "حق تردید ناپذیر" خود قلمداد مینماید. امری کسسه بروشنی بیادگر سیاستهای جنگ طلبانه این حزب در کردستان و صرفاً برفع رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی میباشد.

ما لازم میدانیم که در همین جناح نتایج این سیاست ضدانقلابی را از پیش به حزب دمکرات گوشزد کرده و ضمن محکوم کردن این برخورد بغایت غیر دمکراتیک که در مغایرت کامل با منافع جنبش خلق کرد میباشد از حزب دمکرات بخواهیم که از کوره راهی که حسیز رسواش بیشتر نتیجه ای در بر ندارد بازگردد و تمامی توان خود را در جهت مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی کانالیزه نماید. حزب دمکرات باید بداند که نه جنگ با کومه له و نه جنگ با جناح انشعابی هیچکدام فرجی برای خلاصی از بن بستری که درگیرانست برای او ایجاد نمیکند. و تنها هر روز این بن بست را عمیق تر خواهند ساخت.

اگر اتحاد سیاستهای غیردمکراتیک و غیر انقلابی حزب دمکرات باعث انزای روزافزون این حزب در میان اپوزیسیون

انقلابی گشته و در بست حزب را تشدید نموده است واقعیتی که در بیانیه جناح انشعابی حزب دمکرات نیز آشکار میباشد و اگر کمیته مرکزی حزب دمکرات در گزارش خود به کنگره هشتم در اوج درماندگی اما با "خوشوقتی" تمام تداوم جنگ با کومه له را یکی از موفقیتهای خود قلمداد مینماید از حق نباید گذشت که رهبری حزب دمکرات در فاصله دو کنگره "موفقیت" های بزرگ دیگری نیست از آن قبیل بدست آورده است که میتواند آنها را نیز "با خوشوقتی به اطلاع کنگره هشتم" برساند.

از زمره این موفقیتها کسسه تنها رهبری حزب دمکرات میتواند به آن "مباهات" کرده و با خوشوقتی آنرا بیان نماید اغلام همکاری با خائنین و ضد انقلابیون اکثریتی (جناح کشتگر) میباشد، کسسه پرونده سراسر سیاهشان شهره عام و خاص بوده و نقش ضد انقلابیشان در سرکوب جنبش خلق کرد هرگز از خاطر توده های ستمدیده کردستان فراموش نخواهد شد. در این رابطه در گزارش فوق آمده است: "با خوشوقتی به اطلاع کنگره هشتم میرسانیم که سازمان فدائیان خلق منشعب از "اکثریت" و شرایط ما را قبول کرده و علاوه بر انتقاد از اشتباهات خود در مورد رژیم خمینی، نسبت به





اشباهات خود در مورد حزب دمکرات نیز اعتراف نموده است و نتیجتاً حزب ما نیز اکنون با آنها همکاری میکند.

اما همکاری رهبری حزب دمکرات با این جریان ضدانقلابی نه تنها هیچ افتخاری برای این حزب بیستار نمیآورد بلکه اتفاقاً ایسین امر بیانگر شدت افلاس و ورشکستگی جریانی است که در اوج انزوای سیاسی خود بجای اندیشیدن به دلائل این امر برای بااصلاح خروج از انزوا به چنین تفلهاشی تمسک میجوید و نشانه ای است آشکار از ناامیدی رهبری حزب دمکرات از قدرت انقلاب و نیروهای انقلابی و فقدان چشم اندازهای روشن مبارزاتی در این رهبری که باعث گردیده متحدین خود را به جای صف انقلاب در آنسوی صف انقلاب جستجو نماید.

حزب دمکرات کسسه خود بخوبی میباید نزدیکی با صدانقلابیون اکثریتی و تطهیر چهره کسانی که تا دیروز در کنار جمهوری اسلامی برعلیه خلق کرد دسه میچیدند جز با دوری هرچه بیشتر از سازمانهای انقلابی امکانپذیر نمیشد. در رابطه با سازمانهای انقلابی در گزارش مزبور میگوید: "برخی از سازمانهای سیاسی هم وجود دارند که عملاً تأثیری بر سیاست ایران ندارند و در اوام زنگی

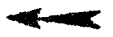
میکنند. کار این قبیل سازمانها تنها در این امر خلاصه میشود که هزار چندگامی جزوه ای انتشار دهند و در لابلای بعضی از کلمات و عبارات بی سروته، و به شیوه بسیار غیراصولی به انتقاد از سیاست حزب ما پردازند. همکاری به این قبیل سازمانها نداشته ایم و وقت خود را صرف پاسخگویی به آنها نکرده ایم." در رابطه با این برخورد "اصولی" تنها باید به حزب دمکرات یادآوری کرد که به فرض هم که این "سازمانهای سیاسی" تأثیری بر "سیاست ایران" نداشته باشند [که چنین نیست] ولی دستشان هم به خون توده های ستمدیده و پیشمرگان خلق کرد آلوده نیست و تا دیروز در کنار جمهوری اسلامی برعلیه جنبش خلق کرد توطئه نمیکردند و اگر بعضی از آنها سابقه حضور سیاستشان همچون حزب توده (X) که این روزها بسیار مسرود توجه حزب

* - در کردستان ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات شماره ۱۲۲ رهبری ایسین حزب برای اثبات دمکرات بودنش به مقایسه خود با حزب توده پرداخته و کار انحطاط را به آنجا میرساند که جریان ضدانقلابی و خاشی چون حزب توده را الگوی خود قرار داده با باد کردن و "بزرگ کردن" این جریان ضدانقلابی و پرسیابقه به "سازمانهای کوچک"

دمکرات قرار گرفته است به ۲۰ سال نمیرسد ولی آنها مانند این جریان ضدانقلابی سابقه خیانتهای طولانی را نیز یدک نمیکشند. جریان خاشی کسه هر چه طول عمرش بیشتر میشود پرونده سیاهش سیاهتر میگردد. البته برخلاف نظر حزب دمکرات سابقه طولانی یا غیر طولانی یک جریان سیاسی نقش تعیین کننده ای در صحت و درستی مواضع سیاسی و نقش انقلابی آن جریان در جامعه نمیتواند داشته باشد ولی حزب دمکرات باید بداند [و از قضا خوب هم میداند] که همین "سازمانهای کوچک و کم سابقه" که از قضا سوابق مبارزه عملی بعضی از آنها در ۲۰ سال اخیر در مقابل توده ها قرار دارد هرگز در حمایت از جنبش ضدامپریالیستی خلق کرد کوتاهی نکرده و بعضی از آنها در ۹ سال اخیر که جنبش مسلحانه خلق کرد



کنایه زده و آنها را تخطئه مینماید و اعلام اینکه وقتیکه حزب توده با آن دم و دستگاهش از برگزاری کنکره حزبی اجتناب میورزد "تکلیف سازمانهای کوچک و کم سابقه" دیگر روشن است ابتدال خود را بنمایش میگذارد و روش مبتدلی که تنها میتواند موجب "مباهات" امثال رهبری حزب دمکرات قرار گیرد.



جریان داشته است علیرغم کمی توان و امکاناتشان و یا بقول رهبری حزب دمکرات "کوچکی" شان در حد توان خود بزعلیه دشمنان خلق جنگیده اند و هرگز سنگر انقلاب ایران را رها نکرده اند. اما نیروهای حزب دمکرات بهتر است از رهبری این حزب سوال کنند که اگر این سازمانهای سیاسی عملاً تأثیری بر "سیاست ایران" ندارند آیا ضدانقلابیون اکثریتی که حزب دمکرات بسا مباحات و خوشوقتی همکاری بسا آنها را در کنگره هشتم طرح میکند تأثیر مهمی در "سیاست ایران" داشته و دارند و حتماً امثال نزیه ها و مدنی ها که ایسین آخری قرض الحسنه کدایش از سازمان سیا (CIA) دیگر برکسی پوشیده نیست، نقش تعیین کننده ای در سیاست ایران دارند؟ که رهبری حزب دمکرات دل بسا اتحاد نزدیکی با آنها بسته بود؟

البته حزب دمکرات میتواند بسی اعتقادی خود به "اتحاد همه خلقهای ایران و همه نیروهای انقلابی و دمکرات" را بسا گفتن اینکه کاری "به این قبیل سازمانها" ندارد یا ردیکر آشکار سازد و بسا "مباحات" بسا گزافه گوئیهای همیشگیش وقت خود را صرف پاسخگوئی به آنها نکند ولی این سازمانها اتفاقاً بدلیل

اعتقاداتشان بسا اتحاد همه نیروهای انقلابی و دمکرات و پالایش جنبشش از گرایشهای انحرافی میبایست هرگز از افشای سازشکاریهای امثال رهبری حزب دمکرات دست برنداشته و اتفاقاً وظیفه انقلابی آنها حکم میکند که بخش از "وقت خود" را صرف افشای مباحثات طلبی ها و سازشکاریهای جریاناتی قرار دهند که با وقاحت تمام بنام انقلاب عملاً در راه انقلاب سنگی اندازی مینمایند و بسا همکاری با نیروهای انقلابی به اخلاف در جبهه انقلاب پرداخته و بسا تطهیر چهره ضدانقلابیون شناخته شده میبردارند. جریاناتی همچون حزب دمکرات که الزامات و نیارهای جنبش خلق کرد را به وحدت نیروهای درون این جنبش جهت دست یابی به پیروزی در مبارزه برحقش

بزعلیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی درک نکرده اند و هرروز بخشی از انرژی این جنبش را در درگیریهای درونی به هدر میبرند و بجای تکیه به قدرت نموده های شتمیده کردستان چشم و امید به محاسبات امپریالیستی و اپوزیسیونهای ضدانقلابی وابسته به آنها و بسا مذاکره و مباحثات با جمهوری اسلامی بسته اند و در عمل در حالیکه هر روز در میان نیروهای انقلابی منزوی تر میگردند و بسا سیاستهای غیرانقلابیشان به تشدید بن بست و ورشکستگی آنها منجر گشته و انشعاب و تفرقه در صفوف آنها را باعث میگردد بازهم به خود نیامده و در "اوهام" خود در انتظار دست غیبی هستند که آنها را از این موقعیت نجات دهد.

با ما مکاتبه کنید

خوانندگان مبارز "پیام فدائی" برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم. نظریات، انتقادات، پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکشید با مکاتبه یا نشریه رابطه هرچه فعالتری با ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده ها و به مجموعه هوادارانانش متکی باشد.



اطلاعیه جریکهای فدائی خلق ایران درباره

انشعاب اخیر در درون حزب دمکرات کردستان ایران

خلقیهای قهرمانان ایران، خلق رزمنده کرد!

اخیرا اطلاعیه ای از طرف تعدادی از کادرهای حزب دمکرات کردستان ایران که در دفتر سیاسی و کمیته مرکزی این حزب مسئولیت داشته اند با امضای "حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی" بخش شده است که حاکی از انشعابی در درون این حزب میباشد.

تدوین کنندگان اطلاعیه مسائل چندی را بعنوان دلایل انشعاب از حزب دمکرات ذکر کرده اند. از جمله برخلاف تبلیغات کزافی که در آستانه برگزاری کنگره هشتم و نهم از آن در رابطه با حاکم بودن شرایط بااصطلاح دمکراتیک در درون حزب دمکرات از طرف رهبری این حزب برآه انداخته شده بود، آنها فقدان دمکراسی در درون حزب و حتی فقدان فضای دمکراتیک در کنگره که اساسیابست بمثابه عالیترین ارگان یک حزب سیاسی، تجلی دمکراسی وسیع بوده باشد، را یکی از مهمترین دلایل انشعاب شمرده اند و در رابطه با سیاستها و عملکردهای حزب دمکرات، تدوین کنندگان اطلاعیه دلیل انشعاب را بصورت کلی مخالفت با سیاستهای اعلام داشته اند که بنظر آنان هدف غاشی و نهائیش "سازش با محافل امپریالیستی و گریز از جبهه انقلاب" بوده و موجبات "انزوای نسبی حزب در میان اپوزیسیون انقلابی را فراهم ساخته و در خارج از ایران نیز مانع استقرار روابط اصولی با کشورهای سوسیالیستی شده است" و در ضمن آنها ابراز مخالفت با "تمایلات سازشکارانه و مذاکره جویانه" در برابر رژیم صدهلخی جمهوری اسلامی را بعنوان یکی دیگر از مظاهر خط مشی انحرافی موجود در حزب دمکرات قید کرده و جزء دلایل انشعاب محسوب کرده اند.

در وجهی دیگر در توضیح خطوطی که بخش انشعابی حزب، بمثابه اصول دهگانه "خط مشی اساسی سیاستهای" خود ذکر کرده، صرفنظر از عنوان بعضی مسائل در رابطه با سیاست داخلی و خارجی "حزب"، با قید مطالبی چند مانند طرد "مماشات با محافل امپریالیستی و اپوزیسیون ضدانقلابی وابسته به آن" و "تشنج زدائی میان حزب و سازمانهای مبارز"، دمکرات و انقلابی" و "ایجاد روابط دوستانه و همکاری با اپوزیسیون انقلابی کوشیده است در مقابل سیاستهای غیر انقلابی و انحرافی حزب دمکرات ظاهرا سیاست جدیدی قرار دهد اما تدوین کنندگان اطلاعیه با عدم برخورد صریح و انقلابی نسبت بسه یکی از اساسیترین معضلات جنبش خلق قهرمان کرد

یعنی جنگ فیما بین حزب دمکرات و کومه له بواقع درجه احساس مسئولیت خود را در قبال جنبش یا برجستگی آشکار ساخته و نشان داده اند که تا چه حد نسبت به جنگی که سه سال است بعنوان سدی بزرگ نه فقط مانع از هرگونه پیشروی جنبش انقلابی کردستان به جلو و دست یابی آن به اهداف انقلابی خویش رسیده ، بلکه موجب وارد آمدن ضربات شدید بر پیکر آن شده است ، با بی اعتنائش برخورد کرده اند ، بخصوص اگر توجه کنیم که حزب دمکرات ، يك حزب محلی و کردستانی است ، سیاستها و عملکردهای این حزب از نقش و تاثیر بر اهمیتی در جنبش خلق فهومان کرد برخوردار میباشد و در سه ساله اخیر حزب دمکرات با تاکید بر جنگ با کومه له و عدم قبول آتش بس بی فید و شرط و سنگ اندازی در جهت بیان دادن به آن مسئولیت بزرگی در ضرباتی که امن جنگ غیرانقلابی به جنبش وارد ساخته داشته است ، میتوان اهمیت این مسئله را بیشتر درک نمود .

از نظر ما درست نه اعتبار اهمیت عملی واقعی که برخورد به جنگ غیرانقلابی حزب دمکرات و کومه له در جنبش سراسری ایران و بالاخص جنبش خلق کرد داراست ، بگونه برخورد نسبت به این مسئله یکی از مهمترین معیارهای سنجش يك نیروی سیاسی است و از آنجا که بخش انشعابی حزب یعنی "حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی" برخورد قاطع و روشنی در قبال این مسئله مهم اتخاذ نکرده است ، به این وسیله میتوان درجه جدیت آنان را در ابراز مخالفت با سیاستها و عملکردهای انحرافی حاکم بر حزب دمکرات مورد سنجش قرار داد .

اگر براتسک معیار حقیقت است بگذارید از تدوین کنندگان اطلاعیه بپرسیم که اگر شما بواقع خواهان "تشنج زدائی" بین حزب و سازمانهای "مبارز، دمکرات و انقلابی" هستید چه مصالح و منافع شما را از برخورد نسبت به جنگ غیرانقلابی فیما بین کومه له و حزب دمکرات و محکومیت صریح آن باز میدارد و چه عواملی مانع از محکوم ساختن قاطع اعمال غیردمکراتیک "حزب" در قبال سازمانهای انقلابی شرکت کننده در جنبش خلق کرد از طرف شما میگردد؟! چرا شما با دعوت پیوسته در حزب دمکرات به قطع جنگ با کومه له و خلاصی خود از زیر نفوذ سیاستهای جنگ طلبانه غیرانقلابی ، عملاً بسه ایجاد "روابط دوستانه و همکاری با اپوزیسیون انقلابی" اقدام نمی نمائید؟!

مسئله دیگری که با مطالب فوق ارتباط داشته و باید در برخورد به این بخش از حزب دمکرات مورد توجه واقع شود ، این است که با وجود آنکه تدوین کنندگان اطلاعیه هر یک در ارکانهای رهبری و اجرائی حزب عصویت داشته و از اینرو بیشک در اتخاذ و پیشبرد سیاستها و عملکردهای انحرافی حزب دمکرات دارای نقش موثر بوده اند ، ولی در برخورد به انحرافات حزب و بطور کلی در آنچه که امروز مورد نقد قرار داده اند ، از نقش خویش سخن

نکفته و انتقاداتی را نسبت به خود مطرح نساخته اند.

انشعاب در حزب دمکرات کردستان ایران در شرایطی که سیاستها و عملکردهای این حزب چه در رابطه با عدم اتخاذ برنامه استراتژیک و نقشه عملی مشخص و منطبق بر نیازمندیهای جنبش ملی و هدامپریالیستی خلق کرد و چه در اتخاذ "تاکتیک" مذاکره با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و چشم دوزی به "مراحم" این رژیم وابسته به امپریالیسم در اعطای نوعی خودمختاری یا بهرحال امتیازی به آنان و چه در زمینه پیشترد سیاستهای غیردمکراتیک و جنگ طلبانه در کردستان در رابطه با نیروهای مترقی و انقلابی، موجب خسرانهای فراوان به جنبش خلق کرد گشته و بنوبه خود چشم اندازهای این جنبش را علیرغم زحمات و فداکاریهای توده های قهرمان و فرزندان پیشمرگش تیره و تار ساخته است، بهیچوجه امری غیرمنرفیه و اتفاقی نبوده و نیست. برعکس، این انشعاب از عدم توانایی و از عدم خواست حزب دمکرات در اتخاذ یک سیاست انقلابی در قبال جنبش ناشی شده و بیانگر ورشکستگی سیاستهای غیرانقلابی حزب و بن بست آن میباشد. از اینرو در قبال نیروئی که خود را "رهبری انقلابی" مینامد، این وظیفه انقلابی قرار دارد که قبل از هرچیز با اتخاذ برنامه استراتژیک معین و روشن ساختن شیوه های عملی تحقق آن استراتژی، راه برون رفت از بن بست حزب دمکرات را نشان دهد.

امروز چه بدلیل ضعف و انفراد نیروهای سرکوبگر رژیم در کردستان و چه بدلیل پشتیبانی و حمایت بیدریغ توده های قهرمان کردستان از نیروی پیشمرگ، علیرغم کثرت پایگاه ها و نفرات نیروهای سرکوبگر رژیم در کردستان، جنبش از شرایط کاملا مساعدی برای رشد و اعتلاء برخوردار بوده و وظایف خطیری در مقابل نیروهای مبارزدرون جنبش قرار دارد و هر نیروی انقلابی باید با احساس مسئولیت نسبت به منافع جنبش در سراسر ایران در جهت ایجاد وحدت اصولی و انقلابی در درون جنبش خلق کرد و به هم فشردگی صفوف آن از هیچ کوششی فروگذاری نکرده و هم خود را معطوف به گسترش و تشدید مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بنماید. بخش انشعابی حزب دمکرات کردستان ایران نیز تنها با گام برداشتن در چنین راهی است که میتواند به مسئولیت خویش در قبال خلقهای قهرمان ایران عمل نموده و بدین طریق حمایت توده ها و نیروهای انقلابی را از خویش بدست آورد.

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!
 زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی میجنگد!
 مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
 بفرار باد اتحاد همه نیروهای انقلابی و خلقهای سراسر ایران!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدائی خلق ایران - کردستان

۸/ فروردین ۷۷

نقش آموزش و پرورش، تحت حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی

از صفحه ۱۲

اجتماعی - اقتصادی کارگران و خلقهای تحت ستم میهن ما را در تمامی عرصه ها بسوی فقر و فلاکت و بی حقوقی هرچه بیشتر سوق داده و بیشرمانه بر طبل جنگی میکوبد آنها جنگی به وسعت و ویرانگری جنگ ایران و عراق در رابطه با آموزش و پرورش نیز طبیعتا سیاستی جز سیاست ضد مردمی موجود نمیتواند داشته باشد.

اصولا امر آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی بعنوان يك رژیم دست نشانده، در همه حال تابعی است از منافع و مصالح سلطه شوم امپریالیستی که این رژیم ضد خلقی در تمامی جوانب خویش پاسدار تداوم آن بوده و اساسا موجودیتش با حفظ و تشدید این سلطه در تمامی عرصه ها شکل گرفته است.

ما تنها کنون به کرات توضیح داده ایم که از نظر این رژیم ددمنش فراگیری علم و دانش و کسب آگاهی و برخورداری از آموزش و پرورش تا جایی مجاز و مفید است که منافع و مصالح نظام حاکم یعنی بورژوازی وابسته ایجاب نماید و این امر به هیچوجه نباید به این مصالح ضربه زده و در تقابل با آن قرار گیرد. اگر گسترش روابط سرمایه داری وابسته در بطن خود

چه برای تامین بوروکراسی دولتی و چه رفع نیازمندیهای شرکتهای و موسسات مختلف به تعداد زیادی افراد تحصیل کرده و متخصص نیازمند است و برای آنکه مصالح نظام حاکم پیش رود اکثریت مردم باید حداقل سواد خواندن و نوشتن را داشته باشند، بنابراین آموزش و پرورش در این چهارچوب لازم و ضروری است، اما در شرایط رشد بحران اقتصادی و رکود حاکم بر اقتصاد کشور که بورژوازی وابسته با بیشترین تمام دسته دسته کارگران را از کنار آخراج و مراکز تولیدی را تعطیل مینماید و در شرایطی که جمهوری اسلامی در جهت منافع اربابان امپریالیستش کشور را به میدان جنگی ویرانگر با عراق تبدیل ساخته و بخش عظیمی از بودجه دولتی در جهت تامین نیازمندیهای این جنگ دهشتناک اختصاص یافته است نه تنها آموزش و پرورش ابعاد سابق را نخواهد داشت بلکه همین واقعات نیز آنرا مشروط و محدود مینماید، و در برخورد با همین واقعات است که رژیم برای تحقق وظایف ضد خلقی دسته دسته دانش آموزان را اجبارا به جبهه های جنگ کسبل داشته و امکانات پرورشی آنها را هر روز محدودتر میسازد.

در نتیجه بر خلاف

نصوبات رایج و ساده انکارانه بسیاری از جریانات فرمت طلب که میکوشند تحت تاثیر تبلیغات امپریالیستی جمهوری اسلامی را يك رژیم مستقل اسلامی که از قرار معلوم بخاطر خصوصیت ایدئولوژیکیش میخواهد جامعه را به چند قرن پیش عقب براند معرفی نمایند، باید گفت اتفاقا نظام موجود یعنی بورژوازی وابسته تعیین کننده سیاستهای این رژیم ددمنش بوده و شکل اسلامی و باصطلاح بنیادگرایانه این رژیم دست نشانده در حال حاضر تنها پوشش عوامفریبانه ای برای پیشبرد آن وظایف میباشد و اسلام مورد استناد جمهوری اسلامی در شرایط کنونی نه فقط مغایر با مصالح و منافع نظام سرمایه داری وابسته نیست و در انطباق کامل با آن قرار دارد بلکه در شرایط مراجعه توده ها با مصائب بی شمار ناشی از شرایط بحران نظام منحط سرمایه داری اتفاقا حربه ایدئولوژیک عوامفریبانه مناسبی است که جمهوری اسلامی با اتکاء به آن میکوشد عسل محرومیت و فلک زدگی توده ها را از روی زمین و از دوش نظام موجود برداشته و آن را به قرآن و خدا و سرنوشت مقدر و در يك کلام آسمانها حواله داده و با لاپوشانی چهره مسیبن واقعی فقر و فلاکت توده ها آنها را از





آماج حملات توده ها برکنار نماید .

رژیم با اتکاء به لفافه ایدئولوژیکیش از نخستین مراحل آموزش و پرورش کودکان در مدارس با سوء استفاده از تاثیر پذیری ذهن نونهالان و با تغذیر اذهان ساده آنان مثنی باطل و خرافات و ایده های ارتجاعی را به آنان میآموزد ، کتابهای تاریخی و درسی را از مثنی اراجیف تحریف شده تاریخی انباشته ساخته و در همه حال با تعقیب یك برنامه حساب شده وقایع و جنبشهای توده ای و تحولات اجتماعی را تحریف کرده و سعی مینماید افکار دانش آموزان را با ایده های ارتجاعی شکل دهد .

مضمون تمامی این کوششها چیزی جز توجیه نظم طبقاتی و غارتگرانه موجود و بالنتیجه حقانیت و مشروعیت دادن به سیستم ظالمانه و پسوسیده سرمایه داری وابسته و رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در انظار دانش آموزان نمیباشد .

جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضد خلقی خویش به نیازهای آموزش و پرورش دانش آموزان و رفع کمبودهای آنها پاسخ نمیدهد و بجای تامین دفتر و کتاب و کلاس و معلم برای دانش آموزان و ایجاد فضای

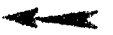
ورزشی برایشان خود را به جدا ساختن مدارس دخترانه و پسرانه و از این قبیل مشغول ساخته و هر روز که میگردد از امکانات آموزش و پرورش کشور میکاهد . این رژیم با تمام توان در جهت تبدیل وزارت آموزش و پرورش به ارگانی در جهت تامین نیازهای ماشین جنگی خود میکوشد در نتیجه در زیر سلطه منحوس این رژیم باید هم برای ۱۲ میلیون کودک و نوجوان دانش آموز پسر و دختر ایرانی بطور متوسط حتی يك سانتیمتر مربع هم فضای پرورشی وجود نداشته باشد .

کوششهای رژیم در جهت قرار دادن وزارت آموزش و پرورش در خدمت پیشبرد جنگ امپریالیستی ایران و عراق بروشنی ماهیت جنایتکارانه سردمداران این رژیم را آشکار میسازد . جمهوری اسلامی در طول این سالها دبستانها و دبیرستانها و سایر محیطهای آموزشی را به پشت جبهه ای برای جنگ ارتجاعی ایران و عراق که در راستای منافع سرمایه داران زالو صفت سازمان یافته است تبدیل نموده و در این راه خون بسیاری از کودکان و جوانان دانش آموز و دانشجو را سبانه در جبهه های جنگ بر زمین ریخته است .

امروز محیطهای آموزشی و پرورشی بجای آنکه بواقع محلی برای کسب دانش و پرورش

جوانان و نوجوانان و محل پرورش روحیه آنان باشد ، تحت سلطه جمهوری اسلامی به محلهاش تبدیل شده اند که در آنجا بیش از هر چیز به آنها درس چگونگی پرتاب نارنجک و پریدن بروی مین آموخته میشود چرا که جمهوری اسلامی ضد خلقی و قیخانه محیطهای آموزش و پرورش را به حوزه هاش برای تربیت میلیونها دانش آموز بیگناه برای کسب به جبهه های مرگ تبدیل نموده است و دانش آموزان بعنوان بسیجی "یکبار مصرف" به یکی از بهترین منابع تغذیه ارگانهای سرکوبگر رژیم همچون ارتش و سپاه و بسیج و ... تبدیل گردیده اند . و دژخیمان رژیم به آنها جز بمشابه منبعی برای تامین گوشت دم توپ جبهه های بی بازگشت جنگ و پاک کنندگان میادین مین نمینگرند . از نظر جمهوری اسلامی دانش آموز نمونه و صد البته مسلمان کسی است که ذهنش به جای درس و مشق و کتاب با فرهنگ جنگ و سرکوب و خونریزی عجین گردد ، سلاح به دوش بگیرد و بیاموزد که چگونه آن را بر علیه خلق و انقلاب و بر علیه کارگران و توده های بیگناه بکار ببرد و سرانجام نیز در کوتاهترین مدت ممکنه در راه منافع ضد خلقی امپریالیستها و جمهوری اسلامی در جبهه های بی بازگشت و میادین مین باصطلاح





"شربت شهادت" بنوشد و با رضایت سکه های ناچیز پول توجیبش را در قلکهای نارنجکی شکل تقدیم مزدوران دزد و فاسد حاکم نماید. چرا کسیه این رژیم جنایتکار نشان داده است که اگر حتی حاضر نیست یک سانتیمتر مربع فضای پرورشی بسزای دانش آموزان ایجاد نماید، اما در ربودن سکه های پول دانش آموزان هرگز تردیدی بخشود راه نداده و نمیدهد.

شرایط موجود در جامعه و سیستم آموزش حاکم باعث گردیده است که دانش آموزان در اولین سالهای زندگی و شکوفائی، ذهن پاکشان بجای فضای زندگی و کار و آرامش از توپ و تفنگ و بمباران و کشتار و قبرستان مملو گردد و این رادر نقاشیها و سرودهای کودکان خود به اشکال گوناگون بروز دهند.

امروز به یمن چنین آموزش و پرورش است که تحت حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مزدوران جنایتکار میکوشند که با تربیت و پرورش ضد خلقی کودکان و نوجوانان به آنان بیاموزند که گوسفند وار از "قضا و قدر" سرنوشت پیروی کنند و با روحیه ای تسلیم طلبانه و بدون شور زندگی، نظم ستمگرانه موجود را پذیرفته و در مقابل جنایات این رژیم و در مقابل

"اسلام" و سرنوشت از پیش تعیین شده شان سر تسلیم فرود آورند. و برعلیه اجحافات رژیم موجود فریاد اعتراض سردهند تا جمهوری اسلامی بتواند با خیال راحت در حالیکه در طول سالهای حکومت جنابسرانه اش وسعت جبهه های جنگی خانمان برانداز را صدها کیلو متر مربع گسترش میدهد، در همان حال در داخل جامعه شرایطی بوجود آورد که ۱۲ میلیون تن از مستعدترین سرمایه های انسانی و آینده سازان کشور از داشتن حتی یک سانتیمتر مربع فضای پرورشی محروم بمانند و رژیم بجای ایجاد فضای پرورشی برای آنها هر سال در شروع سال جدید تحصیلی وقیحانه با افتخار عکس کلاسهای خالی از دانش آموزانی را چاپ کند که از طریق وزارت ضد خلقی آموزش و پرورش به زور و اجبار به جبهه های جنگی گسیل گشته و قتل عام گردیده اند.

اما برغم تمامی این تمهیدات بدون شک صدای اعتراض

دانش آموزان مبارز ما هرگز فرو نمینشینند و دیر نیست روزی که میلیونها دست کوچک و پرشور به همراه جیش انقلابی و رهاشیش خلقهای در بندمان با تبدیل محیطهای آموزشی به مدارس انقلابی به مبارزه برعلیه امپریالیستها وسعت هرچه بیشتری بخشیده تا بتوانند پایه های سلطه ضد خلقی جمهوری اسلامی و از جمله آموزش و پرورش منحوس را از بنیاد برکنند و جامعه دمکراتیک نسوین برهبری طبقه کارگر را برپا دارند و مسلما تنها در چنان شرایطی است که جوانان و نوجوانان ما با فراگیری آموزش و پرورش انقلابی ضمن تحکیم پایه های جمهوری دمکراتیک خلق در جهت ایجاد جامعه ای سوسالیستی و محور هرگونه استثمار انسان از انسان بسزا شور تمام گام میگذارند.



کمکهای مالی:	از صفحه ۶۱	خلق کرد	تومان
محمد توفیق پیشمرکه م دکتر کردستان اسماعیل پیشمرکه	۱۵۰۰ ۲۵۰۰ ۱۰۰۰ ۱۰۰۰ ۲۵۰ ۱۰۰۰ ۹۰۰۰ ۲۵۰۰	یارمتمی کمک مالی به امدادسونه یارمتمی	۶۰۰ ۲۵۰ ۲۵۰ ۱۵۰



پیام چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت نوروز ۶۷

از صفحه ۶۲

فرارگرفت ، سالی که رویدادهای آن با وضوح هرچه بیشتر و خارق العاده ای ، جهره ددمنش و جنایتکار رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را در مقابل توده ها بکمایش گذارد و ضرورت نابودی تمامی این دم و دستگاه ضد خلقی را توسط مبارزه انقلابی خلقها بیش از پیش طرح و برجسته ساخت.

امسال توده های ستمدیده و مبارز مسلمان در شرایطی به استقبال نوروز و سال جدید میروند که میهن تحت سلطه ما ، بیش از هر زمان دیگری در آتش تسهاتریهای رژیم جمهوری اسلامی و اریسبابان امپریالیست و جانی صفتش میسوزد . محرومیت از طبیعی ترین حقوق اجتماعی و سیاسی ، غارت و سرکوب ، فقر و فلاکت ، زندگان و شکنجه و تازیانه و دار برنامه های ضد خلقی ای هستند که امپریالیستها با اتکاء بسط ماشین سرکوبگر حکومتی جمهوری اسلامی با شدت تمام مشغول پیشبرد و عملی ساختن روزمره آنها بر علیه کارگران و خلقهای ستمدیده ما میباشند . این جنایات هولناک اما ، تنها بخشی از عملکرد رژیم مزدور حاکم ، بر ضد توده های

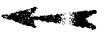
زحمتکش ما بوده است . از سوی دیگر ، آتش بیاری در معرکه جنگ خانمان برانداز امپریالیستی ایران و عراق و مشارکت فعال در بوجود آوردن تمامی عواید دهشتناک و ضد خلقی این جنگ نیر بخش دیگری از وظایف ضد انقلابی این رژیم وابسته بوده که بیش از هفت سال متوالی ، جمهوری اسلامی ضد خلقی بمنظور تامین منافع امپریالیستهای جهانحوار و سرکوب مبارزات خلقها بدان دامن زده و بخصوص در آستانه سال جدید هستی توده ها را در جهنم آن میسوزاند .

امروز هم در تداوم این جنایت تاریخی ، امپریالیستها و نوکرانش نظیر جمهوری اسلامی با نعدیه هیولای نفرت انگیز - این جنگ ارجاعی - و از سرگیری و تشدید "جنگ شهرها" میروند تا با قتل عام توده های بیگناه در شهرها و روستاها و با ویران کردن خانه و کاشانه آنها برفقر و فلاکتشان هرچه بیشتر افزوده و در عوض کیسه های خود را از شیر جانی آنها پارسازند .

در همین راستاست که اکنون جنگ ویران کننده شهرها و مبارزان و موشک بارانهای متوالی و وحشیانه نقیض مسکونی و مردم

بیدفاع توسط جمهوری اسلامی ضد خلقی و همپالکیهای جنایتکارش هر دم تشدید میگردد . و در حالیکه توده های محروم و رنج کشیده ما در آستانه سال جدید سه تدارک و استقبال از سال نو و برگزاری مراسم سنتی نوروز پرداخته اند ، بار دیگر کسترش شعله های خانمانسوز جنگ امپریالیستی ایران و عراق بیش از پیش بر زندگی فلاکتبار آنان سایه گسترانده است . چرا که جمهوری اسلامی و اریبابان امپریالیستش که بنا به سرتت ضد خلقی خود با بزرگداشت هرگونه سنن ملی توده ها و از جمله برگزاری مراسم نوروز مخالفند ، میکوشند کسبه با معطوف کردن افکار توده ها به جنگ ویرانگر جاری ، هرگونه لبخند و شادی را از چهره آنان زدوده و به جای آن حسرت و ماتم و سوگ بنشانند . اینک بسا درک چنین شرایط دهشتناکی است که بساید به استقبال نوروز و بهار برویم . باید بدانیم که جمهوری اسلامی و اریبابان مغفورش بسط موازات تمام مصائب و تهاجماتش که در طول سالها متوجه زندگی خلقهای محروم ما کرده اند میکوشند که





فرهنگ و سنن ملی و مبارزاتی خلقها را نیز نابود کرده و به جای آن فرهنگ فاسد و ضد خلقی خود را بنشانند. پس با درک عمیق این نکته باید بکوشیم که با برگزاری مراسم نوروز و حراست از سنن تاریخی ما این عید را نیز به موضوعی برای مقاومت و مبارزه برعلیه جمهوری اسلام و وابستان جنسایتکارس تبدیل کنیم.

امروز دیگر تمام حلقهای در بندها میدانند که رژیم جمهوری اسلامی و دم و دستگاه سرکوبگرش دستان

جنسایتکاری هستند که از آستین امپریالیستها برعلیه خلقها بیرون آمده و بر جان و مال توده ها حاکم شده اند. پس باید در آستانه سال جدید، خشم و کینه انقلابیمان را دوجندان صیقل دهیم و همانطور که تجربه مبارزاتی چندساله اخیر نشان داده است بسا برگرفتن سلاح و شرکت در جنبش انقلابی جاری، با صغوفی هرچه فشرده تر برای قطع این دستان خونالود و نابودی پیکر فرعون آن بپا خیزیم. تنها با گسترش آتش جنگ انقلابی جاری در میهنمان، خواهیم توانست آتش جنگ ضد

خلقی نکبت بار کنونی را خاموش کرده و با به گور سپاری بانیمان و مجریان این جنگ امپریالیستی، صلحی پایدار و دمکراتیک را برای مردم میهنمان به ارمغان آوریم. با امید به نابودی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق بوهیبری طبقه کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران

۱ / فروردین ۷۷

پیام چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت

۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر

از صفحه ۱۲

کارگران سراسر جهان هر سال در اول ماه مه بیسواد آن مبارزه شگوهند و کشتار کارگران شیکانو همبستگی جهانی خود را در کشورهای مختلف بر طبق شرایط حاکم بر هر کشور به اشکال گوناگون اعلام داشته و اول ماه مه را بمناسبت جشن بزرگ تمام کارگران جهان گرامی میدارند، تابه این وسیله اتحاد و همبستگی جهانی طبقه کارگر در مبارزه خونینش با سرمایه داری را بنمایش بگذارند. با گذشت بیش از صد سال از کشتار کارگران شیکانو و در

شرایطی که بر اثر مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر شعار ۸ ساعت کار در روز در اکثر کشورهای سرمایه داری فاسوننا برسمت شناخته شده است و در دورانی که پرولتاریا در مبارزه طولانی و خونینش برعلیه نظام سرمایه داری موجودیه پیروزیهای هرچه عظیمتری دست یافته است باید دید کارگران تحت ستم کشور ما این روز بزرگ را در چه موقعیتی برگزار مینمایند. کارگران مبارز ما اول ماه مه را در شرایطی برگزار





آنها را در موقعیت فلاکت‌باری قرار داده است.

یکی دیگر از نتایج مرکب بحرین نظام کنیده سرمایه داری، جنگ ویرانگر ایران و عراق است که با توجه به وابستگی جامعه ایران به امپریالیسم، میهن ما یکی از عرصه های فعال آن بوده و بیش از هفت سال است که رژیم جمهوری اسلامی در جهت تلامین منافع امپریالیستها و به قیمت مصائب بیشمار برای توده های ستمدیده آنرا به پیش میبرد و علیرغم خواست کارگران و توده های ستمدیده مبنی بر خاتمه فوری این جنگ لعنتی همچنان بر طبل جنگ میکوبد و کارگران هر چه بیشتری قربانی گرم نگهداشتن تنور آن مینماید. جنگی که امپریالیستها برای فاتق آمدن بر بحران اقتصادی عمیق خود با هدف سرنگ کردن این بحران بر دوش خلقهای ستمدیده منطقه آنرا سازمان داده و با میلیتاریزه کردن تمامی خاورمیانه این جنگ را در جهت سرکوب انقلاب خلقهای منطقه که بدون شک در شرایط بحران نظام جهانی امپریالیستی و تشدید بحران در کشورهای تحت سلطه منطقه هر روز اوج جدیدی مینماید به خدمت گرفته اند. جنگی که اگر برای خمینی و اربابانش "برکت الهی" تلقی میشود برای کارگران و زحمتکشان ما که در

واقعیت همیشه های ایمن آتش افروزی جنایتکارانه میباشد جز مصیبت و بدبختی حاصلی نداشته است. در تاکید به نقش ارتجاعی جنگ ایران و عراق در امر سرکوب مبارزات توده ها کافی است توجه کارگران مبارزمان را به عملکرد آن در مورد کارگران رزمنده صنعت نفت جلب کنیم و آنچه را کارگران ایران خود به عینه دیدند یادآور شویم که چگونه ایمن حاکم ضد انقلابی ضربات جبران ناپذیری به آگاهترین و متشکلترین بخش کارگران ایران یعنی کارگران صنعت نفت وارد ساخت و همچنین لازم است تاکید شود که چگونه با کسترش آتش جنگ امپریالیستی ایران و عراق به کردستان، بزرگترین دستاورد قیام بهمن یعنی جنبش مسلحانه خلق کرد که به حق امید طبقه کارگر ما در راه آزادیش تلقی میشد مورد ضربات شدید قرار گرفته و تضعیف گشت و چگونه در طی این جنگ شهرها و مراکز صنعتی به وحشیانه ترین شکل بمباران و موشک باران میگردد و هر روز خیل بیشتری از کارگران در جنبه و پشت جنبه قربانی آزمندی مثنی سرمایه دار میگرددند. از طرف دیگر سرازیر شدن سیل سلاحهای مرکب امپریالیستوبه منطقه خاورمیانه و بکارگیری بیحد و حساب آنها در میدانهای جنگ و کشتار جوانان بسیاری که در شرایط

بحران کنونی بالقوه میتوانند بنا مبارزین جبهه انقلاب ضد امپریالیستی باشند، بکارگیری انواع تاکتیکهای محبانه در این جنگ و برای نمونه به آتش کشیدن اضافه تولید نفت همراه با کارگران ستمدیده ای که در این مراکز بکار مشغولند بخاطر اینکه کارتلهای نفتی سوده های نجومی خود را حفظ نمایند و غیره اموری نیستند که برای کارگران آگاه و مبارز ایران پوشیده باشد.

از طرف دیگر شرایطی که کارگران ما در آن بسر میبرند شرایط یک دیکتاتوری مهیب امپریالیستی است که با سلط هرگونه آزادیهای اجتماعی و حتی آزادیهای فردی و باسرقواری جو تیور و اختناق اوضاع دشوار و غیر قابل تحملی را بوجود آورده است. دیکتاتوری امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی بنابه ماهیت ضدکارگریش بنا نوسل به وحشیانه ترین شیوه ها به سرکوب مبارزات حقوق طلبانه کارگران پرداخته و هر حرکت اعتراض و هرگونه تشکل متصرفی را سرکوب مینماید و در ایمن رابطه به تنها تشکلهای سیاسی و مبارزات سیاسی که هرگونه مبارزه اقتصادی و تشکل اقتصادی نیز آماج حملات سبانه این رژیم جنایتکار قرار گرفته و میگیرد، سرکوب سیستماتیک و وحشیانه رژیم





جمهوری اسلامی در این مدت نه فقط باعث نابودی آن تشکلهای محدود کارگری که حاصل شرایط قیام نبودند، گشته است، بلکه از شکل گیری هرگونه تشکل علنی مبارزاتی نیز جلوگیری نموده است بطوریکه فقدان تشکل و پراکندگی یکی از خصوصیات بارز مبارزه طبقه کارگر بر علیه ظلم و بیاداد سرمایه داری و سئو نگهبان آن جمهوری اسلامی میباشد، و این البته در حالیست که رژیم بنا سازمان دادن انواع و اقسام ابزارهای سرکوب همچون انجمنهای اسلامی کارخانه و شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر و دائره حراست و غیره به مقابله هر چه سازمانیافته تر با مبارزات طبقه کارگر برخاسته است.

در چنین اوضاعی است که برگزاری جشن اول ماه مه، روزی که کارگران زحمتکش سراسر جهان در طی آن همبستگی مبارزاتی و قدرت اتحاد خود را در مقابل سرمایه داران اعلام میدارند، در مقابل طبقه کارگر ایران قرار گرفته است.

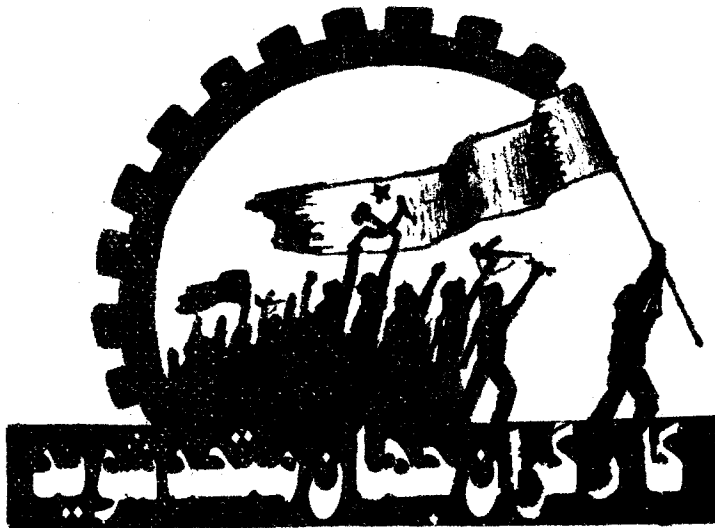
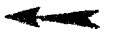
نکته نیست که شرایط کار و مبارزه کارگران ما بسیار دشوار است ولی طبقه کارگر ایران این طبقه تسایسه آخر انقلابی نشان داده است که لحظه ای از مبارزه بر علیه نظام ظالمانیسه سرمایه داری دست برداشته و هرگز صدای اعتراض این بیگترین

طبقه در انقلاب بر علیه سلطه امپریالیستی خاموش نگشته است. در سالهای اخیر علیرغم شرایط اختناق و ترور حاکم پر جامعه و علیرغم همه ترفندهای رژیم امپریالیسم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی برای مختنق کردن اعتراضات و مبارزات کارگران، این اعتراضات و مبارزات بیسه اشکال گوناگون تداوم یافته است، از اعتصابات کارگری تا مبارزه قهرمانانه کارگران بر علیه قانون کار اسلامی که همه نشانگر مقاومت و مبارزه کارگران در قبال رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی میباشد، بخصوص در مورد اخیر باید گفت که مبارزه قهرمانانه طبقه کارگر ایران نه تنها رژیم راجبوریه عقب نشینی نمود بلکه باعث تشدید هر چه بیشتر تضادهای درونی طبقه حاکمه گردیده و به یکی از مسائل حاد آنها تبدیل گردید امری که فتوای کداز خمینی جنایتکار تنها بیانگر عمق و وسعت تضادهای مذکور میباشد. مبارزات طبقه کارگر به روشنی بورژوازی وابسته و جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته و چشم انداز مرگ و نابودی را در مقابلشان به نمایش میگذارد، چرا که دشمن خود بخوبی میدانند که رسالت رهبری انقلاب بر دوش طبقه کارگر بوده و اگر کارگران متشکل نشده و مبارزه بر علیه سلطه امپریالیسم و در جهت کسب قدرت سیاسی راهبری نمایند، بدون شک پیروزی انقلاب

ضمین گشته و نابودی آنها محرز میباشد و همین واقعیت است که لریزه پسرانندام تحیف جمهوری اسلامی انداخته و دشمنان طبقه کارگر را واداشته تا برای حفظ نظم غیر عادلانه موجود سلاحهای خود بر علیه کارگران راهروجه تیزتر نمایند.

کارگران مبارزان! در شرایطی که با اختصاص همه امکانات کشور در جهت جنگ، هر روز کارخانجات بیشتری از دور تولید خارج گردیده و کارگران بیشتری از کار اخراج میگرددند و رژیم ددمنش جمهوری اسلامی با استفاده از این شرایط و با شعار "با اخراج یا جبهه" هر روز برای شکار کارگران و اعزام اجباری آنها به میدانهای پر بارگشت به ترفندهای رنگارنگی متوسل شده و برای تامین بودجه سرسام آورش بیسه اشکال گوناگون دستریج کارگران را مورد بیورش قرار میدهد، در شرایطی که رژیم هر روز بهانه و دستاویز جدیدی جهت سرکبسه نمودن کارگران ابداع مینماید تا با جان و مال آنها آتش جنگ را شعله ورتراخته و بیسه اربابان امپریالیستش در جهت فائق آمدن بر بحران عظیمی که درگیر آن میباشد باری رساند بسیاری از مسائل کارگران تحت الشعاع این جنگ ارتجاعی قرار گرفته است بطوری که مسئله جنگ با همه عوامل ناشی از آن بصورت یکی از





مهمترین مسائل طبقه کارگر درآمده و در مرکز توجه کارگران واقع گشته است و از آنجا که کارگران بطور روزمره با این امر درگیر میباشند و مصائب و مشکلات آنها هرروز با پوست و گوشت خود لمس مینمایند مسئله شیوه مقابله با جنگ امپریالیستی ایران و عراق و راه نابودی این جنایت بزرگ تاریخی با برجستگی هرچه بیشتری درمقابل طبقه کارگر قرار دارد.

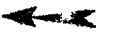
اگر یکی از دلایل مهم سازمان دادن جنگ ایران و عراق از سوی امپریالیستهای سرکوب انقلاب و بالطبع جنبش طبقه کارگر میباشد و اکسیر دیکتاتوری امپریالیستی منگوشد با توسل به شرایط جنگی و ترسندهای گوناگون هرگونه تشکل کارگری را نابود ساخته و هرصدای اعتراض را در گلو خفه سازد و اگر یکی از ضعفهای بزرگ مبارزات کارگران ما پراکندگی و بی تشکلی آنست پس باید برای مقابله با این اوضاع با عزم هرچه راسخ تر بیاختار چه تجربه کمونیستها و کارگران سراسر جهان و چه تجربه کمونیستها و طبقه کارگر ایران بروشنی نشان داده است که در شرایطی که بیسن رژیمهای ضدانقلابی سرمایه داری جنگی در میگیرد و طبقه کمونیستها و کارگران بشرو تبدیل این جنگ بسه جنگ داخلی یعنی انقلاب برعلیه نظام

موجود میباشد و در شرایطی که جنگ داخلی در سطح جامعه جاری است باید در جهت رشد و گسترش آن کوشید. مسرای نابودی جنگ و استقرار ملحدی دمکراتیک هیچ راهی جز نابودی سلطه امپریالیسم و جمهوری اسلامی وجود ندارد و این امر نیز جز با مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن بسه آزادیست امکانپذیر نمیشود، چرا که تنها در جریان این مبارزه است که با تضعیف سلطه امپریالیستی در عین حال امکان تشکل طبقه کارگر هرچه بیشتر فراهم شده و انقلاب تحت هژمونی کارگران بسه پیروزی نهائی میرسد.

اما اگر وظیفه کارگران و کمونیستها بمنابسه نمایندگان طبقه کارگر گسترش آتش انقلاب و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و گسترش هرچه بیشتر شکل اصلی مبارزه یعنی مبارزه مسلحانه میباشد در همانحال باید به اشکال دیگر مبارزه که بدون آنها هرگز

شکل اصلی بسه پیروزی نخواهد رسید و هرچه فعالانه تر توجه نمود و در هرحدی که امکانپذیر است آنها را بکار گرفت. مبارزه برعلیه جنگ امپریالیستی ایران و عراق در جهت برقراری صلحی دمکراتیک و انقلابی یکی از وظایف انقلاب کارگران میباشد. کسسه باید به اشکال گوناگون بسه بحث برده شود. کارگران مسا سوئزه باید بر علیه تعرضات جمهوری اسلامی که به بهانه جنگی به جان و مال آنان صورت میگیرد هرچه وسیعتر بسه مقابله بر خیزند. نباید با امتناع از رفتن به جبهه ها و مبارزه با سیاست ارتجاعی اعزام اجباری کارگران به مسلخ های جنگی، امتناع از پرداخت هرگونه وجهی در رابطه با جنگ و مبارزه با اخاذیهای گوناگون رژیم به بهانه کمک به جبهه ها، مبارزه با افزایش تولید و امتناع از





ششکست در آموزشهای نظامی درکارخانه کسه خودبخود راه اعزام کارگران به جبهه ها را هموارمی سازد این سیاست ارتجاعی را باشکست مواجه ساخت کارگران آگاه و مبارز باید بر علیه احراجهای کارگری و کمین دستمستورده ها و فواین و لوابیح ضدکارگری ای که از سوی رژیم در جهت قانونیت بخشیدن به وضعیت دهشتناک زندگی کارگران طرح میکردند مبارزه کنند. مسا از کارگران قهرمان ایران میخواهیم با گوش دادن به رادیوی صدای چریکهای فدائی خلق و همچنین مطالعه آثار مارکسیستی آگاهی سیاسی خود را فزونی بخشیده و پیک انقلاب درکارخانجات و محل زندگی خود بنهند. نوشتن شعارهای انقلاب و مطالبات کارگری بر درو

دیوار کارخانجات پیک گام ارزشمند مبارزاتی در جهت آمادگی برای مبارزه هرچه حدی تر با رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی است و در این مسیر باید با کوشش درکب شناخت از دیگر کارگران و ایجاد ارتباط با کارگران مبارز در جهت ایجاد هسته های مخفی مبارزاتی درکارخانجات حرکت نمود و به این وسیله به مبارزات خود وسعت هرچه بیشتری بخشیده و به هر طریق ممکن از جنبش مسلحانه خلق کرد حمایت نمائید و بلاخره کارگران ما باید با درگیری از تجربیات طبقه کارگر جهانی که با خون صدها هزار کارگر رزمنده

بدست آمده است و تجربیاتی که حاصل مبارزات و جانفشانیهای قهرمانانه کارگران ایران و از جمله کارگران کمونیستی چون چریکهای فدائی خلق رفقا اسکندر صادقی نژاد ، حسن نوروزی ، یوسف زرکار و غیبه میباند ، اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر را با تشدید مبارزات خود بر علیه تمامی مطالب سیستم سرمایه داری وابسته ایران و از جمله کسه چریکهای فدائی ایران و عراق گرامی بدارند و با شعله ویرساختن آتش انقلاب راه ناسودوی رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش را هموار سازند . گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر !

جاودان بساد خاطره تمامی کارگرانی که در راه آزادی طبقه خویش قهرمانانه جان باختند ! مرگ بساد امپریالیسم و سکهای زنجیرش ! مرگ رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی ! مرگ بزرگ امپریالیستی ایران و عراق سرفراریاد صلحی دمکراتیک ! سرفرار بساد جمهوری دموکراتیک خلق نه رهبری طبقه کارگر !

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران
۱۱ اردیبهشت/۷۷



طرح ارزشمندی تپا نشریه انجمن برای دفاع از حقوق پناهندگان ایرانی





فاجعه آفرینی جنگ، شهرها در گردستان

خلق رزمنده کرد!

با آغاز دور جدیدی از جنایت و کشتار توده های بی دفاع و محروم در جنگ امپریالیستی ایران و عراق و با از سرگیری جنگ خانمانسوز شهرها، روستاها و شهرهای کردستان نیز در آتش بمبها و موشکهای مرگبار امپریالیستی سوخته و بسیاری از مردم و محروم بی دفاع کردستان هستی و کاشانه و جان خود را از دست داده اند.

درهفته های اخیر مناطق مختلف کردستان و از جمله مریوان، پاوه، ارومیه، بانه، سقز، میاندوآب و... مورد حملات مهلك و مکرر هواپیماهای عراقی قرار داشته و بدین ترتیب بار دیگر تعداد زیادی از کودکان و زنان و جوانان قربانی تداوم جنگی گردیدند که تنها بخاطر منافع و مصالح امپریالیستهاست که سازمان یافته و تداوم مییابد.

مردم مبارز کردستان!

مسابقه کشتار در جنگ شهرها و قتل عام و خانه خرابی توده های ستمدیده در ماههای اخیر، بار دیگر ماهیت بغایت ضد خلقی وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و ضرورت براندازی انقلابی آن را بیش از پیش بنمایش گذارده است. شما در زندگی روزمره خود بیشتر از هر زمان دیگر پی برده اید که این جنگ ضد خلقی برخلاف تبلیغات عوامفریبانه جمهوری اسلامی جنگ "اسلام" و "کفر" و جنگ توده های محروم ایران و عراق با یکدیگر نیست. این جنگ جنایت بار، جنگ امپریالیستهاست که به بهای ویران کردن خانه و کاشانه توده های زحمتکش در روستاها و شهرهای ایران و عراق و کشتار و قتل عام خلقهای تحت ستم و بیخاسته و سرکوب مبارزات آنها جیبهای خود را از سوده های کلان پر میسازند.

پس باید بر علیه این جنگ نفرت انگیز امپریالیستی بیخاست.

باید برای نابودی این جنگ ضد خلقی و برقراری صلح عادلانه و دمکراتیک، مسلمان و مجریان جنایتکار آن یعنی جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش را برانداخت. باید جنگ انقلابی و عادلانه ای که سالهاست در سراسر میهن تحت سلطه مان و در کردستان قهرمان جریان دارد را دامن زده و صفوف پیشمرگان قهرمان را با برداشتن سلاح و نبرد با دشمن ضد خلقی یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و حامیانش تقویت نمود.

تنها با گسترش جنگ انقلابی و واژگونی جمهوری اسلامی این سنگ زنجیری امپریالیستها و برقراری حاکمیت انقلابی کارگران و خلقهای تحت

ستم است که تمامی مصائب و فلاکتهای این جنگ ضد خلقی نیز از زندگی شما رخت بپوشاند و صلحی دمکراتیک و عادلانه برای توده های زحمتکش میهنمان بدست خواهد آمد .

مرگ بر جنگ امپریالیستی ایران و عراق برقرار باد صلحی دمکراتیک !
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی !
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است !

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران - کردستان
اردیبهشت ۷۷

رفته و سعی مینمایند تا با ایجاد محیط رعب و وحشت مردم را مجبور به تن دادن به تسلیم اجباری نمایند جاشها ضمن تهدید اهالی میگویند : " اگر اسلحه برندارید، سرنویشت بدی در انتظارتان خواهد بود " مزدوران سپس اهالی زحمتکش روستا را جمع میکنند و بعد یکی از خود - فروختگان بنام "علی یاسین یوست" ضمن تهدید روستائیان مبارز بگویند: " اربابهای منطقه از دولت خواسته اند که دست آنها را باز بگذارند تا مردم منطقه را مسلح کنند " این جاش کشیف سپس در ادامه ارا حیف خود رباکارانه از روستائیان میخواهد که : " تا اربابها شمارا بزور مسلح نکرده اند

مقاومت اهالی روستای "نوبهار" در مقابل تسلیم اجباری

مدتهاست که رژیم قصد دارد زحمتکشان روستاهای اطراف بوکان و از جمله روستاهای "نوبهار"، "ینگلی کند" و "قلاگا" را بر علیه فرزندان پیشمرگشان مسلح نماید . و به همین دلیل مزدوران رژیم بارها به روستاهای فوق مراجعه کرده و بارها با توسل به حيله و نیرنگ و زور و سرکوب کوشیده اند روستائیان را مسلح نمایند که هر بار با شکست مواجه گردیده اند . در همین رابطه در اواخر اسفند ماه ۷۶ مزدوران خود فروخته محلی (جاشها) روستای نوبهار را محاصره کرده و تعدادی از آنها بداخل روستا

سألهاست که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به هروسیله ای متوسل میشود تا ضمن تسلیم اجباری روستائیان زحمتکش کردستان آنها را در مقابل پیشمرگان خلق قرار داده و به این وسیله جنبش مسلحانه کردستان را تضعیف و نابود سازد . و به همین دلیل نیز یکی از فعالترین عرصه های مبارزات خلق کرد بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مبارزه بر علیه تسلیم اجباری میباشد ، سیاستی که با مقاومت قهرمانانه توده ها روبرو شده و تا حد زیادی با شکست مواجه گردیده است . برای نمونه

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم و تردیدناپذیر خلقهاست

کرده و تحت هیچ شرایطی به خواست مزدوران تن ندهند. این تصمیم انقلابی نمونه دیگری است از مقاومت روزمره توده های ستمدیده کردستان در مقابل سیاست تسلیح اجباری روستائیان که بروشنی سطح آگاهی به حق کردستان را به سنگر انقلاب و شناخت وسیع خلق کرد از ماهیت ایران تبدیل نموده است.

خودتان اسلحه بردارید چون اگر دست از بایها بپنند همکستان را به زور مسلح خواهند کرد و مثل سابق هر کاری که دلستان بخواهد انجام خواهند داد. شما فرصت دارید فکر کنید و بعد ما بازم برمیگردیم.

مزدوران رژیم پس از پایان این اراجیف روستا را ترک مینمایند. پس از رفتن مزدوران اهالی در مسجد روستا جمع شده و در رابطه با این واقعه و خواست جاشها به بحث و گفتگو میپردازند، در جریان این گفتگوها تعدادی از پیرمردهای روستا میگویند: "این رژیم که حرف منطق سرش نمیشود، آخوش یسا به زور همگی ما را مسلح میکند با همه مان را به رگبار میندند" اما عده دیگری از روستائیان به مخالفت با این نظر برخاسته و یسا نکیه به تجربه مقاومت روستاهای دیگر از اهالی میخوانند که بر علیه برداشتن اسلحه رژیم مقاومت نمایند. در نتیجه در پایان این گفتگو زحمتکشان مبارز روستا شیدا هرگونه بینش را که بخواهند کوچکترین سستی در مقابله با دسائس جمهوری اسلامی به خرج دهد را محکوم کرده و روستائیان همگی متحدانه تصمیم میگیرند که همچنان در مقابل دسائس ضد خلقی رژیم برای برداشتن اسلحه خیانت مقاومت

درستایش از انقلابی

درستایش از انقلابی

وقتی که سرکوب، پا قرص میکند

خیلی ها دل و جرأت خود را از دست میدهند.

ولی دل و جرأت او افزون میشود.

او نبردش را سازمان میدهد

برای اسکناس حقوق، برای نان دهان

و برای بدست گرفتن قدرت دولت

او، مالک را بار خواست میکند:

- از کجا میآش؟

از کسانیکه صاحب عقیده اند، میبرند:

- به نفع کی کار میکنید؟

در حاشیکه همگان خاموش میمانند

در همین هنگام است که او صدایش را بلند میکند.

جاشیکه سرکوب غرس میراند و مردم از سرنوشت دم میزنند،

او، نامها را برمی شمارد.

وقتی که او بر سر میزی جای میگیرد،

نارصابتی بر سر میز جای میگیرد.

غدا، بدخواهد بود

و همگان، اتاق را پیش از حد کوچک خواهند یافت.

از آنجاشیکه او را میرانند، در همانجا شورش پیامبیزد.

و از آنجاشیکه او را اخراج میکنند، طغیان برجامیاند.

گزارشهای از نشریات ترکیه

فعال مخالف رژیم خمینی به ترکیه را تصدیق کرده و گفت: ما در مورد این اشخاص و اسامیشان هیچگونه اطلاعاتی در دست نداریم. بهمن علست از راههای قانونی وارد خاک ترکیه شده و مدت سه ماه توافق و مذاکره ترکیه اقامت مینمایند. اما با دریافت هرگونه اطلاعاتی، این اشخاص را فوراً از ترکیه اخراج میکنیم.

طبق سیاست بین المللی ترکیه هیچگونه اجازه و امکانی بسمه فعالیت بر علیه هیچ کشور همسایه و یادیگر کشورها، داده نخواهد شد در این مورد به تمام اعضای سازمان امنیت هشدار داده شده است.

این مقام افزود: ایرانیانی که بعلت فعالیتهای ضد رژیم خمینی تحت تعقیب هستند شامل معاوضه بسوده، درکنار اینها ایرانیانی که بعلت شرایط جنگی و مسائل گوناگون اقتصادی و یا بعلت تحصیل، از ایران فرار کرده و به ترکیه میآیند شامل پناهنده نمیشوند. اما در شرایط وحیم مادی این افراد به اجرای جرمهای اقدام کرده و مسئله و اشکال بوجود میآورند. این مقام به قرارداد جدید بین ایران و ترکیه در مورد تحویل دادن مخالفانشان تأکید کرده و گفت: "تفاوت اجرای سیستم جزایشی در ایران باعث بوجود آمدن اشکالاتی خواهد شد".

منون زیر که حاکی از دو مسئله در رابطه با ایران و همچنین گوشه بسیار کوچکی از وضع زندانیان سیاسی در ترکیه میباشد از یکی از روزنامه های ترکیه (جمهوریت) ترجمه شده است.

چانه بازاری با ایران

27 / 2 / 1988

فعالیت معاوضه ایرانیان ضد رژیم خمینی در مقابل افراد مسلح (میلیتانهای) حزب کارگران کردستان ادامه دارد.

در اجتماع سران امنیت ایران و ترکیه فعالیتهای تروریستی که موجب ناراحتی دو کشور شده است مورد بحث گذاشته شد. در مقابل درخواست ترکیه در مورد استرداد افراد مسلح حزب کارگران کردستان که به ایران پناه آورده اند ایران هم خواستار تحویل دادن ایرانیان ضد رژیم خمینی در ترکیه را شد.

توافق دو کشور در مورد معاوضه مخالفان بعلت اجرای سیستم جزایشی ایران باعث بوجود آمدن اشکالاتی خواهد شد. در دیدارهای رسمی بین مقامات وزارت داخله ایران و ترکیه در آنکارا در مورد مطالبی مانند همکاری در مقابله تروریسم و استرداد مخالفان "بتوافق رسیده شد و برای به حقیقت

پسوستن این توافق فعالیتهاش در حال انجام گرفتن است. مقامات وزارت داخلی بخصوص به اهمیت معاوضه مخالفان تکیه کرده پس از دیدار وزیران دادگستری دو کشور، در مورد حل این مسئله وعده هاش دادند. در دیدارها ترکیه از ایران درخواست حل مسئله در مورد استرداد افراد مسلح حزب کارگران کردستان را که به ایران پناه آورده و گاهی از مرز خارج شده و در شرق و جنوب شرقی آنستولی فعالیتهای تروریستی انجام میدهند، را نموده است. درکنار درخواستهای ترکیه در مورد شناختن امکان پناهندگی در مورد افراد مسلح حزب کارگران کردستان، همچنین بعلت تحت تعقیب بودن این افراد، طلب استرداد شان هم قید شده است. ایران هم تحت تعقیب بودن مخالفان فعال رژیم خمینی را قید کرده و طلب استردادشان را نمود.

یک مقام از سازمان امنیت فرار بعضی از ایرانیان



مقامات به اجرای سیستم قصاص در ایران اشاره کرده و گفتند: "در مورد استرداد مخالفان به ایران چنین تصمیمی گرفته شده است. اگر جزای که برای يك مخالف در ترکیه در نظر گرفته شده، در ایران هم همانطور باشد مخالف تحویل داده میشود. اما اگر جزای مخالف در ترکیه زندانی و در ایران اعدام باشد مخالف به ایران اعاده نمیشود." مقامات ترکیه در مورد استرداد مخالفان تاکید کردند که تابع قوانین حقوق بین المللی میباشند.

"ترجمه از روزنامه جمهوریت"

"شادی ناتمام در زندان"

دیاربکر

2 / 2 / 1988

در آخرین روز اعتصاب غذا در زندان ارتش شهر دیاربکر "محمد امین یاووز" یکی از اعضای حزب کارگران کردستان قبل از رسیدن به بیمارستان درگذشت. در زندان ارتش خصوصی شهر دیاربکر صبح آخرین روز اعتصاب غذا وقوع مرگ "محمد امین یاووز" یکی از اعضای حزب کارگران کردستان قبل از رسیدن به بیمارستان دانشکده پزشکی به تشییع رسید. در گزارشی که از طرف دکترهای کشک دانشکده

پزشکی ترتیب داده شده، هنگامیکه محمد امین یاووز به بیمارستان آورده شده بود در حالت "EKS" مرگ بود. بعلت اعتصاب غذا ۲۵ زندانی و محکوم دیگر که به بیمارستان منتقل شده اند رو به بهبودی است.

طبق اطلاع مقامات ارتش صبح روز ۱۹ فوریه ساعت ۲/۴۵ دقیقه محمد امین یاووز به بیمارستان دانشکده پزشکی دانشگاه دجله برده شد. آن شب دکترهای کشیک بنامهای دکتر مصطفی تور و فامیلش نامعلوم دکتر آیا، اولین معالجات محمد امین یاووز کسه گفته میشود خونریزی معده داشت، را انجام دادند. با وجود اینکه ۲۰-۱۵ دقیقه به دستگاه تنفس مصنوعی وصل شد اما به زندگی برگردانده نشد. در گزارشی کسه در ساعت ۱۴/۱۵ دقیقه از طرف دکترهای کشیک به مقامات ارتش داده شد هنگام انتقال به بیمارستان محمد امین یاووز در حالت "EKS" مرگ بوده و خونریزی داشته است، قید شده است.

مقامات ارتشی جسد "یاووز" را دیروز بعد از ظهر به خانواده اش در شهرستان هیلوان وابسته به استان شانلی ارنات تسلیم کردند. سرطیب بیمارستان دانشکده پزشکی، دکتر "بن یامین ایشیک آلی" به وکیل

مجلس حزب سوسیال دمکرات خلق، میگوید که در زیر و روی بدن محمد امین یاووز خونریزی وجود داشت و بسه گفتن همین مطلب اکتفاء میکند. وکیل مجلس همچنین اضافه میکند: امیدواریم که محمد امین یاووز در اعتصاب غذا بعلت خونریزی معده مرده باشد. به وجود احتمال دیگر نمیخواهیم فکر کنیم.

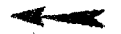
شادی ناتمام دیگر

با پایان اعتصاب غذا، شادی بزرگ در بین نزدیکان محکومین با خبر مرگ محمد امین یاووز بسه غم و اندوه تبدیل میگردد. بعضی خانواده ها با تصویر برای اینکه مقامات اجازه نخواهند داد از ملحق شدن به مراسم جنازه محمد امین یاووز منصرف شدند. از طرف دیگر اسامی ۲۵ محکوم دیگر که به بیمارستان منتقل شدند، فاش نشد و این موضوع باعث تشویش و نگرانی خانواده های محکومین شد.

"محمود آلیناک" وکیل مجلس

حزب سوسیال دمکرات خلق شهر کارس و "آدان اکمن" وکیل مجلس حزب سوسیال دمکرات خلق شهر ماردین کسه یک مدت با نزدیکان محکومین بسه اعتصاب غذا ملحق شده بودند، در مرگ





"محمد امین یاووز" حکومت را مسئول شناختند. محمود آلیناک و آندان ائمن در این مورد توضیح دادند: "پس از محکومیت دراز مدت و سخت، کسانیکه وارد اعتصاب غذا شدند هر لحظه امکان مرگشان وجود داشت و حکومت با وجود دانستن این موضوع هیچ عکس العملی در این مورد نشان نداد. و کیلان مجلس همچنین اضافه کردند: "حادثه مرگ یکبار دیگر محق بودن ما را در شروع اعتصاب غذا به اثبات رساند. اگر ما با اعتصاب غذا نظیر حکومت را جلب نمیکردیم چندین مرگ دیگر رخ میداد. حکومت بنا نگرفتن پیشگیری به موقع زمینه مرگ را آماده کرد. عین همین وقت در زندانهای ساماجی لار، اسکی شهر ماماک و در زندانهای بیشتر دیگر نیز ادامه دارد.

طبق توضیحات انجمن خیریه خانواده های زندانیان و محکومان، نخست وزیر و وزارت دفاع ملی کشور در حل مسائل کوشش کافی را ننموده اند. همچنین وزارت دادگستری هم در این مورد هیچگونه دخالتی نکرده، در صورتیکه وزارت دادگستری بسایند با مقامات حکومت در این مورد کوشش و همکاری کند. در غیر اینصورت، سیاست و قوه اجرائی امروزه ادامه ای از شرایط فوق العاده ۱۲ دسامبر (تاریخ کودتا در ترکیه) خواهد

بود. در توضیحات بعثت وقوع حادثه مرگ در یک مکان رسمی وابسته به حکومت، خواستار انجام تحقیقات لازم در مورد افراد مسئول را شدند. غروب دیروز ساعت ۱۷ در شهر هیلوان جنازه محمد امین یاووز تحت مراقبت و پیشگیری سخت به خاک سپرده شد. در مراسم تشییع جنازه تنها نزدیکان محمد شرکت داشتند. در عین حال اکیپ پلیس هم به چشم میخورد. همان شب ساعت ۲۴ در شهر هیلوان با اسلحه اتوماتیک ۱۰ بار شلیک شد. مصطفی یاووز برادر محمد امین یاووز اظهار کرد: "این گلوله ها فقط برای تحریکمان شلیک شد. این عمل برای رویاروش ما با حکومت یک عمل تحریک آمیز بود."

حادثه در آتن

در آتن پایتخت یونان ۱۵۰ پناهنده سیاسی ترک و کرد در جلوی سفارت ترکیه در آتن جمع شده و همبستگی خود را با محکومین سیاسی زندانهای ترک اعلام کردند. تظاهرکنندگان اظهار کردند: "دور زندانهای ترکیه محکومین سیاسی را شکنجه میکنند و همچنین شعارهای "مانند "آزادی برای کردستان" و "مرگ بر فاشیسم و استعمار" را دادند.

"روزنامه جمهوری"

قوانین بیرحم

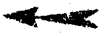
1/3/1988

خبرنگار ترک: یالچین دوآن

تهران - شش اعدام در وسط جاده در یک آن انجام میشود. بر روی جرثقیل یک تخته بزرگ و فطور گذاشته میشود. به الوار شش گره وصل میشود. سر شش انسان تک تک از گره عبور داده میشود. جرثقیل در یک آن بالا برده میشود و شش انسان در یک آن در هوا آویزان میشوند. احتیاج به جلد نیست. شش انسان به سب "حیانت به انقلاب اسلامی" زندگی را بدرود میگویند.

روز قبل در ساعات ورود ما به تهران این اعدام ها به وقوع می پیوندند. در رژیم ایران محافظان انقلاب خیلی بیرحم هستند. در اساس محافظان انقلاب ستون مسلح انقلاب هستند. در زبان ایرانی به آنان پاسدار گفته میشود. دیروز وزیر آنان بنام رفیق دوست، روزنامه نگاران ترک را قبول میکنند. وزیر پاسداران رفیق دوست در زمان حکومت شاه چهار سال در زندان بوده و روز برگشت خمینی به ایران رانندگی خمینی را به عهده میگیرد. ظاهراً دوست داشتنی است اما قوانینش خیلی بیرحمانه است. سلسله مراتب در بین محافظان انقلاب نسبت به درجه لیاقت و





وابستگی‌شان بسسه اسلام تعیین میشود. برای برپا نگهداشتن رژیم اسلام محافظان انقلاب در حمله و هجوم به خانه ها، تفتیش محله‌ها، مختلف کشور و بازرسی و کنترل مناطق مختلف کشور شرکت داشته و نیروی ضربتی ابدنولوژی اسلام را تشکیل میدهند. بهمین دلیل برای برپا نگهداشتن انقلاب به اجرای چنین قوانین بیرحم اقدام میکنند. محافظان انقلاب در ایران قدرت اصلی را تشکیل میدهند. البته فرمانده کل بسسه انسان خسینی میباشد. استفوار رژیم یا اجرای چنین قوانین بیرحم خاتمه

نمیآید. در عین حال مشاهده بعضی مناظر این بیرحمنی ها را عمیق تر میکند. بعنوان مثال در هتل‌هایی که اقامت میکردیم تعداد زیادی جوانان از جنگ برگشته اقامت میکردند. سن این جوانان بین ۲۴ - ۱۷ بوده وبدون استثناء یا باصندلیهای چرخدار و یا با چوبدستی زیر بغلشان حرکت میکردند. بیرحمنی جنگ از وجود این جوانان منعکس میشود. با وجود اینهمه عناد و مقاومت در برابر صلح، علائم جنگ از هر جهت در تهران به چشم میخورد. بعنوان مثال شب در تمام تهران خاموشی اجرا میشود، زیرا چند روز قبل عراق يك سد در حال بنا

را منفجر میکند و در این قسمت شهر خریق بوجود آمده و زندگی ۴۵۰ انسان خاتمه مییابد. باوجود خاموشیها، کمبود انرژی برق به مقیاس قابل توجهی وجود دارد. در مناطق مختلف کشور در ساعات مختلف برق شهر قطع میشود.

فردا صبح با هواپیما به مقصد استانبول تهران را در میان يك سیاهر غلیظ با فواین بیرحمنی ترك خواهیم کرد.

" ترجمه از روزنامه جمهوری "



کارگران مبارز امسال در شرایطی به پیشواز روز جهانی کارگر میشتابیم که بر اثر تداوم جنگ خانمانسوز امپریالیستی شما کارگران و دیگرزحمتکشان، تحت شدیدترین و جنایتکارانه ترین اعمال قرار گرفته اید. رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در جهت حفظ و گسترش منافع سرمایه داران زالوصفت پیش از پیش شما را مورد استثمار قرار داده و بخشی از کارگران همسنگر شما را در مسلخ گاههای جنگ امپریالیستی قربانی نموده است. در گرامیداشت روز جهانی کارگر میبایست هرچه متحذرت و استوارتر بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به مبارزه برخیزید.

گرامی باد روز اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران!

با ایمان به پیروزی راهمان
جریکهای فدائی خلق ایران

ت. ش. ا. س. ۷۷

۲/ اردیبهشت ۱۳۷۷

فریاد زنان در ترکیه

اخیرا جزوه ای تحت عنوان " فریاد زنان ایرانی در ترکیه " که در آلمان منتشر گردیده است به دستمان رسید که حاوی مصاحبه هایی با زنان پناهنجوی کشورمان در ترکیه میباشد. این مصاحبه ها که حاصل سفر پنج هفته ای يك گزارشگر آلمانی به ترکیه میباشد بروشنی شرایط دردناکی که زنان آواره ایرانی در ترکیه در آن قرار دارند را منعکس میسازد. ضمن قدردانی از کوششهایی که برای انعکاس مسائل و مشکلات هم میهنان آواره مان صورت میگیرد برای اطلاع خوانندگان پیام فدائی گزارش زیر را عینا از جزوه مزبور نقل میکنیم.

بدیگران بدست بیآورم . زن یعنی انسان . فرق نمیکند زن یا مرد . وقتی حقوق بشر هست زن و مرد یکی هستند . متأسفانه در ایران و کشورهای امثال ایران زن معنی ای جز يك برده (ندارد) . يك برده ای که فقط و فقط يك برده است . تو خیابون ها جرات نفس کشیدن نیست . توخونه جرات حرف زدن نیست . درقانون ، قانونی که باید حمایت کنه ۱۹ قانونی وجود نداره ، حمایتی وجود نداره . همیشه توسری بوده . توسری خوردن ، یالاقل این چند ساله این مسئله بیشتر بوده .

روحیه من بخاطر اینکه فکر میکنم دارم مبارزه میکنم (بد نیست) . هدفم اینه که دوتا دخترمو ، دوتا بچمو که در حال حاضر خیلی کوچیکند و زنای آینده دنیا هستن لااقل موقعیتی ، نه مثل موقعیت خودم براشون جور کنم . نمیدونم تا چه قدرموفق میشم . ولی تلاشم را بعنوان يك مادر ، بعنوان يك زن خواهم کرد و آرزو میکنم ، کسانی که صدای منو میشنون کمک کنن . دسامو بگیرن (گریه) نذارن توی منجلاب ترکیه داغون بشم (گریه) . من دارم دیوونه میشم . روحیه ام خراب و داغونه . فشارمادی ، فشار روحی وقتی نه عقب نگاه میکنم میبینم هیچی نبوده ، هیچی نداشتیم . آزادی نبوده ، وقتی جرات اینو نداری که حتی حرفتو برزی جرات اینو نداری که

منو کسی میشنوه ؟ ولی آرزو میکنم بعنوان يك زن ، يك زن ایرانی ، که درحال حاضر مثل يك برده ميمونه ، صدام به همه بسره . این وظیفه منه که با (بغض و گریه) بسا فریادهام خالمو به همه بگم . حالا زنای ایرانی مثل من توی ایران زیاده . خیلی زیاده ، ولی امکان نیست ، امکانی برای فراری از این گرداب نیست . موقعیت من ، موقعیت روانی من ، به حدی داغونه که فکر میکنم ، هر کس دیگه هم در موقعیت من بود همین حال ، همین روحیه و شاید صد چندان بدتر برایش پیش میاومد . من بخاطر تلاشی که در ایران بخاطر (حقوق) زن ایرانی میکردم و بسا توجه به اینکه در دوتا روزنامه عکس من بوده سعی کردم همیشه جز زن بودنم را نیست

فریده :
"چند هفته اینجا هستم ؟ سه ماهه . سه ماه خیلی خیلی بد . موقعیت مالیم خیلی خرابه ، طوری که از خواهرم خواهش کردم که برام یه مقدار پول فرستاد و مهم متشکرم . اینجا امکان کار کردن (گریه) نیست ، هیچی . پول درآوردن ، حتی اگر آرزوش را هم داشته باشی که بخوای کار شرافتمندانه ای بکنی وجود نداره . با دوتا بچه ، دوتا دختر ، دوتا زن آینده ای که متأسفانه به هیچ عنوان آینده خوبی (گریه) براشون در ایران نمیبینم ، اینجا هستم در کشوری که شاید از چند سال پیش ایران عقب تره . متأسفانه راهی را پیش گرفتیم و ازش بالا میرم که آخرش نامعلومه . نامعلومه ، خیلی نامعلوم . نمیدونم صدای



انتخاب لباس بکنی ، این چه زندگیه ؟ البته مسئله لباس پیش با افتاده است ، مسئله حجاب ، يك مسئله ای که وقتی در حد قانون قرار میگیره خیلی عادیه ، ونی کدوم قانون ؟ آیا بقیه قوانین درست هستند که آدم تعجب بکنه از این قانونشون !؟ وقتی که در ایران ، يك زن تار مویش بیرون باشه با شلاق روبرو میشه آیا با شلاق و زور میشه زندگی کرد ؟ حق هر انسانیه که زندگی کنسه ، تلاش کنه ، يك زندگی آروم داشته باشه . ولی متاسفانه ، متاسفانه ، متاسفانه این زندگی از ما زنای ایرانی گرفته شده . من تلاش میکنم ، سعی میکنم و قسم میخورم اگر قدرت داشته باشم زنائی مثل خودم ، یعنی زنای ایرانی در حالت برسر دگی نمونم . سعی میکنم که بینش (شناخت) بیشتری دنیا نسبت به ما زنها پیدا بکنه . بدونن که ما واقعا دلمون نمیخواد بسه این صورت برده باشیم . نمیخوایم توسی خور باشیم . نمیخوایم بدبخت باشیم . روزی که از ایران میآمد آخرین روز سال گذشته بود . دم مرز خانم شت ساله ای را دیدم که بلندگو اعلام میکرد بانو خانم پرتو (فامیلش را نمیدونم ، خاطر من نیست) بعلت بدحجابی بیست بار به شلاق محکوم شده . ابتدا فکر کردم دختری باید باشه و زمانی که آمدند

حکم را اجرا کنند این خانم با شامتی (بغض) واقعا ستایش آور باید ستایش میکردیم ، یعنی باید بودین و میدیدین که با چه شامتی و ایساد و گفت مدیون من هستید من دارم بیمورد شلاق میخورم ، آیا کسی نیست که نفس بکشه ؟ اعتراض کنه ؟ واقعا کسی جرات نداشت . هیچکس . بسا تشنج اعصاب برگشتم به اتوبوس (گریه) خودم . باور کنید بسه اندازه دو روز تمام اعصابم ناراحت بود و هنوز فکر میکنم مسن مدیون او هستم . (گریه) مدیونم . باید صدای اونو به جهان برسونم . بیست ضربه شلاق را يك زن شت ساله خورد ، فقط بخاطر اینکه تار مویش ازش بیرون بود . بخاطر اینکه در قانون اسلام زن پنجاه شت ساله ایرادی نداره مویش را نامحرم ببینه . دین باید با دنیا پیش بره . اگر بخوایم فقط روی دین حساب کنیم مثل برده ها عهدوسطی خواهیم بود . عین غارتشینها . این چه قانونیه ؟ هیچرا ! دلم نمیخواد صدامو بشنوید . دلم میخواد واقعا تا آنجائیکه امکان داره ، حتی اگر بمن کمک نمیکنید تلاشون را بکنین . تلاش کنین ، نگذارین زنائی مثل ما اینطور داغون بشن . برده وار اسیر باشن . و زنجیر بردگی بگردن بکشن . دلم میخواد برگردم ایران (ولی) دلم نمیخواد تو اون موقعیت بچه هام را بزرگ کنم . من در موقعیتی

بودم که حالت روحی خیلی بدی داشتم . بعلت راهپیمائی ضد حجاب و شرکت کردن من در آن از اداره منتظر خدمت شدم . شوهرم آنموقع سرباز بود . دختر کوچکم را نسه ماهه باردار بودم به اداره مراجعه کردم . متاسفانه فقط بسا يك چیز برخورد کردم خشونت . رفتم و به مسئولین اداره گفتم : من این راهپیمائی رو رفتم ، کاری را که کردم قبول دارم ، زیرش هم نمیزنم . این عقیده شخصی من بوده ، برای عقیده شخصیم فعالیت کردم و در حال حاضر شوهرم بالای سر من نیست . دخترم یکسال و نیمه و من به شیرشیش محتاجم . شکم اونو نمیتونم سیر کنم . شوهرم در حال حاضر در جبهه داره بخاطر این دولت میجنکه . اگر شهید بشه من جوابگوی دوتا بچه هستم ، جوابشون بمن این بود : شهید بشه چه ایرادی داره . این همه جوون شهید میشن ، شوهر توهم روش . پول خونشو در خونه بهت میدن . شما فکر میکنین اگر هرکس دیگری جای من بود به چه حالی میافتاد ؟ واقعا به جنون کشیده میشد . من با پنج تومن ، پنج تا تک تومنی ایرانی اومدم تو خیابون و گریه کنان سوار ماشین شدم . راننده فکر میکرد که من موقع زایمانه و فکر میکرد کسه منو باید به بیمارستان برسونه . ازش خواش کردم که منو به منزل



برسونه ، چون حال روح خیلی بدی داشتم . باور کنین این مسئله رو وقتی برای هر کس تعریف میکنم دیوونه میشه . آدم تا جای کسی نباشه نمیتونه موقعیتش را درک بکنه . من به شیر شب بچه یکسال و نیمه ام محتاج بودم . بچه دیگه را نه ماهه باردار بودم که هر لحظه امکان زایمان داشتم شوهرم بالای سرم نبود دلواپس او بودم که توی جبهه داره میجنگه ولی جواب اونا این بود : خوب شهید بشه ، چه مسئله ای است ؟ اینا براشون زن و مرد فرق نمیکنه ولی بعلمت اینکه زن از نظر قدرت ضعیف تره ، سعی میکنن بکنن اون زور میاورن . اونو زیر زور و فشار داغون کنن . در حال حاضر زنان ایران موقعیت خیلی بدی دارن . توخیابون با شوهرت داری راه میری . گشت کمیته میرسه مدرکی نداشته باشی که ارائه کنی که شما زن و شوهر هستید ، باید کلی جاهابترین تأبوتین مدرکی رو روکنین . تازه شاید از مخمه نجات پیدا کنید .

حدود یکسال پیش ، یکی از دوستان ما رو دعوت کرد برای خوردن شام ، ما رفتیم ، من و شوهرم و دوتا بچه هام ، و چون صاحب خونه خواهش کرده بود شوهرم ارگشو بیاره ، ما ارگو بردیم . البته استفاده نشده بود . گذاشته بودیم طبقه پائین .

اون منزل . بعد از یکریج ، بیست دقیقه چهارتا ماشین پاترول (گشت) با یکعده کمیته چی ریختند توی خونه . کلی بما تهمت زدند . بعد از اینکه همه را تفتیش کردند ، خونه را گشتند اجازه نفس کشیدن به کسی ندادند . کلی توهین کردند و مدرکی گیرشون نیومد . همه مونو (همه مارا) جمع کردن ، بردنمون کمیته ، حتی من و بچه هاویک خانم دیگه که بچه نوزادی همراهش بود . گفتند شما اینجا پارتی دادید . گفتیم ؟ این پارتی نیست ، فقط یک مهمانی شامه . دیدم به . نه از این خیرها نیست . بخاطر همین مهمانی شام ، یعنی بخاطر خوردن یک شام معمولی مردها چهار پنج روز در زندان قصر تهران زندانی بودن . هزار جور مدرک خواستن . روز دادگاه هم همه مارا متهم کردند بجه جریحه دار نمودن عفت عمومی چیه عفتی معلوم نیست ؟ ! عمویش ؟ ! چون تو خونه بوده ، حتما عمومه چون در انظار نبوده که بشود جزء عموم بحساب میاوریم . بعد آقای دادستان همه را محکوم به بیست ضربه شلاق و مقداری هم جریمه پولی کردن . بعد از یه مدت خواهش و التماس که خانمها واقعا روحیه شان اینقدر خراب شده بود که به حد مکتبه رسیده بودند و وقتی دیدند که تا این حد توانسته اند به روح

و جسم يك زن همه زن فشار میاورند مثل دیوونه های تیمارستانی احساس لذت کردند گفتن خوب ، حالا تنبیه شدید . بیست ضربه شلاق رو بهتون نمیزنیم ولسی جریمه نقدی را بایستی بپردازید . جریمه نقدی را گرفتند . ارگو را بدون اینکه مدرکی داشته باشند که ازش استفاده شده ، و جرمی بهش واقع شده حیثیت و میل کردند . قانونانه . معلوم نشدکی بردش . در واقع یعنی بکنوع دزدی . اینها بر ما حکومت میکنند ، اینها میخواهند ما را ارشاد بکنند ، اینها میخوان ما را به راهی بکشاند که معلوم نیست درسته یا غلط ؟ فکر میکنم درست نباشه .

ما چیزی نمیخواهیم ، ما فقط آزادی فردی میخواهیم . ما فقط میخواهیم که دنیا به امثال ما نگاه بکنه . شاید بشه این فریادهاش که در سینه ها خفه شده بگوش دنیا برسه . امیدوارم من بتونم با همین چند دقیقه صحبت کردن حق زن بودم را ادا کرده باشم ، و صدامو به آنجاهاش که باید برسه رسانده باشم .

من در حضور دوتا فرزندم قول میدهم تا آنجاشیکه بتونم و خون در رگ داشته باشم تلاش کنم ، تلاش کنم و بهشون یاد بدم که همچون يك زن واقعی ،

پیام فدائی

سال سوم

شماره ۱۹

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران



انسان واقعا از حق خودشون دفاع کنند . این حق هرکسی هست . مخصوصا حق يك زن است که از حقش موقعیتش از شرایطش دفاع کنه . حقشه که نفس بکته و باید این حق رو بدست بیاره . حتی در قانون جنگل هم این حق وجود داره که برای نفس کشیدن تلاش میکنند . برای رنده بودن تلاش میکنند .

من به دو تا دخترم یاد میدهم و باید یاد بگیرند که خیلی پیروزمندان و سر بلند و افتخار آمیز بگن که زن هستن . شاید مسن نتونم بخاطر ضعف مالیم ، بموقعیت آنچنانی آنها را برسانم ، ولی میدونم بالاخره

روزی خواهد رسید ته آنها این تلاش مراپی ارج نخواهند گذاشت . مخصوصا دختر بزرگم که با این همه استعدادی که من در او میبینم باید روزی زنی بشه جزو زنان نامدار دنیا . شاید خیال جامی باشه ، شاید بمن بخندید ، ولی من تلاشو میکنم و حقشه که به اون مراحل برسه ، چون واقعا با استعداد ، ارزش اینو داره و بخاطر همین هم من تلاش کردم ، بخاطر همین هم تا اینجا خودمو کتوندم .

ترکیه مثل يك گرداب میمونه ، مثل يك مرداب میمونه که اگر تکون بخوری در این باطلاق و گرداب فرو میری ولی من و امثال من به هر نحوی که شده

حتی به يك شاخه درخت خشک فرسوده دست میاندازیم ، چنگ میزنیم که شاید بتونیم خودمون را نجات دهیم و امیدواریم شامی که صدای مارو میشنوید ، امیدوارم شماها بتوانید بما کمک کنید و دست ما را بگیرید و از این منقلب نجاتمان بدهید . قیلا بخاطر این همه محبت که نسبت به من ادا کردین و اجازه دادین (بغض) چند لحظه ای حرف دلمو بازگو کنم ، سیاستگری میکنم . مخصوصا از این خاصم که اینقدر خانمی کردن و لطف کردن و وقتشون را به من دادن و اجازه دادن که من در حضورشون حتی با گریه حرفامو بزنم .



کاوش

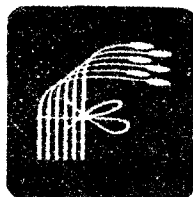
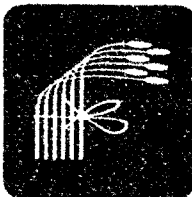
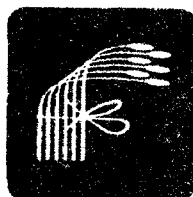
سال اول - شماره ۱۱

پار ۱۳۷

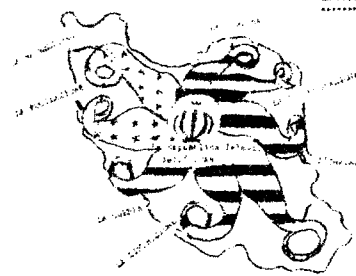
نشریه فرهنگی - تعلیمی

در این شماره :

- سر سخن
- خطوط کلی استراتژی امپریالیسم آمریکا در دهه هفتاد
- جنگ هسته ای ، يك احتمال یا واقعیت ؟
- نامه ای از ایران
- معرفی يك هنرمند
- مذاهب از دیدگاه مارکسیسم
- شعر - " در عزل حضور تو " و " گلت و گور "



★ IRAN OGGI 4 ★



AL REGIME DELLA REPUBBLICA ISLAMICA



کنارگران قهرمان ایران :

اول ماه مه روز جهانی کارگر بیانگر همبستگی مبارزاتی کارگران در سراسر جهان است .

دست اندرکاران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی این نوکران بی مقدار امپریالیستها و سرمایه داران وابسته ایران همچنانکه در سالهای قبل نیز نشان داده اند در وحشت از مبارزات متحدانه شما میخواهند از این روز تاریخی نیزبمنفع خود و به ضرر شما استفاده نمایند . آنها بسابریاشی جلسات و تبلیغات نمایشی سعی در لوث کردن این روز و حالی نمودن آن از محتوای واقعی اش خواهندداشت . تشویق کارگران برای قربانی شدن در جبهه های مرگ و نیستی ، تشویق آنان در بی توقع بودن و است شمار شدن و تبلیغ قانون ضدکارگری کار جمهوری اسلامی از رئوس اصلی تبلیغات و سخنرانیها خواهد بود .

کارگران مبارز ما باید به هوش و آگاه باشند که چنانچه مزدوران رژیم تصمیم به برپایش چنین جلساتی در روز اول ماه مه داشته باشند ، از شرکت در آن خودداری ورزند . آنها باید خودشان بسا جشن گرفتن ۱۱ اردیبهشت و اعلام همبستگی بین المللی خود با کارگران سراسر جهان و محکوم نمودن سیاستهای ضد خلقی جمهوری اسلامی توطئه های رژیم را خنثی نمایند .

گرامی باد صدودومین سالروز اول ماه مه روز جهانی کارگر!

با ایمان به پیروزی راهمان

ت.ش.۲.س.۷

چریکهای فدائی خلق ایران

۱۲/ اردیبهشت ۱۳۷۷



چریکهای فدائی خلق ایران

رفقا جمشید هدا ایتی (تاکبرام) و سلیمان میربلوک (تاکفادر)

گزیده‌هایی از رادیو صدای چریک‌ها

کارمندان و

دولت مزدور جمهوری اسلامی

سازمانها، نهادها و ارگانها و موسسات دولتی از بالا تا پایین و در سطوح گسترده خود به همراه سیستم حاکم بر آنان بمشابه ابزار و وسائل پیش برنده بوروکراسی دولتی عمل میکنند و در دولت جمهوری اسلامی نیز این ارگانها و نهادها همین نقش را دارند و حزبی از اجزاء متشکله آنها تشکیل میدهند. نیروی انسانی شاغل در این ارگانهای بوروکراتیک نیز خواستنی و ناخواسته نقش گردانندگان و مجریان بوروکراسی را بعهده دارند و چرخ دنده‌های این سیستم غول آسا بمشابه یکی از ارکان کنترل دولتی را تعمیر و تعویض و روغن کاری میکنند تنها این ماشین عظیم باسرت سرکوبگرانه بحرکت خود تداوم بخشد و روند مقابله با توده‌ها و حکم فرمائی برآنان را هموار سازد. بدون این نیروی انسانی یعنی کارمندان و شاغلین دولتی نه تنها حرکت سیستم بوروکراتیک دولتی غیرممکن است بلکه اساسا کنترل و حفظ حاکمیت یکی از پایه‌های

زمینه‌چینی جمهوری اسلامی جهت استفاده از سلاحهای شیمیایی در جنگ شهرها

طی روزهای جاری در روزنامه‌ها و مطبوعات و دیگر بلندگوهای تبلیغاتی رژیم سرسپرده شاهد درج مطالب و بخش مصاحبه‌هایی از سران مزدور میباشیم که در همگی آنان به نوعی مسئله استفاده از سلاحهای شیمیایی و آمادگی تولید سلاح شیمیایی و تهدیداتی مبنی بر استفاده از این سلاح مخوف بغایت ضد انسانی، طرح گردیده است. در هفته گذشته خوازی مسئول سرسپرده ستاد تبلیغات جنگ بنوع خود طی مصاحبه‌ای در این باره اظهار نظر کرده و در جواب سؤال خبرنگاری در مورد استفاده جمهوری اسلامی از سلاحهای شیمیایی بیان داشت که: "ما از توان بالائی در تولید سلاح شیمیایی برخوردار هستیم و اصولا تولید سلاح شیمیایی چیز پیچیده‌ای نیست و تجارب آزمایشگاهی خیلی خوبی هم در این زمینه داریم و اگر قرار باشد عراق در زدن شهرهای ایران از سلاحهای شیمیایی استفاده کند ما هم مقابله به مثل میکنیم و دست روی دست نمیگذاریم." در صفحه ۴۰

کردستان و خوابهای خوش سرمایه داران وابسته

"سرانجام لبیک گویان انقلاب و منادیان نظام جمهوری اسلامی، کردستان را با نثارخونهای عزیزان خود مجددا در بستر آزادی و آرامش قرار دادند." و "در کردستان نیروی کار بالقوه فراوان است و تنها با اختصار مختصری میتوان از آن بهره گرفت"، اینها حرفهای دل سرمایه داران وابسته است که در روزی نامه کیهان آذرماه ۶۶ انعکاس یافته است. آرامش، وجود نیروی کار ارزان، "اعتبارمختصر" یا همگنان سرمایه گذاری، استثمار و کسب سود بیشتر چنین است شرایطی که سرمایه داران همواره خواهان آنند و برقراری چنین مفروضات خوش یمنی در کردستان آرزوی سرمایه داران وابسته رژیم حافظ آنانست. اما کردستان قهرمان بیش از ۹ سال است که با تداوم مبارزه مسلحانه و توده‌ای خود چنین خواب خوشی برای سرمایه داران وابسته و رژیم حامی آنان را برهم زده و به کابوس بدل نموده است. توده‌های خلق کرد



اساس وجود را از دست میدهد .
 طبعاً اینها یکسوی مسئله است و سوی دیگر آن این است که دولت مزدور جمهوری اسلامی بمثابة هر دولتی سرمایه داری ، اساساً نیروش است بر فراز جامعه و بر فراز توده ها و بیگانه با آنان که سلطه جهنمی خود را بر آنان اعمال میکند . این اعمال سلطه و کنترل علیرغم نقشی که مجریستان بوروکراسی یعنی کارمندان بسرای دولت جمهوری اسلامی دارند ، خود آنان را نیز شامل میگردد و این دولت در تقابل با آنها و بر علیه آنها نیز عمل میکند و بر اساس سرشت وابستگی و دیکتاتوری ذاتی نظام موجود این اعمال سلطه سیاه و تنگین بسی خستونت آمیز و در همه ابعاد سیاسی - فرهنگی ، نظامی و اقتصادی بر علیه خود گردانندگان بوروکراسی یا همان کارمندان عمل کرده و میکند .

مما از بحث و بررسی عملکرد دولت جمهوری اسلامی در حوزه ها و زمینه های سیاسی و فرهنگی و نظامی بر علیه کارمندان فعلاً صرفنظر کرده و تنها بسسه توضیحاتی پیرامون عملکرد این دولت سرکوبگر در زمینه اقتصادی و آنهم در بعد محدود تبعیض در پرداخت دستمزدها و تأثیرش بر معیشت کارمندان بسنده میکنیم .

بیشک بررسی این رابطه

از عملکرد دولت بر علیه کارمندان از شرایط شکل گیری دولت و تشخیص وظیفه اصلییش جدائی ناپذیر است و از همین زوایا نیز بحران فراوان و ابعاد محدودیتها و تضییقات علیه کارمندان بخوبی آشکار است . دولت مزدور جمهوری اسلامی که در شرایط بحران دامنگیر نظام سرمایه داری وابسته شکل گرفته و اساساً وظیفه تخفیف و کنترل این بحران بتفیع سرمایه داران وابسته و اربابان امپریالیستش را برعهده گرفته است ، پس لاجرم وظیفه دیگرش سرشکن نمودن بار این بحران بر دوش اقشار و طبقات تحت ستم جامعه و منجمله کارمندان بوده و میباشد . دولت جمهوری اسلامی با طرحهای نظیر کوپنی کسودن مایحتاج اولیه زندگی توده ها ، صرفه جوییهای کدائی و غیره که بمنظور کاهش بحران دامنگیر رژیم نه اجرا گذاشته است تأثیرات عمومی بار امن فشارها و کمبودها را بر گرده کارمندان نیز تحمیل کرده است . و از این زاویه خوب محدودیتهایش بر سر کارمندان نیز فرود آمده است و آنها نیز علیرغم مقاومتها و اعتراضات خود همراه با کمک در اجرای سیستم کوپنی در چارچوب طرحهای دولتی ، خود نیز مزه آنرا چشیده اند و علیرغم شرکت در صف کردنیهای توده ها ، خود نیز در صفها سرگردان مانده اند و

خسکی و فرسودگیش را لمس کرده اند . بعلاوه کارمندان از "برکت و خیرات" کدائی و تورم و کمبودهای تیربی بهره نمانده اند . البته همه آنها نه موردی و موقتی و گذرا بلکه در روندی طولانی و ادامه دار ، بیش از ۹ سال است که بار این تحمیلات را کارمندان بر دوش میکشند .

جدا از این محدودیتها و فشارهای ناشی از طرح های عمومی دولتی ، کارمندان در تامین بخشی از هزینه های جنگ امپریالیستی جاری بطرق گوناگون و شیوه های متنوع بسسه سهم خود ، سرکبسه شده اند و میشوند . علاوه بر سهمیه بیست درصدی تامین نیروی انسانی که یکی از آخرین شگردهای دولت جمهوری اسلامی برای کارمندان بوده است ، اخادیهای پی در پی و بسسه بهانه ها و مناسبتهای گوناگون ، کسریهای ماهانه حقوق ، پامال کردن عیدی های کدائی و قطع پاداشها و مزایای دیگر به بهانه جنگ و شرایط جنگی جنبسه دیگری از اعمال تحمیلات رژیم بر علیه کارمندان میباشد علیرغم شیوه های غیر مستقیم اعمال تحمیلات ذکر شده بمنظور تخفیف و کنترل بحران اقتصادی گریبانبگیر رژیم و هزینه های جنگ ارتجاعی ، دولت جمهوری اسلامی از اعمال شیوه های مستقیم دست اندازی آشکار به





دستمزدها و در آمد کارمندان نیز در ربع نورزیده و اباشی بخود راه نداده است و همواره در این زمینیه کوشیده است تا هرچه بیشتر حقوق محدود کارمندان را محدودتر سازد ، منجمله با تغییر پایه حقوقها و دستمزدها و اجرای طرح مالیات بر مشاغل و انواع بیمه های کدانش نظیر افزایش حق بیمه اولاد چهارم و غیره در این زمینه تلاش ورزیده است و فشار زیسادی را بر کارمندان وارد آورده است .

در اینسن میان فشار و تحمیلات به کارمندان جزء از همه فزونیتر بسوده است و حتی بی عدالتی و تبعیض در پرداخت دستمزدها برای کار یکسان نه تنها در ادارات دولتی با شرکتها و موسسات غیر دولتی تفاوت فاحش دارد بلکه در خود ادارات و موسسات دولتی این تبعیضا تا آن درجه شیوه رایج و مرسوم در رژیم جمهوری اسلامی است که در روزی نامه های حیره خوار رژیم نیز انعکاس یافته است . منجمله در کیهان ۱۴ آذرماه ۶۶ از قول قائم مقام سازمان امور اداری و استخدامی کشور آمده است که : " چرا يك ماشين نويس شركت نفت با وظیفه و سطح تخصص ، سختی کار مشابه باید حقوقش بیشتر از يك ماشين نويس ديگر باشد، يا حقوق يك راننده در شرایط مساوی چطور با

حقوق يك راننده ديگرفوق ميكنند؟" کارمندان و تضییقات و محدودیتهای وارد بر آنان را درمان کند .

اما دولت جمهوری اسلامی و دست اندر کارانش به این شگرد کهنه شده لایحه بازی اکتفا نکرده و به علت حدت و وسعت تبعیضات دست به مانور دیگری زده اند که جلوه ای از فعالیت همیشگی رژیم مبنی بر تشدید تضادهای درونی صنف خلق به منظور خلاصی گریبان خود است ، و در این مورد نیز با علم کردن طرح هماهنگی در نظام پرداختها قصد دارد سطح دستمزد دریافتی کارمندان موسسات و شرکتهای غیر دولتی را کاهش دهد. دولت جمهوری اسلامی در راستای تحمیل هرچه بیشتر فشارها بر دوش کارمندان همچنانکه تا کنون عمل کسورده است ، این نغمه را ساز کرده است تا تبعیضات پایه ای و اساسی بر علیه کارمندان را پوشیده و سنور نگهدارد و حتی از مرتبط ساختن سطح دستمزدها با شاخص هزینه های زندگی و نرخ تورم شانه خالی کند . اما کارمندان زحمتکش آگاهتر از آنند که فریب این نیرنگها را بخورند و بر اساس تجربه چندین و چند ساله و بویژه در پرتو تجربه ۹ سال اخیر ، دست سردمداران رژیم برایشان روشن شده است . کوشه ای از این آگاهی تا آن حد که از

حقوق يك راننده ديگرفوق ميكنند؟" و یا " نباید چنین باشد که يك نگهبان در يك شهرستان ۴۰۰ تومان حقوق بگیرد چون مثلا برای وزارت راه کار میکند ولی يك نگهبان دولت روبروی محل کار نگهبان اول ۶۰۰ تومان بگیرد . بدلیل اینکه در پسانك کنار میکند. " بله ، آش آنقدر شور است که خود خان هم فهمیده است ، دامنه اجحافات و تبعیضات آنقدر وسیع است که دست اندرکاران رژیم نیز قادر به لایوشانی آن نیستند و از آن بعنوان "ناهماهنگی نظام پرداختها" در سازمانهای دولتی یاد میکنند و برای سرپوش نهادن بر آن و تخفیف تضادهای موجود در ادارات و نهادها ، دست به شگرد تصویب و تنظیم لایحه ای بنام لایحه " نظام هماهنگی پرداخت " زده اند . جالب اینکه خود دست - اندرکاران رژیم معترفند که این لایحه یکسال و نیم پیش به دولت داده شده است و از آن هنگام تا کنون هنوز حتی در مسیر دهلیز پر بیخ و خم دولت و مجلس و شورای نگهبان قرار نگرفته است چه رسد به اینکه بخواند این مسیر را طی کند ! در آن صورت صبر بسیار بساید پدر پسر فلک را و تازه اگر هم چنین شود و آن لایحه کدانش را بپیماید ، نتیجه از پیش آشکار است و ماحصل آن چیزی نخواهد بود که بتواند دردی از دردهای





دم قیچی سانسور گذشته است ، در همان روزی ننامه کیهان ۱۴ آذرماه ۶۶ متبلسور است . کارمندان موسسات و شرکتهای خصوصی اظهار کرده اند کسه : "این ما نیستیم که زیاد حقوق میگیریم ، یا از امکانات خیلی خصوصی برخورداریم . بلکه کارمندان دیگر هستند که کم میگیرند ، نباید وضعیت ما را به هم بزنند ، بهتر است که کارمندان دیگر را با ما هماهنگ کنند . " و کارمندان موسسات و ادارات دولتی تابع قانون استخدامی کشور میگویند : " گرچه ما نمیتوانیم با دریافتی خود حداقل معیشت را برای خود فراهم کنیم ، برای تامین معاش با مشکلات بسیاری درگیر هستیم . اما نمیخواهیم کارمندی را که با کار مساوی و در شرایط مساوی بیشتر از ما حقوق میگیرند به حال خود مبتلا کنیم بلکه میخواهیم نظامی هماهنگی با محاسبات درست ما را با آنها هماهنگ کند و برای کل جامعه کارمندی و کارگری در بخشهای دولتی و خصوصی امکان بهتر زیستن و انسانی زیستن را فراهم کند . "

اما کارمندان باید بدانند نکته اینجاست که این رژیم وابسته و دولت مزدور و وظیفه " تامین امکان بهتر زیستن و انسانی زیستن " برای توده ها

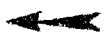
و منجمله کارمندان را بعهده ندارند بلکه وظیفه غارت و چپاول و اخاذی و سرکشی کردن توده ها و منجمله کارمندان در خدمت منافع اربابان امپریالیست را به دوش دارند و در این مسیر و راستا چهار نعل میزنند و نکته اینجاست که انتظار چنین کارهاش را از این رژیم و سردمداران دزد و فاسدش داشتن انتظار بیهوده است و همانطور که تجربه کرده اید به " سراب دل بستن رفع تشنگی نمیکند . " پس چاره کار چیست و راه حل بیرون رفت از این اوضاع چگونه است ؟

اینها آن سوالاتی هستند که شما کارمندان باید از خود بپرسید و پاسخ در خور شایسته بدان بدهید . باید بدانید " امکان بهتر زیستن و انسانی زیستن " را خود باید برای خود فراهم سازید و به بیان دیگر هر آنچه را که بدست آورده اید محصول مبارزه متحد و متشکل شما و با نتایج مبارزات دیگر اقشار و طبقات انقلابی جامعه است که تنها شما تداوم مبارزه آن دستاوردها حفظ و تحکیم شده و گسترش مییابد .

پس باید بکشید تا در هر زمینه و منجمله ارتقاء سطح دستمزدها و رفیع تزییفات نیز متحد و متشکل به مبارزه برخیزید تا هم بیشتر از این حقوق نان از کف نرود و هم

اینکه به خواستهای تازه تری دست یابید .

در این راه باید علاوه بر اتکاء به مبارزات جمعی و سازمان یسافته خودتان ، این مبارزات را با مبارزات عمومی و دمکراتیک دیگر اقشار و طبقات انقلابی جامعه و بویژه با مبارزات کارگران مرتبط سازید . مبارزات آنها را و خواستهای دمکراتیک آنان را مبارزات و خواستهای خودتان بدانید و در گسترش و پرتوان تر نمودن آن بکوشید . باید اساسا هر حرکت اعتراضی - دمکراتیک را دامن بزنید و به این طریق رژیم مزدور جمهوری اسلامی را زیر فشار مبارزات خود فرار دهید و خواستهایتان را به او تحمیل نمائید . بعلاوه باید در برقراری ارتباط و همبستگی با دیگر کارمندان و مبارزات آنان در موسسات و ادارات ، چه دولتی و چه غیر دولتی بکوشید و حتی المقدور زمینه هماهنگی و گستردگی همکاریهای بیشتری را فراهم سازید . باید بدانید اینها همه بخشی از مبارزات شما را تشکیل میدهد و اساسا باید مبارزات خود را در جهت سرنوشتی این رژیم بوسیده و ارتجاعی معطوف سازید و باید بدانید تا مادامیکه اساسا نظام سرمایه داری وابسته پابرجاست و رژیمهای مزدور بر سر کارند و





بیست و بیست و نه در شرایط کنونی تازمانیکه این رژیم سرایا جنایت و غارت یعنی جمهوری اسلامی بسر سرکار است اوضاع سیاسی، اقتصادی و معیشت توده ها و منجمله شما کارمندان همین روال خواهد بود و تغییری اساسی رخ نخواهد داد، پس باید بکشید تا این نظام پوسیده و رژیم حافظ آنرا بگور بسپارید و بجای آن بهمراه کارگران و زحمتکشان، نظامی را مستقر سازید که در آن تمامی حقوق دمکراتیک توده ها، در همه شئون و منجمله حقوق و خواسته های کارمندان تسامین گردد و این نظام همانا جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر است که بحکم ضرورت های تاریخی و اوضاع اجتماعی - اقتصادی مشخص جامعه ما اولین گام برای نیل به سوسیالیسم میباشد.

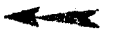
زمینه چینی ... از صفحه ۲۱

سخنان این مزدور نمونه ای از همان تبلیغاتی است که ذکر آن رفت. بیشک با توجه به ماهیت امپریالیستی جنگ جاری و ماهیت ضد خلقی جمهوری اسلامی میبایست در نظر داشت که شیوع یافتن اینگونه اظهارات از سوی سران ضد خلقی و دامن زدن به تبلیغات آنچنانی خود بیانگر این واقعیت است که مزدوران حاکم، زمینه را برای استفاده

از سلاحهای شیمیایی در جنگ ایران و عراق در ابعادی وسیعتر از گذشته آماده مینمایند. تداوم جنگ چند ساله نتایج بس هولناکی را برای خلقهای هر دو کشور بدنبال داشته است. صدها هزار انسان بیگناه و بی دفاع در این میان از بین رفته و خسارات مالی بسیاری نیز بزحمتکشان وارد شده است. میادین مرگ، از جبهه های نظامی به نقاط مسکونی و شهرها کشیده شده و از این طریق فجایعی بیمار آمده که تنها و تنها امپریالیستهای جنسایتکار و حکومت های دست نشانده ای همچون جمهوری اسلامی میتوانند عهده دار و خلق کننده آن باشند. بیشک استفاده از سلاحهای شیمیایی در ابعادی وسیعتر، میزان این فجایع را بنحو بیسابقه ای افزایش خواهد داد و توده های زحمتکش و بی دفاع بیست و نه در این میان قربانی مطامع ضد خلقی امپریالیستها و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی این نوکر سرسپرده امپریالیستها خواهند شد. مسلما به دلیل ماهیت امپریالیستی جنگ، در این میان به یقین قربانی شدن زحمتکشان هیچگونه امر مهمی برای نیروهای ضد خلقی نخواهد بود، زیرا که حداقل بخشی از اهداف شوم این جنگ، سرکوبن مبارزات همین زحمتکشان میباشد. از اینرو

کوچکترین امکانات دفاعی برای حفاظت از جان توده ها در نظر گرفته نشده است. رژیم جمهوری اسلامی که کارنامه چندین ساله حکومتش جز فریبکاری و ریاکاری و به خاک و خون کشیدن مبارزات حلق طلبانه خلقها، سرکوب کوچکترین خواسته های بحق کارگران و زحمتکشان و دستگیری و اعدام و شکنجه مبارزان و انقلابیون نبوده و نیست. این بار نیز به سیاق همیشگی خود با بکارگیری حيله و فریب و تکیه به احساسات مذهبی در حالی که چنین شرایط دهشتناکی را بر زندگی توده ها حاکم گردانیده به آنان جهت دفاع از خودشان در مقابل توطئه های آینده خویش مبنی بر گسترش استفاده از سلاحهای شیمیایی در جنگ بیشتر مانه پیشنهاد میکند که برای مقابله با بمبارانهای شیمیایی به دگر خدا مشغول شوند و البته این راز و نیاز نیز حتما در زمانی که بمبهای شیمیایی بسر سر توده های بی دفاع فرو ریخته خواهد شد، لارم است. فریدون عزیزی مزدور مسئول کمیته هماهنگی پژوهشهای علمی رژیم در این باره باوقاحت تمام میگوید: " مشکل اساسی بمبارانهای شیمیایی خود افراد هستند که باید آموزش کافی ببینند و شاید مهمترین مسئله ای که باید بهش توجه کرد و دائم هم تکرار کرد مسئله دستیاب نمودن و صبر





و اطمینانی است که فرد باید داشته باشد، شاید ذکر خدا در آن مواقع بهترین چیز باشد. بلکه این آن نسخه ای است که مزدوران سرسپرده در مقابل دردهای بیشماری که برای توده های زحمتکشش مآ آفریده اند، میبچند. این سخنان بیانگر اوج دناوت و پستی مزدورانی است که برای پیشبرد سیاستهای ضد خلقی خود در راستای تأمین منافع امپریالیستها از هیچ جنایتی دریغ نمیورزند.

اما سران ضد خلقی جمهوری اسلامی میبایست بدانند که با آفرینش این فجایع هرچه بیشتر خشم و کینه انقلابی خلقهای مبارزمان را افزایش داده و فرا رسیدن سرنوشت محتوم خویش را که چیزی نیست جز نابودی پایه های ست حکومت ظلم و ستم بدست توانای هزاران کارگر و زحمتکش، هرچه قطعی تر و نزدیکتر میکنند.

نابود باد جنج امپریالیستی

ایران و عراق!

زنده باد صلحی دمکراتیک

و انقلابی!

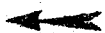


کردستان و ...

از صفحه ۲۶

نه تنها اوضاع وفق مراد آنان را برهم زده اند بلکه اساس حاکمیت مثبت از امپریالیسم آنان را به زیر سؤال کشیده اند و اساساً به تداوم سلطه امپریالیستی معترضند و به آن تن در نمیدهند. و رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نیز برای اعمال این سلطه و به بند کشیدن این خلق رزمنده از اعمال هیچ جنایت و ردالتی فروگذاری نکرده است و بسیار فعالانه کوشیده است تا آرامش دلخواه سرمایه داران وابسته را برقرار سازد، آرامشی که لازمه تخصیص "اعتبار مختصر" یعنی سرمایه گذاری برای استثمار و کسب سود هرچه بیشتر از نیروی کار ارزان است و بدون آن خواب خوش سرمایه داران زالو صفت تعبیر نخواهد شد. رژیم مزدور خمینی در تحقق این امر انواع شیوه های سرکوبگرانه و ردیلانه را به کار بسته است و علیرغم کوچهای اجباری اهالی روستاها، بیمارانه و قتل عامها و سرانجام با استقرار قریب به ۲۰۰۰ پایگاه کوچک و بزرگ نظامی در سراسر کوهها، دشتها و روستاهای کردستان و تشدید سرکوب و خفقان در شهرها و تاسیس واردیاد ارگانهای سرکوب نظیر کمیته ها و غیره در آنها،

به آرامش گذاشتن دست نیافته است تا موجب آسودگی خیال سرمایه داران را فراهم سازد. این رژیم علاوه بر بکارگیری ارگانهای رنگارنگ سرکوبگر نظیر ارتش و سپاه پاسداران و بسیج و کمیته و یا بقول روزی - نامه کیهان "لیک گویان انقلاب و منادیان نظام جمهوری اسلامی" از ارگانهای دیگری همانند جهاد سازندگی نیز در خدمت امر سرکوب توده های خلق کرد بهره گرفته است و حتی خود، بدین امر معترفند و میگویند که "جهاد سازندگی با کارهای عمرانی در روستاهای کردستان در اصل یک گام سیاسی - اجرایی در جهت آگاه ساختن مردم محروم منطقه نسبت به حقانیت نظام جمهوری اسلامی و خیانت و وابسته بودن گروهکها به استکیار جهانی برداشته است." البته معنی این حرفها برای توده های خلق کرد بسیار آشکار است. چون آنان همه روزه سنگساریها و جاده کشیها را برای همان به اصطلاح "لیک گویان" انقلاب و منادیان نظام جمهوری اسلامی" یعنی ارتش و سپاه مزدور و ضد خلقی را شاهد بوده اند و همکاریهای جهاد سازندگی در هجوم به خانه و کاشانه توده های تحت ستم بهمراه سرکوبگران را دیده اند و بخوبی میدانند که عملکرد جهاد سازندگی در "





اصل يك كارسیاسی - اجرائی" بوده است، منتها کاری نه در جهت آگاه ساختن توده ها که صدالسته در جهت فریب و سرکوب آنان .

بهرحال غلبه سرکوبیهای وسیع و همه جانبه توسط ارگانها و شیوه های جنایتکارانه ای که این رژیم بکار گرفته است هنوز آرامش دلخواه آنان پدید نیامده و از این زاویه "مشکل" سرمایه داران وابسته هنوز با برجاست و اگر از موانعی نظیر شرایط اقلیمی و اجتماعی مانند بالا بودن سطح اراضی، محدودیت گسترش صنایع و عدم گسترش کافی سرمایه های امپریالیستی و زمینه سازیهای اولیه برای گسترش آن و در صد بیسوادی و غیره بگذریم، "مشکل" دیگر سرمایه داران وابسته در شرایط کنونی آن چیزی است که به اندازه عمیر این رژیم مزدور قدمت دارد و آن همانا بحرانی است که سرمایه داری وابسته و جمهوری اسلامی در آن دست و پا میزنند و بمتابه يك عامل مهم و اساس همواره شرایطی را آفریده که از يك طرف مانع کارکرد طبیعی و نسرمان سرمایه در حوزه های جدید و حتی قدیمی میشود و تخصیص "اعتبار مختصر" را ناممکن میسازد و از طرف دیگر نه تنها اجازه بکارگیری وسیع نیروی کار ارزان را بنحو

دلخواه به سرمایه داران نمیدهد بلکه موجب اخراجهای وسیع نیز میگردد. در نتیجه این شرایط بحرانی و بویژه تداوم جنگی امپریالیستی ایران و عراق که ————— توجه به نقش دولت در اقتصاد کشور و اینکه عمده بودجه دولتی را این جنگی ارتجاعی میبلعد، راه حل های آنچنانی سرمایه داران مبنی بر این ارزیابی که: "صنعت در کردستان توسعه چندانی نیافته و کمتر کارخانه و واحد تولیدی در منطقه بچشم میخورد و لذا ایجاد صنایع وابسته به کشاورزی و دامداری در منطقه اهمیت خاصی دارد." را عقیم میگذارد و بالاچار آنان را به راه حل های کناری و فرعی مانند توجه به صنایع دستی سوق میدهد که علی-رغم سودآوری پائین

اشتهای سیبری ناپذیر سرمایه داران نیست. بهرحال بحران دامن گیر نظام سرمایه داری وابسته و تداوم جنگ و جنبش انقلابی خلق کرد آن عواملی اند که برخلاف اعتراف و آرزوی سرمایه داران وابسته مبنی بر بهره گیری از "موقعیت وامکانات مناسب" کردستان، مانع تعبیرخواب خوش آنان شده است و این لقمه کلوگیر آنچنان در کلویشان گیر کرده است که نه تنها از بلعیدن آن عاجز و ناتوانند، بلکه به حکم بحران دامنگیر و مبارزات قهرمانانه خلقهایمان و منجمله خلق کرد از نابودی محتوم نظامشان گریزی ندارند.



طرحی از هومر (سیزده ساله) هموطن پناهنده در هلند



(از بولتن پناهندگان و آوارگان ایرانی شماره ۲)

سال ۷۳ را خلتهای

ستمدیده مسسا در شرایطی آغاز کردند کسسه در چارچوب جنگ امپریالیستی ایران و عراق "جنگ شهرها" حث هرچه بیشتری یافته و مردم بیگناه و بی دفاع هرچه بیشتر قربانی مطامع امپریالیستها در تداوم این جنگ ویرانگر گردیدند .

"جنگ شهرها" که به حق یکی از جنایات بارترین جلوه های جنگ ایوان و عراق میباشد هر بار با آمیزدن فجایعی که زبان از وصف آنها ناتوان است ، با وضوح هرچه بیشتری چهره ددمشانه حامیستان و هدایت کنندگان و مجریان این جنگ امپریالیستی را آشکار ساخته و ضرورت پایان یافتن هرچه سریعتر این جنگ کتیف را با برجستگی تمام طرح میسازد .

در فروردین ماه ، انواع سلاحهای مرمکار امپریالیستها و رویزیونیستها از موشکهای بُرد کوتاه و متوسط تا توپخانه و هواپیما و بمبهای خوشه ای و شیمیائی بکار گرفته شدند تا با تبدیل مناطق مسکونی به جبهه های جنگ ، با وحشگری تمام زحمتکشان هرچه بیشتری را نیست و نابود سازند .

در این فاصله تهران ، اصفهان ، قم و ... بارها بوسیله موشکهای اس کاد بی اس ساخت رویزیونیستها مورد حمله قرار گرفت و شهرهای شوشتر ، ارومیه ، کوهدشت ، تبریز ،

فجایع جنگ شهرها

دزفول ، ایلام و ... بارها بوسیله هواپیماهای عراقی وحشیانه بمباران گردیدند ، و صدها انسان بیگناه نجات و خون در غلطیدند . و متقابلا شهرهای بغداد ، بصره ، خاتقین ، اربیل ، کرکوک ، سلیمانیه ، قلعه دیزه و ... بارها بوسیله موشک و تسوب و هواپیما مورد یورش جمهوری اسلامی قرار گرفتند که نتیجه آن کشته و مجروح شدن عده زیادی از زحمتکشان بیگناه این کشور بود .

در این فاصله جدا از بمباران وحشیانه شهرها بارها مراکز صنعتی همچون پالایشگاههای اصفهان و تبریز نیز بمباران گردید . در نتیجه بازهم تعدادی از کارگران ستمدیده قربانی این انش افروزی سبانه گردیدند . و از آن وحشیانه ترین بمباران شیمیائی مناطق مسکونی است که بتدریج میروند تا جای هرچه بیشتری در این جنگ کتیف باز نموده و به کشتار مسردم بی دفاع ابعاد گسترده تری بخشد . بمباران شیمیائی مناطق مسکونی بروشن نشان میدهد که طرفین این سبعت ضد مردمی در راه رسیدن به اهدافشان از هیچ

جنایتی فروگذاری نکرده و نمیکنند ، واقعیتی که در قاجعه حلبچه با کشتار هزاران انسان بیگناه بار دیگر به

عربان ترین و وحشیانه ترین گردیدند .

بسیار تشدید جنگ شهرها بتدریج چهره شهرهای موشک باران و بمباران گردیده تغییر کرد و اهالی شهرها در وحشت از مرگی که هراسناخته در کمین آنها بود شهرها را تخلیه کرده و به مناطق روستائی و بیابانهای دیگر نقل مکان نمودند . شدت موشک بارانها باعث گردید که اکثر کشورها اتباع خود را تا حدی از ایسراان خارج کرده و سفارتخانه های بعضی از کشورها به حالت تعطیل در آید . مدارس عملا تعطیل گردیده و ادارات دولتی نیز به علت عدم حضور کارمندان شکل سابق خود را ندارد . بیابان تعطیل مغازه ها قیمت اجناس مورد نیاز توده ها بطور سرسام آوری افزایش یافت و به علت هجوم اهالی برای خروج از شهر و کمبود بنزین کرایه ماشین به حد بیسابقه ای بالا رفت تا جایی که کرایه سواری تهران - کرج به ۱۰۰۰ تومان رسید و کمبودها باعث گردید که قیمت سریناهای همچون پاک امظیل در روستاهای اطراف به شی ۵۰۰ تومان برسد و این اوضاع با شایعه بمباران شیمیائی شهرها پیچیدگی هرچه بیشتری یافت تا جاییکه در تهران لباس نایلونی که شایع شده بود در مقابل بمبارانهای شیمیائی کارآئی بیشتری دارد شدیداً گران و کمیاب شد . در محلاتی از تهران

توانفرسای رژیم — قوار گرفته اند .

● در حالیکه مقامات سرسپرده رژیم سنگ پشیمان و حمایت از پناهندگان افغانی را به سینه میزنند اما آنها در وضعیت بد زیستی بسر میبرند . طبق گفته پناهندگانی که در شهر تربت جام گذران زندگی میکنند ، آنها مجبورند که برای پیدا کردن یک قرص نسیان ساعتها در جلوی نانواشها صف بکشند و یا نان را از بازار آزاد و هر عدد آن را به قیمت چهار تومان تهیه کنند . وضع درمان و بهداشت پناهندگان افغانی در این شهر بسیار وخیم است . بیمارستان صلیب سرخ تربت جام تنها کاری که انجام نمیدهد رسیدگی و مداوای پناهندگان افغانی است . حدود ۴۰۰۰۰ افغانی در این شهر ساکن میباشند که اکثرشان از شرایط زیست و معیشت خود ناراضی هستند . پناهندگان میگویند ، ما مجبور به تحمل این شرایط و رنج و مرارتها هستیم . این فقط گوشه کوچکی از اوضاع وخیم پناهندگان در شرایط سلطه جمهوری اسلامی میباشد . ناکفته محرز است رژیمی که برای خلقهای مبارز کشور خود ارمغان جز جنگ و جنایت و فقر و تنگدستی و سکاری و اخراج بهمراه ندارد ، بالطبع نخواهد توانست در جهت تامین نیازهای طبیعی و برحق پناهندگان گام بردارد .

نابودی این جنگ امپریالیستی و برقراری صلح دمکراتیک را از طریق گسترش آتش انقلاب رهاشبخش مسلحانه بر علیه امپریالیستها و سگان زنجیریشان در مقابل خلقهای محروم ما قوار داد .



● رسانه های خبری رژیم اعلام نمودند که سرپرست سابق ستاد بازاری و نوسازی مناطق جنگزده استان ایلام بجرم اختلاس بیش از ۱۴۰ میلیون ریال از اعتبارات این ستاد دستگیر شد . ● مزدوران رژیم در رسانه های خبری اعلام داشتند که در سال ۶۶ ، استان سیستان و بلوچستان به لحاظ وصول مالیات مقام سوم را در کشور بدست آورده است . مبلغی که از توده های ستمدیده این منطقه اجزا شده است رقمی در حدود ۲۴ میلیون ریال میباشد که نسبت به سال ۶۵ ، ۶۰٪ افزایش داشته است . روشن است اهالی این استان که از محرومترین و فقیرترین مناطق میهن تحت سلطه مان میباشد ، به قیمت گرسنگی کشیدن و تحمل هرچه بیشتر کمبودها ، مورد غارت وحشیانه و وصول مالیاتهای

مردم برای جلوگیری از غارت وسائل زندگیشان بطور نوبتی کشیک میگذارند و در یک کلام در نتیجه اوضاعی که امپریالیستها و رویزیونیستها بوجود آورده اند در ایران آنچه ارزانتر از هسر چیست تلقی میشود جان انسانهاست ، انسانهاش که باید قربانی گردند تا منافع سرمایه داران و الوصفت حفظ گردد انسانهاش که باید نابود گردند تا امپریالیستها و رویزیونیستها اسلحه های مرکب خود را آزمایش کرده و با آگاهی از قدرت تخریب و نشانه گیری و کارآش آنها صنایع اسلحه سازی خود را تکامل بخشند . حوادث ماههای اخیر و جنایاتی که بویژه بسا سازمان یافتن مجدد جنگ شهرها در آغاز سال جدید بر علیه کارگران و خلقهای تحت ستم ایران و عراق اعمال شد . نشان داد که امپریالیستها و سگان زنجیریشان بسا همیاری رویزیونیستها همگسوسن گذاشته در صد گسترش هرچه بیشتر آتش این جنگ ضد خلقی هستند . جنگی که اثرات مخرب آن زندگی خلقهای تحت ستم منطقه را در معرض تلاشی هرچه بیشتری قرار داده و به بهای فلاکت هرچه بیشتر این خلقها ، سودهای هنگفتی را بطور روزمره نصیب امپریالیستهای جنایتکار و شرکای رویزیونیستشان میسازد . واقعیات اخیر بار دیگر و با شدتی بیش از پیش ضرورت

اعتراضات و مقاومت توده ها بعد از مخفی کردن جیره خواران خویش آنها را به زاهدان منتقل نمودند.

● رژیم جنسایتکار خمینی طی حکومت سرایا ننگینش با دست زدن به ردیانه ترین شیوه ها ، بارها از تن بی رمق کارگران ، دانش آموزان و زندانیان سیاسی خون کشیده است . بطوریکه عناصر مزدور جمهوری اسلامی طی ۶ ماهه گذشته از جمله خون ۲۰۰ تن از دانش آموزان و کارکنان مدرسه ناشنویان زمین باغچه بان ، خون ۴۰۰ تن از کارگران و دیگر کارکنان راه آهن و خون دهها تن از زندانیان سیاسی زندان اوین را کشیده اند . قابل ذکر است که چندی قبل نیز مزدوران رژیم به زندان کنبد کاووس رفته و مقدار زیادی از خون زندانیان آن زندان را کشیده اند . اسرای زندانی تحت حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی بر اثر شکنجه و آزار و اذیت دژخیمان رژیم آنقدر تکیده و لاغر و کم خون هستند و در اثر این اقدام وحشیانه نیز هرچه بیشتر ضعیف شده اند . و در موارد بسیاری زندانیان بحالت اغما افتاده و حتی توان حرکت کردن را هم از دست داده اند .

وقتی پاسداران جنایتکار به فرد نامبرده ایست میدهند او شروع به فرار میکند ، مزدوران به تعقیب او پرداخته و با شلیک چندین تیر به شکم وی ، او را بشدت مجروح میسازند . پاسداران بعد از ارتکاب به این جنایت ، محل حادثه را سریعاً ترک میکنند . مسردم زحمتکشی که شاهد این صحنه بودند بلافاصله به کمک فرد زخمی ششیده آمده و او را به بیمارستان منتقل میکنند . مردم این منطقه که این رویداد ، خشمگینشان مسساخته بود جهت اعتراض ، به ارگان ضدخلقی سپاه پاسداران تریب جام مراجعه مینمایند . سپاه این شهر در کمال بیشرمی در پاسخ به اهالی که سرشار از کینه و نفرت بودند ، گفتند : " این افراد وابسته به سپاه نمیباشند " اهالی مبارز مجدداً پیوسته تعقیب مسئله میپردازند و متوجه میشوند که آنها مزدوران همین ارگان هستند . مردم دوباره به سپاه سرکوبگر مراجعه کرده و خواستار پاسخگویی میشوند . این نهاد ضدخلقی ضمن بازگو کردن جواب قبلی خود ، میگوید ما بهیچوجه افرادمان را به چنین مأموریتی نفرستاده ایم . پاسداران ، حافظ رژیم سرمایه داری وابسته بخاطر ترس و وحشت بی حدشان از

خبر رسیدن کارخانجات و وسائیل تولیدی حاکمیت که از سه توزیعین تولیدی کارخانجات ایفای تهران فقط یک توزیعین آن فعال باقی مانده و مشغول کار است بقیه توزیعینها بخاطر عدم حضور متخصصین و مهندسین آلمانی از کار افتاده و قابل ترمیم نیستند .

● حمله قایقهای تندرو جمهوری اسلامی علیه نفتکشها و کشتیهای تجاری و جنگی نفتکشها در حالت شدت یابی است . در این فاصله چندین کشتی از جمله کشتی ای با پرچم قبرس ، یک کشتی تانکر نیروژی ، یک نفتکش یونانی و یک نفتکش ژاپنی مورد حمله قرار گرفته اند . حمله رژیم جمهوری اسلامی به کشتیهای تجاری و نفتکشها ایسین امکان را برای امپریالیستها فراهم میکند تا آنها براحتمالی و بهانه حفظ امنیت کشتیرانی منطقه خلیج فارس را تحت کنترل خود بگیرند .

● طبق خبر رسیده ، در هشتم بهمن سپاه گذشته تعدادی از جانیان سپاه پاسداران جهت شکار جوانان برای اعزام به جبهه های جنگی به روستاهای اطراف تریب جام مشهد رفتند . آنها در یکی از این روستاها ، به مرد ۲۰ ساله ای مشکوک شده و قصد دستگیری و بازجویش او را کردند ،

مردی بر چنگ امپریالیستی برقرار باد صلیبی دیکراتیک



● در اواسط فروردین ماه ناوچه های رژیم چند موشک به سوی یک پایگاه دریایی کویت پرتاب کردند. در اثر این حمله ۲ نفر از نیروهای نظامی کویت زخمی شدند. شایان ذکر است که پایگاه ذکر شده در جزیره بویان واقع شده است. سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی در پی عملی ساختن سیاست امپریالیستها مبنی بر شعله ورتر نمودن آتش جنگ امپریالیستی ایران و عراق اقدام به این حمله نموده اند.

● در پی گسیل نیرو برای کشتارگاههای جنگ امپریالیستی، مزدوران جمهوری اسلامی بار دیگر قصد دارند دانش آموزان هرچه بیشتری را به جبهه ها روانه سازند. در همین رابطه معاون مزدور آموزش و پرورش طی اطلاعیه ای که از رادیوی رژیم اعلام شد گفت که: "آموزش و پرورش کشور با ۱۲ میلیون سنگر نشین از معلم و دانش آموز و کارمند تا آخرین نفر خواهند جنگید" و در ادامه این سیاستهای ضد خلقی رژیم اعتراف نمود که کارگزاران وی در شهر ساری ۸۰۰۰۰ (سی سی) خون از ۴۰۰ تن از دانش آموزان این شهر گرفته و جهت استفاده به جبهه ها فرستاده اند. در ضمن به بهانه جنگ با امریکا رژیم ۱۶۰۰ نفر از دانش آموزان را

برای قربانی نمودن در جبهه های مرگ بسیج نموده است.

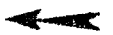
● جندی پیش بخشدار اردل از سوی دادستانی بروجن فرا خوانده شد. بخشدار اردل در این رابطه میگوید که وقتی ما با خوانینی که بهره مالکانه از روستائیان در رابطه با مراتع ملی و کوهستانی میگیرند برخورد کردیم، دادستان بخشش پشت سرهم برایمان احضارنامه ارسال نمود. سخنان حسن ظاهری بخشدار اردل نشاندهنده همکاری گسترده دادستانی شهرستان بروجن با خوانین و مالکین و حمایت از آنها میباشد. بطوری که این دادستان بخاطر برآورده نمودن خواست ضد خلقی خوانین حتی حاضر شده است که با بخشدار خود نیز درگیر شود. و این واقعیت عملکرد سردمداران رژیم است که در هر لحظه با شعار برله "مستضعفین" در عمل به نفع مالکان و سرمایه داران وابسته عمل مینمایند.

● خانه کارگر که در اوایل قیام ۵۷ بعنوان یکی از مراکز تجمع کارگران و بحث و تبادل نظر آنان محسوب میشد. حال به ارگانی ضدکارگری و پیش برنده سیاستهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این مرکز تحت کنترل وزارت کار و با مسئولیت مزدورانی همچون علیرضا محجوب و کمال گنجه ای اداره میشود. خانه ضدکارگر بخاطر

اینکه سمت و سوی حرکتش همواره در جهت تامین منافع سرمایه داران انگل صفت بوده است نتوانسته در دل کارگران جانش باز کند و مدتهاست که کارگران زحمتکش ما اعتمادشان را نسبت به این سرکشی و بویژه گردانندگانش از دست داده اند. در همین رابطه طی سیمینارهای متعددی که از سه سال پیش در رابطه با تشریح مفاد قانون کار جدید یعنی از زمان توکلی مزدور و سرحدی زاده جنایتکار در سالن اجتماعات وزارت کار و در خانه کارگر برای قبولاندن این مسئله و تحمیل آن به کارگران تشکیل گردید، همیشه کارگران مخالفت خود را به عیان نشان داده اند. کارگران ما با تجزیه و تحلیل سخنان بیمارگونه مسئولین و متخصصین و غیر متخصصین و معمم ها و غیر معمم ها بخوبی درک کرده اند که در اظهارات این عناصر ضد خلقی تنها چیزی که به چشم نمیخورد همان حمایت از منافع این طبقه و کوشش برای بهبود یافتن اوضاع زیست و معیشت آنهاست.

● در پی منعقد نمودن قراردادهای ننگین و اسارت بار بین رژیم جمهوری اسلامی و شرکتهای و کارتلهای امپریالیستی اخیرا شرکت اتومبیل سازی پژو تالیوت اعلام نموده که قرار





دادی را با شرکت "ایران خودرو" که سازنده پیکان میباشد منعقد کرده است. براساس این معامله قطعات اصلی پیکان نظیر میل گردان و موتور آن در اختیار رژیم قرار داده خواهد شد و بقیه مراحل تکمیلی در ایران انجام خواهد گرفت. صنعت مونتاژ و وارد کردن قطعات اصلی ماشین آلات یکی از دلایل بارز وابستگی اقتصادی جمهوری اسلامی به امپریالیستها میباشد.

● در پی سیاست ضد خلقی دولت میرحسین موسوی مبنی بر همه چیز در اختیار جنگ، خط تولیدی بسیاری از کارخانجات میهمان در جهت خدمت به تولید صنایع مورد نیاز جبهه ها تغییر یافته است. در همین رابطه طبق خبر دریافتی از ۱۲۰۰۰ کارگر رسمی و پیمایش کارخانه ایران ناسیونال "پارس خودرو" تا به حال ۱۱۰۰۰ نفر اخراج، بازخرید و جابجا شده اند.

● در روزهای نیمه اول فروردین ۵ زمین لرزه شدید روستاهای اطراف شهرستان بهبهان در استان خوزستان را به لرزه در آورد. در اثر وقوع زلزله به بیش از ۲۰ روستای اطراف شهرستان بهبهان خسارات فراوانی ببار آمده و حدود ۱۰۰۰ واحد مسکونی تخریب گردیده است.

× بحران اقتصادی باعث گردیده است که کارگران زحمتکش بسیاری از کارخانجات تهران و حومه این

شهر بجای کار در سه شیفت، فقط در یک شیفت فعال باشند. این بیکاری پنهانی در نتیجه کسری بودجه و مشکلات ارزی رژیم حاصل شده و نمایانگر اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی میباشد.

● مقامات مردود جمهوری اسلامی اعلام کردند که حوجه های مرگ خود را آماده کرده اند تا مخالفان خمینی و رژیم جمهوری اسلامی را در کشورهای اروپایی ترور نمایند. روزنامه ایندپیننت که این خبر را منتشر نموده میافزاید: عوامل تروریست جمهوری اسلامی که شامل زنان و مردان تعلیم دیده میباشند از یونیفورمهای خدمه هواپیمایی ملی ایران استفاده مینمایند تا بتوانند براحتی وارد کشورهای غرب گردند. رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی کسسه هرازگاهی علیه نیروهای انقلابی و مبارزان لجن پراکنی کرده و دم از نابودی آنها میزند با توسل جستن به چنین شیوه های جنایتکارانه دقیقاً ترس و وحشت خود را از مبارزین و انقلابیون آشکار میسازد.

● در جلسه علنی اسفند ماه مجلس ضد خلقی شورای اسلامی خلخال جنایتکار گفت: "در آرقام بودجه که حدود ۹۰۰۰ میلیارد تومان است، یک ششم آن کسر بودجه است، آیا این کسری برای کشور کزد آور نیست."

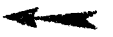
بحران اقتصادی دامنگیر

رژیم مزدور جمهوری اسلامی آنچنان ابعاد گسترده ای بخود گرفته است که جنایتکاری همچون خلخال نیز آنرا دردآور قلمداد مینماید.

● در حالیکه سیل اخیر و طغیان رودخانه سیمینه رود خسارات و ضایعات فراوانی به مردمان زحمتکش میاندوآب وارد آورده است، اما سرسپردگان و جیره خواران جمهوری اسلامی از چپاول و غارت مردم دست بردار نیستند. گزارشات به چاپ رسیده در روزی نامه های رژیم حاکی از آنست که طی ماههای بهمن و اسفند مبلغ ۴۰ میلیون ریال وجه نقد برابر با تامین هزینه ۲۰۰ باصطلاح رزمنده از زحمتکشان میاندوآب اخذ شده است این مبلغ که به بهانه کمک به جبهه های مرگ و نیستی از کیسه تهی زحمتکشان غارت گردیده نمایانگر تحت فشار قرار دادن هرچه بیشتر توده ها بمنظور تامین هزینه های ماشین جنگ ارتجاعی ایران و عراق میباشد.

● در پی ناآرامیهای خلیج فارس، در ۲۰ فروردین ماه یک نفتکش کوچک که حامل پرچم امارات متحده عربی بود هدف قایقهای توپدار ایران قرار گرفت که باعث ایجاد خسارات شدیدی گردید، در پی این حمله ملوانان کشتی مجبور شدند آنرا ترک گویند در همین رابطه سه دوروز پیش نیز





کشتی بازرگانی دیگری که حامل کود شیمیایی بود مورد حمله قایقهای ایران قرار گرفت. نیروهای ایران همچنین به روی يك کشتی که حامل پرچم انگلستان بود نیز آتش گشودند. رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بعنوان عامل پیش برنده سیاست امپریالیستها در منطقه از يك طرف سعی دارد اقدامات خود را در زمینه ایجاد ناآرامی در خلیج فارس که اتفاقا برای پیشبرد سیاستهای امپریالیستی ضرورت دارد به اسم مبارزه با امریکا معرفی نموده و بسسه عوامل فیزیکی بپسردازد و با استفاده از این موقعیت، خود را رژیمی ضد امپریالیست جلوه دهد و از طرف دیگر با عبارت خنده آور "مبارزه با امریکا" به بسیج نیرو برای تامین سوخت تنور جنگ امپریالیستی ایران و عراق میپردازد.

● بمنظور پیشبرد سیاست همه گیر در خدمت جنگ، اخیرا "پرتاب نارنجک بعنوان يك رشته جدید ورزش توسط سردمداران جمهوری اسلامی در نهادهای ورزشی گنجانده شده است" در حقیقت هدف رژیم از برآه انداختن این باصطلاح ورزش، دادن آموزش نظامی به جوانان و نوجوانان میهنان میباشد تا در مواقع مقتضی بتوانند از آن در جهت منافع قوم خود و اربابانش سود جویند.

● در پی بحران و افزایش غارت و اخاذی از کاسبین و تولید کنندگان کوچک، که از برکات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی میباشد، بخش چشمگیری از کارگاههای تولید کنندگان کوچک به تعطیلی کشانده شده اند. در همین رابطه استاندان مزدور گیلان اعلام نمود که در این استان "طی ۸ ماه گذشته بالغ بر ۲۲ کارگاه و ۵۰۰ واحد تولیدی یا به تعطیل کشانده شده و یا سهمیه خدماتی آنان قطع شده است" این امر از یکطرف دامنه بحرانی را نتوان میدهد که گریبان رژیم را گرفته و از طرف دیگر سرکوب و غارت این قشر زحمتکش میهنان را توسط زالو صفیان جمهوری اسلامی بخوبی نشان میدهد.

● در شرایطی که از برکات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی توده ها از ابتدائی ترین مایحتاج زندگی محروم میباشند، دست اندرکاران رژیم مواد غذایی تولید شده در کشور را به جبهه های جنگی امپریالیستی اختصاص داده اند. طبق گفته رسانه های گروهی رژیم ۷۵٪ از تولیدات کنسرو و آب میوه شرکت تنکابن به جبهه های جنگ تعلق یافته است از ۲۵٪ باقیمانده ۵٪ آن برای تهیه ارز به خارج از کشور صادر میشود و فقط ۲۰٪ یعنی يك پنجم از این محصولات برای نیازهای مردم به بازارها و

آنها با قیمتهای گران عرضه میشود که خارج از توان خرید مردم محروم میباشد.

● طبق گزارشات منتشره اهالی تهران در روزهای اخیر از بیم بمبارانهای شیمیایی به تدابیر ویژه ای دست زده اند. از جمله در خیابانهای شهر تهران روپوشهای پلاستیکی در معرض فروش گذاشته شده که بنابه ادعای فروشندگان میتواند از آسیب سلاحهای شیمیایی جلوگیری کند. همچنین مقامات مزدور جمهوری اسلامی توصیه کرده اند که آتش زدن پلاستیک میتواند تاثیر کشنده گازهای شیمیایی را خنثی کند که این امر موجب گران شدن لاستیک بنحو چشمگیری شده است.

● روزنامه اطلاعات شانزدهم فروردین مساله خیر داد، مسافری که از روز شنبه آینده قصد سفر به خارج را دارند ملزم میباشند که بهای بلیط را با ارز خارجی بپردازند. این اقدام رژیم با توجه به بالا بودن نرخ دلار در بازار سیاه تهران بهای بلیط را به ۱۸ برابر افزایش داده است. بر این اساس در حالیکه قبلا بهای بلیط از تهران به پاریس ۲۵۰۰ تومان بود حال به ۸۰۰۰۰ تومان افزایش یافته است. رژیم مزدور جمهوری اسلامی که در تمامی عرصه های زندگی توده ها اقدام به ایجاد گرانی و اخاذی مینماید در واقع اوج افلاس و ورشکستگی اقتصاد پیش را با این عمل آشکار میسازد.





● اخسادی و چپاول زحمتکشان کردستان توسط عوامل سرکوبگر رژیم هر روز ابعاد تازه ای بخود میگیرد. مزدوران مستقر در پایگاههای زیویه در بخش سوسنایستی سردشت بسا تهدید و اخبار از مردم آذوقه میگیرند و آنها را وادار بسا بیگاری میکنند. همچنین با اعلام حکومت نظامی از رفت و آمد شبانه مردم جلوگیری کرده بسا جائیکه ۱۵ خانواده این روستا در اثر فشار مزدوران مجبور به ترک کاشانه خود شدند.

● رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی جهت گرم نگهداشتن تنور جنگ امیرالبنی ایبران و عراق مشمولین ناقص العضو را نیز به جبهه بسا اعزام مینماید. در همین رابطه چندی پیش سپاه پاسداران و ژاندارمری این ارگانهای سرکوب در شهر سردشت طی اطلاعیه ای از مشمولین ناقص العضو در خواست نمودند که برای دریافت برگه معافیت سربازی در روزهای ۱۸ تا ۲۰ اسفند خود را معرفی نمایند. حدود ۷۰ نفر از مشمولین ناقص العضو خود را به

نظام وظیفه معرفی مینمایند تا برگه معافیت از سربازی به آنان داده شود اما مزدوران جمهوری اسلامی آنها را دستگیر کرده و روانه مراکز آموزشی نمودند.

● در آخرین چهارشنبه سال ۶۶ مردم مبارز مهاباد برای برپایش مراسم چهارشنبه سوری به محلات و خیابانها آمده بودند تا این رسم دیرینه و سنتی را جشن بگیرند. مزدوران سپاه و کمیته به بهانه اخذ کارت شناسایی و اینکه "افراد مشکوکی در اینجا هستند." شروع به بازرسی مردم نمودند. ولی از آنجائیکه این حیلسه مزدوران نتوانست مردم قهرمان مهاباد را متفرق نماید آنها بسراى برهم زدن مراسم به اسلحه متوسل شده و با کلنگدن زدن سلاحهای خود، قصد ترساندن مردم را داشتند. بعلاوه تعداد دیگری از مزدوران با سلاح کمری مبادرت به تیراندازی کردند که طی آن مردم از این عمل وحشیانه مزدوران وحشزده به کوچها گریختند. این عمل سرکوبگرانه یکبار دیگر دشمنی رژیم با فرهنگ ملی خلقها و همچنین وحشت از اجتماع مردم را بسمایش گذاشت.

● بدنیاال اوچگیری کشمکش و تضاد بین نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در سردشت برخورد بین دودسته از مزدوران

پیش آمد که در نتیجه آن یک گروه توسط گروه دیگر بازداشت گردید. طی اواسط ماه گذشته گروه ضربت سردشت مرکب از جاش و پاسدار کسسه مشغول انجام وظایف ضد خلقی خود در حوالی روستای سپیدار بودند بامزدوران ارتشی مستقر در روستای دارمه گن برخورد کردند که بین این دو نیروی سرکوبگر مشاجره لفظی پیش آمد. سپس نیروهای ارتشی آنها را دستگیر و مدتی در بازداشت خود نگاه داشتند. سرکوبگران ارتشی به گروه ضربت مزدور گفتند که: "اینجا جزء منطقه تحت حفاظت ما میباشد و شما دارای اجازه گشت نمیباشید." بالاخره بعد از مدتی مزدوران آزاد شدند.

● در اسفند ماه گذشته، سرکوبگران جمهوری اسلامی با شایعه گردن ورود اسکناسهای هزار تومانی جعلی به بازارهای ایران، به غارتگری وحشیانه ای دست زده اند. در همین رابطه یکی از مزدوران اطلاعاتی بازار قاسم رش منطقه سردشت که با اسمهای سعید و سوره مشغول انجام فعالیتهای ضد خلقی خویش میباشد، طوسی تفتیش یک کاروانچی مبلغ ۴۰۰ هزار تومان وجه نقد او را به بهانه جعلی و تقلبی بسودن اخذ میکند این



زنده باد خلق رزمنده کرده برای آزادی میجنگد

ارباب و فریب مردم عازم این روستاها شدند ولی مردم مبارز این سه روستا مجدداً در مقابل برخوردهای رباکارانه و تهدیدات و قبحانه فرماندار به مقاومت پرداخته و در نتیجه مزدوران را مجبور به عقب نشینی نمودند . همچنین در روز ۲۰ فروردین مردم زحمتکش این سه روستا بعنوان اعتراض به اعمال مزدوران به سردشت رفتند و در مقابل فرمانداری ضمن تجمع ناراضیتی نمودند را ابراز میدارند . فرمانداری نیز ناتوان در مقابل اعتراض مردم حل مسئله را به استانداری ارجاع نمود .

× در حالیکه اهالی شهر و روستاهای مریوان بر اثر بمباران و توپ باران ، همچون سایر اهالی شهرهای دیگر میهنمان آواره و بی خانمان گشته اند نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی از این فرصت استفاده کرده و در مسیر جاده ها به شکار جوانان میپردازند . مزدوران جمهوری اسلامی در جاده های اطراف شهر مریوان و روستاها با کنترل و بازرسی وسیع خود جوانانی را که به همراه خانواده های خویش مجبور به ترک خانه و کاشانه خود گردیده ، دستگیر و روانه مراکز آموزشی مینمایند .

● در اواخر فروردین ماه امسال جاشهای خود فروخته روستای گُلک

روستای " میرآوا" واقع در محور سردشت - پیرانشهر توسط هواپیماهای عراق بمباران گردید که باعث مرگ ۵۰ تن از اهالی این روستا و زخمی شدن بیش از ۱۰۰ تن دیگر شد . در این بمباران وحشیانه ، به خانه های روستائیان صدمات سنگینی وارد آمد که ساکنین "میرآوا" مجبور به ترک روستا شده و آواره دیگر روستاهای منطقه شدند . همچنین ، روستاهای دزله ، ازپل ، نژمار ، کانی دینار ، بالک و سبازان واقع در منطقه مریوان نیز طی چندین مرحله مورد بمباران هواپیماهای عراقی قرار گرفتند که بر اثر آن دهها تن از زحمتکشان این روستاها کشته و شمار بسیاری از آنان مجروح گردیدند .

● در تاریخ ۱۸ فروردین مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در پی هجوم خود به روستای ره رگه ، کانی بی و یاسین آوا واقع در منطقه باسک کوله سه با آوردن بولدوزر قصد داشتند که به بهانه ساختن اردوگاه برای آوارگان ، مزارع آنها را به اشغال خود در آورند ولی مردم روستاهای مزبور با اطلاع از این توطئه مزدوران ، متحدانه در مقابل آنان مقاومت نموده و مانع از عملی شدن نقشه شومشان شدند . روز بعد فرماندار سردشت به همراه تعداد زیادی از پاسداران جنایتکار به قصد

مزدور در کمال بیشرمی میگوید "این پولها چون جعلی هستند به ما حبش پس داده نخواهد شد و تازه باید صاحب پول خدا را شکر کند که دستگیرش نکردیم ." ● در اواسط اسفند ماه کمیته چپهای ضد خلقی و سرکوبگر رژیم که در حال کنترل و گشت زنی در شهر سردشت بودند به یکی از عناصر خود فروخته سپاه پاسداران در این شهر برخورد کردند . آنها از پاسدار مذکور کارت شناسایی و کارت حمل سلاح طلب نمودند . وقتی پاسدار از دادن کارت به آنها امتناع ورزید ، کمیته چپها بلافاصله سلاحهایشان را مسلح کردند . در مقابل پاسدار مزدور نیز اسلحه اش را مسلح مینماید . مزدوران وقتیکه اوضاع را چنین دیدند مجبور شدند تنها بنحوی کوتاه آمده و قضیه را فیصله دهند . همان شب پس از این رویداد سپاه پاسداران سردشت به خانه پاسدار یاد شده تلفن زده و به او میگویند : "تو آبروی ما را خریدی و روی مان را سفید کردی ، کار بسیار خوبی کردی که به آنها کارت ندادی ." امر فوق نشاندهنده شدت یابی تضاد بین نیروهای سرکوبگر رژیم اعم از سپاه و کمیته چپ میباشد .

● بدینسان بمباران مناطق مسکونی در جنگ امپریالیستی ایران و عراق ، روز ۱۷ فروردین ،



از توابع پیرانشهر اسلحه های خود را زمین گذاشته و اعلام نموده اند که دیگر حاضر به برداشتن سلاحهای رژیم نمیباشند. جاشهای روستای فوق الذکر همگی از فنودالهای منطقه میباشد که پس از قیام بهمن در هراس از خنثی حق طلبانه خلق کرد و مبارزات پیشمرگان دلاورش به خدمت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در آمده و با پشتیبانی نیروهای سرکوبگر رژیم دست به هر جنایتی میزدند. شایان ذکر است که این خود فروختگان بدلیل کم شدن مقدار قابل توجهی از حقوق ماهانه شان تصمیم به چنین کاری گرفته اند. واقعه اخیر نشان دهنده آن میباشد که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی آنچنان دچار افلاس و ورشکستگی و بحران اقتصادی گردیده که دیگر قادر به تامین حقوق مزدورانش نیز نمیباشد.

لازم به ذکر است که بر اساس خبر مشابهی که از منطقه مهاباد بدستمان رسیده در آن منطقه نیز عده ای از جاشهای خسود فروخته بهمین دلیل اسلحه های خود را پس داده و حاضر به همکاری نشده اند.

× اخیراً مزدوران پایگاه ژاندارمری روستای گوئیر واقع در منطقه پیرانشهر جهت سربازگیری

وارد روستای بیگوس شدند مزدوران رژیم در یورش گسترده خود عده ای از جوانان را جهت گسیل به جبهه های مرگ و نیستی دستگیر نمودند. اما شیر زنان و کودکان روستای مذکور برای آزادی جوانان از چنگ مزدوران رژیم، شروع به سنگ باران و اندازمها کردند و با این عمل انقلابی خود ضمن آزاد کردن جوانان، مزدوران سرکوبگر رژیم را نیز وادار به فرار نمودند.

● طبق اظهارات یک شاهد عینی در اوایل اسفند ماه ۶۶ عده ای در حدود ۸، ۹ نفر مورد بازجوشی مزدوران اطلاعات سپاه پاسداران در روستای قاسم رش کردستان قرار میگیرند. در بین این جمع وقتی مزدور اطلاعاتی از پیرمرد مسنی میپرسد که کجا بودی میگوید: کردستان عراق، رفتی چه کنی؟ رفتم پسر را ببینم. پسررت کردستان عراق چکار میکند؟ پیشمرکه است.

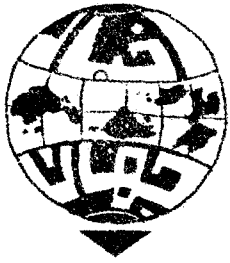
پاسدار مزدور میگوید خجالت نمیکشی چنین بی پروا از پسر ضدانقلاب حرف میزنی، پیرمرد میگوید: نه خیلی هم به او علاقه دارم، عمری زحمت کشیدم او را بزرگ کرده ام هر جای دیگری هم بود میرفتم بسراغش پسرمه و دوستش دارم. مزدور سپاه بی اندازه ناراحت میشود. پیرمرد ادامه میدهد حالا این را میپرسد

برای چی؟ اگر میخواهید مرا بگیرید بگو تا چند شعار هم علیه جمهوری اسلامی بدهم که یکدفعه اعدام کنید. من دیگر عمر خودم را کرده ام. سپس پاسدار مزدور پیرمرد و همراهانش را دستگیر کرده و به دفتر اطلاعات در همان محل میبرد. پیرمرد کسه شدیدا به این مسئله معترض بوده است، شروع میکند بکسه شعار دادن بر علیه آنها و بر علیه جمهوری اسلامی مزدورانی کسه در آنجا بودند سراسیمه ششیده و چاره ای نمیبینند جز اینکه بقیه افراد را نکهداشته و پیرمرد را آزاد نمایند. ولی پیرمرد دست بردار نبوده ونسبت بکسه عدم آزادی همراهانش اعتراض میکند و بالاخره مزدوران مجبور میشوند کسه همراهان وی را نیز آزاد نمایند.

● اخیراً کارگزاران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در شهر مهاباد به اخاذی و چپاول دانش آموزان دست زده اند مزدوران رژیم در مدارس راهتماش دخترانه برای هر دانش آموز ۵۰ تومان و در مدارس ابتدایش برای هر دانش آموز ۲۰ تومان تعیین کرده اند تا بعنوان کمک به جبهه ها به جیره خواران رژیم پرداخت نمایند.



پیش بسوی سازماندهای مسلح توده ها



۲۰ سال است که خلق

ستمیدیده فلسطین برای حق تعیین سرنوشت خود درگیر مبارزه ای سخت و بی امان با اشغالگران اسرائیلی این حکومت دست ساز امپریالیستها میباشد. این خلق رانده شده از سرزمین خود اگر چه در این راه شهدای زیادی داده و رنجهای طاقت فرسائی را تحمل کرده ولی برای احقاق حق خود لحظه ای درنگ نکرده است تا جایشکه امروز در تداوم مبارزات خود ارتش تا بن دندان مسلح اسرائیل را بنا آنهمه کمکهای آمریکا بسوی میگردد به عجز و ناتوانی کشانده است. مبارزات قهرمانانه خلق فلسطین دشمنانش را بجاش رسانده است که ناچار گردیده اند اعلام نمایند که سرکوب نظامی قادر نیست مبارزات خلق بیبا خاسته فلسطین را در هم بشکند و برای اینکار راه حل سیاسی را تجویز مینمایند.

اوج تازه ای از مبارزات خلق فلسطین که از اوائل دسامبر سال گذشته آغاز گشت همچنان با شدت تمام ادامه دارد و اخبار مبارزاتی این خلق در این دوره بصورت یکی از مهمترین خبرهای

یورشهای شبانه خرد به منازل در چندین روستای بخش شارویران مهاباد و چند روستای دیگر از بخش شامات، عده ای از جوانان را دستگیر و روانه پادگان عجب عجب شیر نمودند. اما از آنجا که فرار سربازان از پادگانها اوج گرفته است عده ای از این جوانان تسازه دستگیر شده و همچنین تعدادی از سربازان قدیمی نیز از پادگان عجب شیر فرار نمودند.

× رژیم مزدور جمهوری اسلامی برای دستگیری هر جوان مشمول در شهر مهاباد ۲۰۰ تومان جایزه برای مزدوران پاسدار و شهربانی تعیین نموده است این خبر ضمن اینکه بیانگر نیاز شدید رژیم جمهوری اسلامی به نیروی انسانی در جبهه های جنگ میباشد از سوی دیگر نشاندهنده اوج دناات و پستی رژیم ضد خلقی ای است که برای فرستادن جوانان به مسلح گاه جنگ امپریالیستی به جین روشهای مبادرت میورزد.

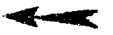
● در اوائل فروردین ماه بر اثر توپ باران روستای مرزی سسونه در منطقه سردشت دو روستای زحمتکش بر اثر اصابت ترکش توپ شهادت رسیده و چند زحمتکش دیگر زخمی گردیدند. یکی از این شهدا (کاک کاروان) بر اثر اصابت ترکش پایش قطع شده بود که در حین انتقال جهت مداوا بر اثر شدت خونریزی به شهادت میرسد.

این اخاذیهای گسترده از دانش آموزان که هر روز به انحاء مختلف شدت مییابد فشار مضاعفی است بر والدین آنها که حتی از تهیه لوازم التحریر لازمه جهت تحصیل فرزندانشان به دلیل قیمتهای گزاف عاجز و ناتوان میباشند.

● چندی پیش مزدوران جمهوری اسلامی در شهر سردشت با یورش به دکه داران جهت جلوگیری از کسب و کار آنها دکه های زیادی را بسه خارج از شهر منتقل مینمایند. بدنبال این عمل وحشیانه حدود ۲۰ تن از زحمتکشان بسه فرمانداری شهر سردشت مراجعه نموده و معترضانه اعلام میکنند یا محلی برای کار در اختیارشان قرارداده شود و یا به محلهای قبلی خود بر میگردند.

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که از ابتدای سر کار آمدنش به سرکوب و کشتار خلق قهرمان کرد مشغول است پستی و دناات خود را به جاش رسانده است که حتی مانع از کسب و کار زحمتکشان خلق کرد میگردد.

● رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی مدتهاست که به تلاشهای ضد خلقی خود در کردستان قهرمان جهت دستگیری جوانان و اعزام آنها به جبهه های مرگ و نیستی شدن بخشیده است. اخیرا مزدوران ارتش و ژاندارمری با



خبرگزاریهای جهان درآمده است . خلاصه ای از اهم اخبار مبارزات ایمن خلق قهرمان در فروردین ماه و نیمه اول اردیبهشت سال ۷۷ شرح زیر میباشد :

در اوائل فروردین ماه رژیم اشغالگر اسرائیل برای درهم شکستن مبارزات خلق فلسطین اقدام به بمباران مقر و پایگاههای آنها در جنوب لبنان نمود که عده ای از فلسطینیان شهید و عده ای دیگر نیز مجروح گردیدند .

در ۵ فروردین ماه رژیم سرکوبگر اسرائیل برای درهم شکستن تظاهرات مردم فلسطین از یهودیان ساکن فلسطین خواست که به تظاهر کنندگان حمله نموده و تظاهرات را بهم بریزند .

در ۹ فروردین ماه در نتیجه اوجگیری تظاهرات خلق فلسطین رژیم اسرائیل در باریکه غزه و ساحل رود اردن اعلام حکومت نظامی نمود .

۱۰ فروردین بمناسبت روز زمین (یوم الارض) تظاهرات گسترده ای توسط مردم فلسطین برعلیه اسرائیل سازمان یافت و تظاهرکنندگان پرچم فلسطین را به اهتزاز درآوردند . ارتش اسرائیل به حمله به

نظاره کنندگان عده ای را به شهادت رسانده و عده ای دیگر را زخمی نمود .

در ۱۲ و ۱۲ فروردین ماه تظاهرات دیگری برعلیه اسرائیل برپا گردید که با حمله ارتش مزدور اسرائیل به این تظاهرات ۱۲ تن شهید و عده زیادی مجروح گردیدند . در این درگیری دو تن از مزدوران ارتش اسرائیل نیز مجروح شدند .

در ۱۴ فروردین تشییع جنازه شهدای روزهای قبل به تظاهرات اعتراضی مبدل شد که با یورش ارتش مزدور اسرائیل ۶ تن از تظاهرات کنندگان شهید و تعدادی زخمی شدند . با حمله ارتش اسرائیلی به تظاهراتی که برعلیه ورود شولتز وزیر امور خارجه امریکا به خاورمیانه برپا گردیده بود چند تن شهید و زخمی شدند و بر اثر بمبارانهای وحشیانه اردوگاههای فلسطینی توسط هواپیماهای اسرائیلی که در چند نوبت انجام گردید ۹۵ تن شهید و حدود ۲۰۰ تن دیگر مجروح گشتند .

در تاریخ ۱۷ فروردین ماه از طرف صهیونیستهای ساکن کرانه باختری رود اردن بر روی تظاهرکنندگان فلسطینی آتش گشوده شد که ۲ فلسطینی شهید و عده ای زخمی شدند . در این

درگیریها یک دختر یهودی نیز کشته شد .

۱۸ فروردین ماه ارتش اشغالگر اسرائیل کشته شدن دختر یهودی را بهانه قرار داده و تعدادی از خانه های فلسطینیان را با مواد منفجره تخریب و خسارت مالی فراوانی به آنان وارد آورد . در این روز تعدادی از ماشینهای مردم نیز نابود گردید .

در ۲۳ فروردین ماه رژیم اسرائیل ۸ تن از مبارزین فلسطینی را به لبنان تبعید نموده و حکم تبعید ۱۲ تن دیگر را نیز صادر نمود .

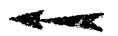
۲۲ فروردین ماه تظاهرات گسترده ای از طرف فلسطینیان برعلیه این تبعیدها انجام گرفت که با حمله ارتش اسرائیل به این تظاهرات ۲۲ تن مجروح گشتند .

در ۲۶ فروردین ماه سربازان مزدور اسرائیل برعلیه تظاهرکنندگان از کارهای سمی و کشنده استفاده کردند که منجر به شهادت ۲ جوان فلسطینی و سقط جنین ۶۰ زن باردار گردید .

در شامگاه ۲۶ فروردین ماه رژیم اشغالگر اسرائیل در یک اقدام تروریستی با پیاده کردن کماندوهای خود در خاک تونس ، ابوجهاد معاون یاسر



پیش بسوی تشکیل ارتش خلق



عرفات و یکی از بنیانگذاران سازمان آزادیبخش فلسطین را در خانه اش ترور نمود .

۲۸ فروردین ماه بمناسبت شهادت ابوجهاد تظاهرات توده ای گسترده ای سراسر فلسطین را فرا گرفت با حمله مزدوران اسرائیلی به این تظاهرات ۱۷ تن از تظاهرکنندگان شهید و عده کثیری مجروح شدند . بنا به گزارش خیرگزاریهها این تظاهرات بزرگترین تظاهراتی بود که در طی چهارماه گذشته در فلسطین برگزار گردیده بود .

۲۹ فروردین ماه بیاد شهدای شنبه خونین سه روز عزای عمومی اعلام گردید و بر سر در کلیه خانه ها پرچم سیاه به اهتزاز در آمد . رژیم اشغالگر در کلیه مناطق اشغالی اعلام حکومت نظامی نموده و از ورود خبرنگاران به مناطق مزبور جلوگیری بعمل آورد .

در تاریخ دوم و پنجم اردیبهشت ماه با یورش ارتش مزدور اسرائیل به مردم فلسطین عده دیگری از توده های استعماریده شهید و زخمی شدند .

در ششم اردیبهشت در حمله چریکهای فلسطینی به ارتش اسرائیل دو سرباز اسرائیلی کشته و دو نفر دیگر مجروح گشتند .

در ۱۲ اردیبهشت سربازان اسرائیلی برای سرکوب مبارزین فلسطینی از مرزهای لبنان گذشته

و در خاک لبنان ضمن خانه گردی به آزار و اذیت مردم فلسطین پرداختند . مزدوران اسرائیلی با تهدید و اعمال فشار از مردم استعماریده فلسطین خواستند که به چریکهای فلسطینی کمک نمایند .

تا این تاریخ خیرگزاریهها گزارش میدهند که در درگیریهای اخیر (از اوائل دسامبر تا کنون) ۲۲۵ تن از فلسطینیان بدست سربازان اسرائیلی شهید و حدود ۸۰۰۰ تن دیگر مجروح گردیده اند . رژیم اشغالگر اسرائیل

با پشتیبانی امپریالیسم امریکا و سایر کشورهای مرنج عربی میکوشد مبارزات حق طلبانه خلق فلسطین را به شکست بکشاند ولی خلق قهرمان فلسطین با مبارزات خود نشان داده است که اراده این خلق درهم شکستن نیست ، نشان داده است که نه تنها از مبارزه بی امان خود دست نخواهد کشید بلکه مبارزات خود را تا بیرون راندن سربازان اشغالگر اسرائیلی و اریابان امپریالیستش از سرزمین خود ادامه خواهد داد . مبارزه ای کسبه مورد پشتیبانی تمامی نیروهای انقلابی و توده های استعماریده سراسر جهان قرار دارد و سرانجام به پیروزی خواهد رسید چرا که پیروزی از آن خلقهاست .

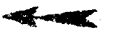


● چریکهای ارتش نوین فیلیپین دو تن از فرماندهان نیروی دریائی رژیم حاکم بر فیلیپین را در مانیل پایتخت این کشور بهلاکت رساندند . پلیس فیلیپین که این خبر را اعلام نموده است گفت يك مرد بازرگان نیز در شهر سوزون توسط افراد مسلح از پای در آمده است .

● نشریه بوول آبرز واتور فاش ساخت که شرکت لوشر بعد از سال ۸۶ با وساطت فاشیستهای ایتالیائی در دوره حکومت ژاک شیراک سلاح و مهمات به جمهوری اسلامی تحویل داده است . همچنین يك قاضی ایتالیائی در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که فاشیستها و مافیای ایتالیا در خرید مواد مخدر با بعضی از سران جمهوری اسلامی معاملاتی را به انجام رسانده اند .

● چین برغم تکذیبهای پیاپی مقاماتش همچنان به فروش تسلیحات و جنگ افزار به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی مشغول است طبق گزارشات رسانه های خبری طی شش ماهه دوم سال گذشته چین در حدود صد فروند موشک ضد کشتی از نوع سی - ۸۰۱ به رژیم جمهوری اسلامی فروخته است شایان توجه است که علاوه بر امپریالیستهای غارتگر، همپالکیهای رویزیونیستشان نیز تامین کننده بخش عمده ای از سلاحهای مرکب مورد استفاده





طبرقیس جنگ امپریالیستی
میباشند .

● هفته نامه سوناگس بلیک که در زوریخ منتشر میشود در ۶ مارس ۸۸ فاش ساخت که دواثر مخفی سوئیس واسط ارتباط میان رژیم خمینی و اسرائیل شده اند ، رئیس دائره حفظ اصوار دواثر مخفی سوئیس ترتیب ملاقات میان حمید نقاشان و شیمون پرز نخست وزیر اسرائیل را در فرودگاه زوریخ داده بود . حمید نقاشان یکی از نزدیکان محسن رفیق دوست وزیر سیاه پاسداران میباشد .

● تعدادی از چریکهای راه درخشان به يك شهرک در نزدیکی لیما پایتخت پرو حمله کردند . چریکها پس از محاصره اماکن دولتی ، شهردار و ۵ تن دیگر از مزدوران رژیم حاکم بر پرو را اعدام انقلابی نمودند . چریکهای راه درخشان پس از اعدام انقلاب این مزدوران با منفجر کردن ساختمان شهرداری و مخازن صحنه عملیات را ترک کردند .

● بیش از ۱۹۰۰۰ نفر از کارگران صنعتی در کره جنوبی با اعلام اعتصاب خواهان افزایش دستمزدهای خود شدند . حدود ۹۰۰۰ نفر از کارگران کارخانه دایبوک که یکی از بزرگترین کارخانه های اتومبیل سازی کره جنوبی میباشد با اجتماع در مقابل کارخانه ، خواهان

افزایش ۲۶ درصد اضافه حقوق و بهبود شرایط کار شدند . همچنین ۱۰۰۰۰ نفر از کارگران کشتی سازی دایبوک به اعتصاب مشابه دیگری دست زده و خواهان افزایش ۵ درصد اضافه دستمزد و بهبود شرایط کاری خود میباشند . لازم به تذکر است که یکی از کارگران اعتصابی در جریان اعتصابات اخیر از شدت تنفر و کینه انقلابی نسبت به رژیم وابسته به امپریالیسم "رته وو" اقدام به خود سوزی نمود . حدود چند ماه است که کشور کره جنوبی به کانون گرم مبارزه و اعتصاب کارگران و دیگر اقشار و طبقات تحت ستم گردیده است و این مبارزه تنها جایکه سلطه امپریالیسم در این کشور نیست و نابود گردد ادامه خواهد یافت .

● طبق گزارشات منتشره طی درگیری شدیدی که بین مخالفین رژیم وابسته به امپریالیسم هندوراس و پلیس مزدور آن کشور روی داد ۵ نفر از تظاهرکنندگان جان خود را از دست دادند . تظاهرات ضدامپریالیستی تسوده های زحمتکش هندوراس در اطراف سفارت امریکا در "تکوسیاکاپ" رخ داد . در پی این درگیری خونین رژیم این کشور اعلام حکومت نظامی نموده و کنترل شهر و تدابیر امنیتی را بالا برده است .

شایان ذکر است که قریب

به يك ماه است که امپریالیسم امریکا ۲۲۰۰ تن از تفنگداران خود را به هندوراس اعزام داشته است . این عملیات که قرقاول طلانی نام دارد چیزی جز تجاوز آشکار امریکانه خلقهای منطقه نمیشود .

● پس از اعلام آتش بس بین دو گروه مزدور امل و حزب الله هزاران تن از شیعیان هوادار امل ، مقر سیاه پاسداران در شهر صور لبنان را به اشغال خود درآوردند . معترضین ابتدا پرچم ایران را که بر فراز ساختمان سیاه پاسداران قرار داشت به پائین کشیده و آن را آتش زدند و تمامی عکسهای خمینی را پاره کردند .

● طبق برآورد سازمان امریکاش کنترل تسلیحات و خلع سلاح شوروی طی سال میلادی ۱۹۸۵ صادر کننده شماره يك جهان در زمینه جنگ افرار بوده است . بنسبا به ادعای همین سازمان طی سالجاری ۲۵ درصد از کل صادرات تسلیحات به شوروی ، ۸۰ درصد به امریکا و ۱۰ درصد به فرانسه نسبت داده شده است . در ضمن گفته شده است که خاور میانه بزرگترین مشتری جنگ افزار در جهان میباشد امپریالیستها و روبریونیستها که از برکت جنگ امپریالیستی ایران و عراق و به قیمت گرسنگی و فقر و محرومیت خلقهای منطقه سودهای سرشاری را به جیب





میزنند ، خاورمیانه را نیز تبدیل به بازار و آزمایشگاهی کرده اند تا هرچه سهلتر سلاحهای مرکب را خود را فروخته و به آزمایش درآورند .

● يك هیئت نظامی جمهوری اسلامی و يك هیئت اسرائیلی که شامل سه افسر بلند پایه بود در یکی از پایتختهای اسکانیدیناوی با یکدیگر ملاقات نمودند . روزنامه کویتی القیس که این خبر را منتشر نمود ، میافزاید در این گفتگوها موضوع فروش ۱۰۰ فروند موشک زمین به زمین اسرائیل به جمهوری اسلامی مورد تاکید قرار گرفت . موشکهای اسرائیلی اری پایه از جمله موشکهای است که قرار است اسرائیل در اختیار جمهوری اسلامی بگذارد . القیس میافزاید هیئت اسرائیلی شروطی را برای تحویل موشکها به جمهوری اسلامی داده است که از جمله آنها ، اداره موشکها توسط کارشناسان نظامی اسرائیلی جهت همکاریهای نظامی و موافقت جمهوری اسلامی برای مهاجرت بقیه یهودیان ایران به اسرائیل را میتوان نام برد . افشای اینگونه روابط و قراردادهای نظامی بین جمهوری اسلامی و اسرائیل کسسه هرازگاهی توسط رسانه های خبری جهان صورت میپذیرد ، فریادهای هیستریک ضد صهیونیستی سران مزدور جمهوری اسلامی را همچون شعارهای توخالی

دیگر بر ملا میسازد .

× حدود سه ماه است که ملوانان شرکت سی برت در انگلستان به اعتصاب خنثی خود همچنان ادامه میدهند . ملوانان اعتصابی خواهان بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدهای خود در مقابل کنسرانی هزینه زندگی میباشد . کارفرمایان شرکت سی برت اعتصابیون را تهدید به اخراج کرده اند .

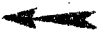
● به گزارش روزنامه فرانسوی نول آبزرواتور اخیرا جمهوری اسلامی تعداد زیادی از موشکهای استینگر را به گروه مزدور حزب الله در لبنان تحویل داده است . طبق گزارش همین روزنامه موشکهای استینگر که توسط امریکا بسننه ضدانقلابیون افغانستان داده شده بود در اختیار جمهوری اسلامی قرار گرفت و سپس جمهوری اسلامی تعدادی از این موشکها را به گروه حزب الله لبنان تحویل داد . این خبر بخوبی نشان میدهد که امپریالیسم امریکا چگونه به عوامل و گروههای ضدانقلابی کمکهای نظامی ارسال میدارد و از چه مجراهایش به رژیم مزدور جمهوری اسلامی تجهیزات نظامی میرساند .

● روزنامه نیویورک تایمز فاش کرد کسسه امپریالیسم امریکا تصمیم گرفته است که ۱۵ میلیارد دلار بسننه کشور های تحت سلطه تسلیحات و جنگ افزار بفروشد .

این رقم نسبت به رقم مشابه سال قبل ، ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار افزایش را نشان میدهد . این روزنامه میافزاید که اسرائیل و کسره جنوبی از اصلی ترین طرفهای این معامله خواهند بود . علاوه امپریالیزم امریکا قصد دارد که میزان معاملات تسلیحاتی خود را با پاکستان ۶ برابر کند .

● در روز اول ماه مه روز همبستگی کارگران سراسر جهان السالوادور صحنه بزرگترین تظاهرات طن ۲ سال گذشته بود . در این تجمع اعتراضی که بمنظور گرامیداشت روز کارگر برپا شده بود هزاران تن از کارگران ، دهقانان و دانشجویان السالوادور به يك تظاهرات با شکوه دست زدند . تظاهر کنندگان ، خواستار قطع نفوذ و سلطه امپریالیزم از میهن خود گردیدند . پلیس سرکوبگر این کشور بخاطر ترس و هراسش از اوچگیری مبارزات توده های تحت ستم ، تدابیر شدید امنیتی را بسننه کار بست و ضمن کنترل تظاهرات بوسیلننه هلیکوپتر به حفاظت از سفارت امریکا پرداخت . تظاهرات کارگران و دانشجویان در دیگر زحمتکشان السالوادور در شرایط انجسام میگیرد که چریکهای السالوادور طر سالها مبارزه مسلحانه خودنواسته اند بخش بسیاری از مناطق این کشور





را آزاد ساخته و تحت کنترل خود بگیرند و با تسلیح توده ها ضربات کاری تر را به پیکر رژیم وابسته به امپریالیسم این کشور وارد سازند .

● کارگران و دیگر زحمتکشان پرتغالی با برپائی يك اعتصاب عمومی نسبت به لایحه دولت که دست سرمایه داران زالوصفت را در اخراج کارگران باز میگذارد به اعتراض پرداختند .

x به گزارش خبرگزاریها در یوگسلاوی تنها در طی سال گذشته ۱۵۲۵ اعتصاب کارگری برگزار گردید . در این اعتصابات حدود ۹۰۰۰۰ کارگر شرکت داشتند . همچنین گفته شده است که تعداد اعتصاب کنندگان در ۱۹۵۷ در مقایسه با سال ۱۹۸۶ به بیش از ۷۰٪ افزایش یافته است .

● مبارزین جبهه فاراباندومارتی بسا انفجار ۴ بمب در پایتخت السالوادور بار دیگر بر اندام رژیم مزدور و پושالی حاکم بر السالوادور ضربه وارد نموده و بر انتخابات فرمایشی جاری آن کشور مهربلان کوبیدند . همچنین مبارزین السالوادور با انفجار يك دکل برق موجب قطع ۸۰ درصد برق در این کشور شدند .

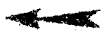
x شرکت انگلیسی لویدز که یکی از شرکتهای بیمه کشتی است اعلام نمود که از آغاز جنگ نفتکشها در منطقه خلیج فارس ۲۷ کشتی بازرگانی - تجاری و نفتکش

مورد حمله دو رژیم ایران و عراق قرار گرفته است . بدیهی است که صاحبان کارخانجات بحران رده کششی سازی در کشورهای امپریالیستی ، از قبیل این حملات توأسته انسداد سودهای سرشاری بدست آورده و تا حدی بحرانهایشان را تخفیف دهند . علاوه مؤسسات اقتصادی امپریالیستی از قبیل شرکتهای بیمه نیز با بالا بردن نرخ بیمه و انواع و اقسام شگردها منفعتهای زیادی را شامل حال خود کرده اند .

● در اواسط بهمن ماه گذشته ۲۰۰۰۰۰ نفر از کارگران بخش ساختمانی در پرتغال به اعتصاب دست زدند . همچنین در بسیاری از معادن این کشور کارگران دست از گسیختن کشیدند و شمار اعتصابیون به يك میلیون نفر رسید . علاوه در اواسط اسفند ماه گذشته نیز بیش از ۶۰۰۰ نفتکش از توده های زحمتکش روسانی بسنه تطافرات اعتراضی پرشکوهی در ایسین پایتخت این کشور دست زدند . در ضمن اعتراضات و مبارزات دیگر اقشار زحمتکش در این کشور نیز رو به گسترش گذارده است ، بطوری که ۱۵۰۰۰ تن از دانشجویان و صدها نفر از کارکنان بیمارستانها و پزشکان بخاطر دست آوردن بهبود اوضاع کاری زندگانی به اعتصاب دست زدند . اعتراضات و مقاومتهای کارگران و دیگر

زحمتکشان پرتغالی در مقابل رژیم آن کشور به منظور دستیابی بسنه افزایش دستمزد ، بهبود شرایط کار و معیشت ، مبارزه با کرائی و تورم و ... میباشد . ● بر اثر انفجار يك مین زمینی که توسط مبارزین تامیل کار گذاشته شده بود يك سرباز مزدور هندی کشته و دو تن دیگر زخمی گردیدند . همچنین ارتش سرکوبگر هندوستان کسه از دولت مزدور سریلانکا حمایت میکند با پشتیبانی هلیکوپترهای نویدار به مواضع مبارزین تامیل بود که باعث کشته شدن عده ای از مبارزین تامیل گردید . در جریان این درگیریها عسکره ای از سربازان مزدور ارتش سرکوبگر هند نیز به هلاکت رسیدند . لازم به تذکر است که مبارزین تامیل که برای کسب خود مختاری میجنگند علیرغم سرکوب وحشیانه ارتش هندوستان و سریلانکا همچنان به مبارزه خود ادامه میدهند .

● وزیر دفاع آمریکا در مصاحبه های اخیر خود که از رسانه های خبری جهان پخش گردید اعلام کرد که " به کارکنان سکویای نفتی سیری و ساسان از قبیل اخطار شده بود که محل را تخلیه کنند " رزمناوهای امریکسی حتی به کارکنان این سکویا دقیقه وقت دادند که آنجا را ترک کنند . پس از این هشدار و گذشت ۱۰ دقیقه آنها به این سکویا





کشوندند. طبق گفته سخنگوی کاخ سفید امریکا، این دو سکو ایستگاه فرماندهی و کنترل رادار ارتش جمهوری اسلامی بوده است. شایان ذکر است که امپریالیزم امریکا در حمله قبلی خود به کشتی ایران اجر که در مهرماه بوقوع پیوست نیز ابتدا ۲۶ سرنشین آن را انتقال داد و سپس کشتی توسط تفنگداران امریکاش مورد حمله قرار گرفت. باتوجه به چگونگی درگیریها بین نیروهای امریکا و جمهوری اسلامی میتوان بروشنی مشاهده کرد که درگیریهای فوق قبیل از اینکه یک جنگ واقعی باشد بیشتر موزه های تبلیغاتی ای برای طرفین است که با استفاده از آن در جهت فریب افکار عمومی و انحراف اذهان مورد استفاده قرار میگیرد تا در این سنر اهداف ضد خلقی به پیش رفته و منافع امپریالیستها و رژیم مزدور جمهوری اسلامی تامین گردد.

● جریان ربودن هواپیمای کویتی که ۱۶ روز بطول انجامید و بر سر آن جار و جنجالهای بسیاری صورت گرفت بالاخره به پایان رسید. در این رابطه خبرگزاریهای جهان مسئله هواپیما ربائی را به ایران نسبت دادند. مقامات الجزایری اعلام کردند که سحرگاه دیروز (۲۱/۱/۷۷) ربایندگان کلبه کوگانهای خود را آزاد

کرده اند که تعداد آنها بالغ بر ۲۲ مسافر و ۵ خدمه بود. خبرگزاری رویترز به نقل از منابع فرودگاه الجزایر گفت هواپیما ربایان مسلح قبل از گروگانها در دو گروه هواپیما را تیسرک گفتند. ربایندگان بعد از تیسرک هواپیما طی مصاحبه ای اعلام نمودند که ما بهیچوجه دست از خواستههایمان بر نمیداریم و خواستار آزادی برادرانمان در کویت میباشیم. خبرگزاری کویت پس از اعلام نمود که "به ربایندگان تعهد سبرده شده بود که میتوانند به لبنان و یا ایران بروند."

● در اواسط فروردین ماه هزاران کارگر آرژانتین علیه سیاستهای اقتصادی دولت به اعتصاب دست زدند. در جریان اعتصاب مذکور حرکت قطارها، اتوبوسها و فعالیتهای صنعتی در پایتخت آرژانتین مختل شده است. لازم به ذکر است که این اعتصاب یازدهمین اعتصاب کارگران آرژانتین در ماههای اخیر میباشد.

● مخالفین رژیم ضد خلقی هندوستان در اعتراض به ورود فرانک کارلوجی به این کشور، سه سم را در ساختمان فرهنگی امریکا منفجر کردند. این حیر مقدم گوش به ورنر دفاع امریکا نمونه بارزی از نفوذ و کینه نیروهای ضد امپریالیست و نوده های زحمتکش نسبت به سیاستهای جنایتکارانه و

غارتگرانه امپریالیسم

امریکاست. ● امپریالیسم امریکا بیپایانه افزایش تسلط و امنیت امریکاش های مقیم یاناما را است که ۱۲۰۰ تفنگدار دیگر را به آن منطقه اعزام دارد. بدین است که افزایش میلناریزم و حضور فعال امریکا در آبهای کشور یاناما بدلیل کنسرو هرچه بیشتر این منطقه صورت میگردد. تسلط توجه به نزدیکی یاناما به کشورهای نظیر کوبا، کوبا، اکوئه، المالدور و ... بالطبع این منطقه به لحاظ استراتژیک برای امپریالیسم امریکا حائز اهمیت میباشد. از اینرو حفظ و محافظت از آن باعث گردیده است کسبه مقامات امریکا تفکرجویی خود را در این منطقه افزایش دهند.

● گزارشات منتشره حاکی از آن است که ۸۰ تن از زندانیان یکی از زندانهای ایرلند شمالی موفق به فرار از زندان شدند. فرار این زندانیان در زمانی رخ داد که زندانیان دیگر این زندان، در حال اعتصاب سر میبردند. بعلاوه در درگیری که در یکی از زندانهای خودسالان ایرلند بین زندانیان و نگهبانان مزدور این کشور روی داد ۶ زندانی بشدت مجروح گردیدند.



آمار زير مربوط به ارقام و نوع صادرات و واردات ايران طی ماههاي زانويه و دسامبر سالهاي ۱۹۸۷ - ۱۹۸۴ ميباشد كه گوشه اي از روابط تجاري گسترده و زيرم وابسته به امپرياليسم جمهوري اسلامي را با کشورهای امپرياليستي نشان ميدهد.

معاملات تجاري ايران با چند کشور - متوسط ماهانه - به ۱۰۰۰ دلار

صادرات به ايران فوب حاضر	آلمان غربی		ژاپن		ایتاليا		انگستان		هند	
	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر
	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۵	۱۹۸۶
كبنات	۲۰۴۱	۱۲۲۰	۲۴	-	-	-	۳۵۷	۱۴	۴۳۸	۴۹۴
علاات و حيوانات	۳۹۳	۵۰۵	۱	-	۲۸	۵۹	۱۰	۱۸	-	-
توليدات نفتي	۱۲۸۳	۹۴۷	۲۶	۱۶۵۹	۵۴۱۸	۷۱۲۹	۳۵۶۳	۲۳۰۰	۲۹۰۱	۱۱۷۸
روغن كياهي و حيواني	۴۸۸	۳۵۷	۲	۱۰	-	-	۱۱۱	۳۳	۵۳۰۱	۱۵۱۵
مواد شيميايي	۱۹۷۶۶	۱۲۰۷۹	۵۸۴۵	۳۸۵۹	۸۸۹۵	۵۱۸۲	۵۶۲۱	۴۶۳۳	۸۶۸۴	۷۲۱۲
لاستيك	۱۰۹۴	۴۸۷	۷۹۸۲	۶۵۶۷	۵۲۱	۳۶۶	۱۷۹	۱۵۷	۴۸	۵۱
سنگ د پارچه	۱۷۱۴	۱۴۷۷	۱۹۴۱	۱۲۶۸	۷۰۰	۴۶۱	۴۵۱	۳۸۱	-	۹
آهن و فولاد	۱۶۴۱۳	۱۲۹۸۵	۱۷۷۱۴	۱۹۲۴۷	۱۵۶۸	۱۷۷۲	۵۶۶	۱۰۲	۱۶۱	۱۰۴
فلزات غير آهنی	۴۳۹۸	۱۵۶۹	۹۳۳	۱۴۸۷	۷۶۵	۱۰۷۶	۱۲۱	۱۲۳	۲۹۹	۱۱۶
توليدات آهنی	۷۳۰۶	۵۴۳۱	۱۱۸۸	۱۰۰۶	۷۰۴۳	۱۱۳۵	۱۸۶۶	۷۰۰	۱۰۷	۸۴
ماشين آلات غير برقي	۷۴۰۷۱	۵۷۵۰۰	۲۳۳۲۲	۱۲۹۸۵	۱۷۱۹۱	۱۱۳۴۱	۲۸۷۲۳	۱۴۸۹۳	۳۳۲۳	۳۱۲۷
ماشين آلات و وسايل برقي			۱۳۹۶۵	۱۴۳۰۶	۱۴۰۴۳	۸۴۰۰				
ماشين آلات جاده سازی	۳۶۴۷۱	۲۰۹۸۸	۳۱۳۱۵	۱۸۰۸۷	۴۵۵۳	۳۵۸۴	۱۲۵۱۷	۱۵۸۲	۲۱۸	۱۹۴
هواپيما	۷۹	-	۷	۲	۱۸۳۵	۱۳	۷۶۵	-	-	-
كشتي	۶۴۶	-	۸۹۰۸	۷۹۲	۲۶۹	۶۳۵	-	-	۱۶۳۸	۴۴۰
وسايل و تجهيزات علمي و فني	۵۴۵۲	۵۱۲۰	۵۶۵۰	۴۹۵۶	۱۲۰۶	۱۰۳۸	۳۵۲۴	۱۹۸۶	۳۱۱	۲۰۳
جمع كل همراه ديگر اقلام صادراتي	۱۹۲۳۳۴	۱۴۷۹۱۳	۱۳۹۴۴۲	۱۱۰۸۶۷	۷۹۱۶۶۱	۵۰۵۵۹۲	۲۱۷۸۸۰	۳۱۵۴۵	۱۸۴۴۲	۱۹۶۳۷

آمار مربوط به ارقام صادراتي كشورهاي نامبرده شده ميباشد.

معاملات تجاري ايران با چند کشور - متوسط ماهانه - به ۱۰۰۰ دلار

واردات از ايران شامل بيمه و باربري CIF	ژاپن		ایتاليا		آمریکا		آلمان غربی		هند	
	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر	زانويه - دسامبر
	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۵	۱۹۸۶
سوه، سيزي و خشكيار	۱۱۵	۱۶۱	۱۳	۳۱	۱۰۵۴	۱۲۱۸	۲۱۸	۱۲۴۱	۱۴	۶۶
بوست و چرم خام	۲	۷	۴۱۳۴	۴۳۹۸	۴۳۲	۱۵۳	-	۱	-	-
پشم خام	-	-	۳۴	۱۱۶	۶	۲۳	۳۱	۸۰	۱۹۷	۱۹۵
پشم خام	۱۰۱	-	-	-	-	-	۱۶۳	-	-	-
سنگهاي معدني و فلزات قراضه	۹۷۰	۱۵۸	۱۶۸	۵۸	-	-	-	۱۲	۱۶	۳۲
توليدات نفتي و پارچه	۱۸۸	۳۵۳	۸۴۶	۷۶۸	۲۷۴	۱۲۷۶	۷۹۴۲	۲۲۴۵	۵۵	۱۰۲
ماشين آلات و وسايل حمل و نقل	۱	۴	۱۸	۲۶۴	۲۳۵	۳۰۶	۶۵۳	۱۰۲۳	۳۰۶	۲۳
جمع كل همراه ديگر توليدات بدون توليدات نفتي	۱۱۹۳	۹۷۵	۵۳۴۱	۵۷۷۸	۹۷۱۹	۸۳۶۶	۱۱۷۰۸	۱۰۰۷۱	۶۰۲	۷۹۲
توليدات نفتي	۲۳۳۹۱۲	۲۰۹۱۳۰	۱۴۹۷۵۳	۱۱۸۵۵۱	۵۰۷۱۱	۳۱۰۱۸	۴۲۳۰۹	۴۲۴۱۴	۲۱۷۲۲۱	۳۵۱۸۵

آمار مربوط به حسابهاي كشورهاي نامبرده شده ميباشد.

پیام فدائی

سال سوم
شماره ۱۹

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران



"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق
قهرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را
برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است،
به پیش رویم!"
(ماثوتسه دون)

شهدای فروردین و اردیبهشت

چریکهای فدائی خلق ایران

۵۵/۲/۲۸ بهروز ارمغانی
۵۵/۲/۲۸ اسماعیل عابدی
۵۵/۲/۲۸ زهره مدیرشانه چی
۵۵/۲/۲۸ حسین فاطمی
۵۶/۲/۱ عبدالله پنجه شاهی
۵۶/۲/۲ تهرین پنجه شاهی
۶۱/۲/۱۲ موسی ابرج، مکاری
۶۱/۲/۱۲ مهشید معتقد کیوان
مرتضی مداح (کاک شهاب)
۶۵/۲/۲۰

روز شمار فروردین و اردیبهشت

- ۱/۱/۶۱ شهادت رفیق محمد
حرمتی پور از رهبران جنگ (آرخا)
و چهار تن از همزمانش
- ۵۸/۱/۵ حمله به مردم سنج
(نوروز خونین)
- ۵۸/۱/۶ حمله به خلق ترکمن اجنغ
اول کنید)
- ۵۹/۱/۷ قتل عام اهالی
بیدفاع روستای قسه لاتان در
کردستان
- ۱/۸/ تولد ماکسیم گورکی ۱۸۶۸
- ۱/۱۰/ روز اشغال فلسطین (روز
زمین) ۱۹۷۶
- ۱۲۲۶/۱/۱۰ شهادت قاضی محمد،
صدر قاضی، سیف قاضی از
رهبران جنبش سالهای ۲۵-۲۲
کردستان
- ۱۲۰۰/۱/۱۲ قیام محمد تقی
خان پسیان
- ۵۰/۱/۱۴ اعدام انقلابی سپهبد
فرسیو توسط چریکهای فدائی خلق
ایران

رقبعا:	شیرین فضیلت کلام (معاوض)
۵۰/۱/۲۶	۵۲/۲/۶
۵۱/۱/۲۰	مرضیه احمدی اسکوش ۵۲/۲/۶
۵۱/۱/۲۰	علی اکبر (فریدون) جعفری ۵۴/۲/۲
۵۱/۱/۲۰	۵۴/۲/۲
۵۱/۱/۲۰	حبیب اله مومنی ۵۴/۲/۱۴
۵۱/۱/۲۰	محمود نمازی ۵۴/۲/۲۰
۵۱/۱/۲۰	منصور قرشیدی ۵۴/۲/۲۰
۵۱/۱/۲۰	هادی فرجاد ۵۴/۲/۱
۵۴/۱/۲۱	لادن آل آقا ۵۵/۲/۲۵
۵۴/۱/۲۲	فرهاد صدیقی پاشاکی ۵۴/۲/۲۵
۵۵/۱/۱۸	مهوش خانمی ۵۴/۲/۲۵
۵۵/۱/۲۹	محمد رضا قنبریور ۵۴/۲/۲۵
۵۶/۱/۴	فرزاد دادگر ۵۴/۲/۲۵
۵۶/۱/۹	عزت عرووی رفیق مادر) ۵۴/۲/۲۵
۵۶/۱/۱۰	قریبا علی زرکاری ۵۴/۲/۲۵
۵۶/۱/۱۰	ناصرشایگان شام اسپسی ۵۴/۲/۲۵
۵۶/۱/۱۰	ارژنگ شایگان شام اسپسی ۵۴/۲/۲۵
۶۶/۱/۲۷	۵۴/۲/۲۵
۶۶/۱/۲۷	جهانگیر باقر پور ۵۴/۲/۲۵
۶۶/۱/۲۷	هوشنگ اعظمی لرستانی ۵۴/۲/۲۵
۶۶/۱/۲۷	احمد رضا قنبریور ۵۵/۲/۲۵
۶۶/۱/۲۷	محمود خرم آبادی ۵۵/۲/۲۷
۶۶/۱/۲۷	مصطفی سن پور اصیل ۵۵/۲/۲۷
۶۶/۱/۲۷	فریدد عرووی ۵۵/۲/۲۷
۶۶/۱/۲۷	تورج اشتیری ۵۵/۲/۲۷
۵۰/۱/۲۲	۵۰/۲/۲۲
۵۰/۲/۱۸	۵۰/۲/۱۸
جواد سلاخی	بیژن جزئی
حسن ضیا، ظریفی	محمد چوپانزاده
احمد حلیل افشار	عزیز سمردی
مشعوف (سعید) کلانتری	عباس سورکی
محمد معصوم خانی	خسار سنجری
حمید اکرامی	محمد رضا کامنابی
علی میرابییون	یدالله سلسبیلی
پریدخت (غزال) آبتنی	سیمین پنجه شاهی
عباس هوشمند	حمیدهدایتی (کاک اسماعیل)
کاتام سعادت	خلیل سلمان فرزاد



هر چه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق



- ۲/۱۰ پیروزی انقلاب و بنام منصور فریبنی ریو ۵۰ دلار (فتح سایگون) ۱۹۷۵
- ۲/۱۱ قیام کارگران قهرمان اتحاد میامی ۱۰۰ دلار شیکاگو ۱۸۸۶
- ۲/۱۱ اعلام این روز از سوی م نوهون ۷۰ دلار
- ۲/۱۱ انترناسیونال بمنابه روز جهانی خلیفه مردانی ۱۰ دلار کارگر ۱۸۸۹
- ۲/۱۱ آغاز کار رادیو زنده باد جنگ خلق نیومکزیکو ۲۰ دلار صدای جریکها
- ۲/۱۲ تظاهرات وسیع م - ش اگلهما ۵ دلار کارگری در تهران
- ۲/۲۱ شهادت دکتر خاتعلی مریم کیانی دنور ۲۵ دلار (روز معلم)
- ۲/۱۲ شهادت اسماعیل شریف زاده و بارانش ۱۵۰ دلار
- ۲/۱۲ آغاز جشنش ماه مه در فرانسه ۱۸۶۱
- ۲/۱۵ تولد کارل مارکس بولونیا ۶۰۰۰۰ لیر ۱۸۱۸
- ۲/۱۵ شهادت بابی ساندر پروژا ۱۰۰۰۰۰ لیر
- ۲/۱۷ نبرد دین بین فوآ ۱۹۵۲ فلورانس ۱۶۶۰۰۰ لیر
- ۲/۱۹ پایان جنگ جهانی دوم ۱۹۴۵
- ۲/۲۱ تیرباران خسرو روزبه ۲۷/۲/۲۱
- ۲/۲۹ تولد هوش مین پویان گوتنبرگ ۱۰۰ کرون ۱۸۹۰
- ۲/۲۹ قتل عام آرامنه در ترکیه ۱۹۱۵
- ۲/۷ اعتصاب کارگران نفت جنوب ۱۲۲۰
- ۲/۸ سرکوب اعتصاب کارگران جهان جیت و شهادت کارگران قهرمان وجیه اله چشم - افروز ، علی کارگر و حسین نیکوکار
- ۲/۹ تشکیل دولت ملی دکتر مصدق و تصویب قانون خلقید ۱۲۲۰
- ۲/۱۰ پیروزی انقلاب و بنام منصور فریبنی ریو ۵۰ دلار (فتح سایگون) ۱۹۷۵
- ۲/۱۱ قیام کارگران قهرمان اتحاد میامی ۱۰۰ دلار شیکاگو ۱۸۸۶
- ۲/۱۱ اعلام این روز از سوی م نوهون ۷۰ دلار
- ۲/۱۱ انترناسیونال بمنابه روز جهانی خلیفه مردانی ۱۰ دلار کارگر ۱۸۸۹
- ۲/۱۱ آغاز کار رادیو زنده باد جنگ خلق نیومکزیکو ۲۰ دلار صدای جریکها
- ۲/۱۲ تظاهرات وسیع م - ش اگلهما ۵ دلار کارگری در تهران
- ۲/۲۱ شهادت دکتر خاتعلی مریم کیانی دنور ۲۵ دلار (روز معلم)
- ۲/۱۲ شهادت اسماعیل شریف زاده و بارانش ۱۵۰ دلار
- ۲/۱۲ آغاز جشنش ماه مه در فرانسه ۱۸۶۱
- ۲/۱۵ تولد کارل مارکس بولونیا ۶۰۰۰۰ لیر ۱۸۱۸
- ۲/۱۵ شهادت بابی ساندر پروژا ۱۰۰۰۰۰ لیر
- ۲/۱۷ نبرد دین بین فوآ ۱۹۵۲ فلورانس ۱۶۶۰۰۰ لیر
- ۲/۱۹ پایان جنگ جهانی دوم ۱۹۴۵
- ۲/۲۱ تیرباران خسرو روزبه ۲۷/۲/۲۱
- ۲/۲۹ تولد هوش مین پویان گوتنبرگ ۱۰۰ کرون ۱۸۹۰
- ۲/۲۹ قتل عام آرامنه در ترکیه ۱۹۱۵
- ۲/۷ اعتصاب کارگران نفت جنوب ۱۲۲۰
- ۲/۸ سرکوب اعتصاب کارگران جهان جیت و شهادت کارگران قهرمان وجیه اله چشم - افروز ، علی کارگر و حسین نیکوکار
- ۲/۹ تشکیل دولت ملی دکتر مصدق و تصویب قانون خلقید ۱۲۲۰



کمکهای مالی

- امریکا: دیترویت ۴۰۰ دلار
- پیام فدائی هوستون ۵۰ دلار
- خسرو - اشرف کارولینای شمالی ۶۰ دلار
- حمید میرشکاری میامی ۱۰۰ دلار
- پاک میامی ۱۰ دلار
- زندانی سیاسی اوهایو ۲۴۵ دلار
- غزال آیتی نیومکزیکو ۵۰ دلار
- پرومته واشنگتن ۷۵ دلار
- انگلستان: خانواده پیشمرگه ۲۴۰۰ تومان
- پیشمرگه خلق کرد ۱۲۰۰ تومان
- احمد ۴۰۰ تومان



پیام
چریکهای فدائی خلق ایران
بمناسبت
نوروز ۶۷

خلقهای قهرمان ایران! بهار، سال پرفراز و نشیب دیگری
کارگران و زحمتکشان! را پشت سر میگذاریم. سالی که
چریکهای فدائی خلق جنبش انقلابی خلقهای در بندما
ایران فرارسیدن نوروز و آغاز از جانب امپریالیستها و سگان
سال جدید را ششما کارگران و زنجیریشان یعنی سردمداران ضد
و خلفهای تحت ستم میهنمان تیریه خلقی رژیم جمهوری اسلامی،
میگویند. آماج نهجمات و حشیانه جدیدتری
اکنون با فرارسیدن فصل
در صفحه ۱۸

نقش آموزش و پرورش،
تحت حاکمیت ضد خلقی
جمهوری اسلامی

۱۲ میلیون دانش آموز
میهنمان تحت حاکمیت سرکوبگرانه
رژیم وابسته به امپریالیسم
جمهوری اسلامی هر یک دارای تنها
یک سانتیمتر مربع فضای پرورش
میباشند. این شاهکار ضد خلقی،
واقعیتی است که در ماههای اخیر
از سوی معاونت پرورش وزارت
آموزش و پرورش رژیم یعنی
مزدوری به نام زرهانی اعلام
گردیده است. آنها در شرایطی
کسیه هر روز جبهه های جنگ
امپریالیستی و بسسه تبع آن
کورستانهای کشور فضای بازهم
بیشتری را اشغال مینمایند.
البتسه اوضاع اسفبار
آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی
موضوع حساسید و شگفت آوری
نیست، در ایران تحت سلطه
برای توده های محروم و کسانیکه
اندک آشنائی ای با ماهیت بغایت
جنسایتکسارانه و عملکردهای
ظلموردمی سگان زنجیری حاکم بر
کشور داشته باشند، درک علل و
چگونگی این وضعیت زیاد هم مشکل
نخواهد بود. چرا که رژیم
وابسته و سرکوبگری که در طول ۹
سال حاکمیت ننگین و سراپا جنایت
خویش زتسدگی و حشیانیت
در صفحه ۱۵

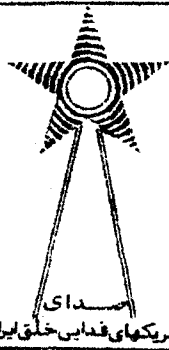


پیام چریکهای فدائی خلق ایران
بمناسبت
۱۱ اردیبهشت روز جهانی
کارگر

کارگران قهرمان ایران! تلقی میشد، پرولتاریای رزمنده
در شرایطی کسه محدودیت
قانونی کارروزانه به ۸ ساعت در
روز سمشابه نخستین شرط ضروری
برای بهبود وضع کارگرو موفقیت
تلاشهای کارگران در راه رهانشان
در صفحه ۱۹

با کمکهای مالی خود
چریکهای فدائی خلق ایران
را یاری رسانید

در تکثیر آثار سازمانی بکوشید



ساعات پیش:
۹ شب و
در ۶ صبح و ۱۷ ظهر روز بعد
ردیف ۷۵ متر
جسادی
چریکهای فدائی خلق ایران

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران
با نشانی های زیر مکاتبه کنید:

انگلستان
مرانس
F.S
B.P-181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

انگلستان
مرانس
BM BOX 5051
LONDON
WC1N 3XX
ENGLAND

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!